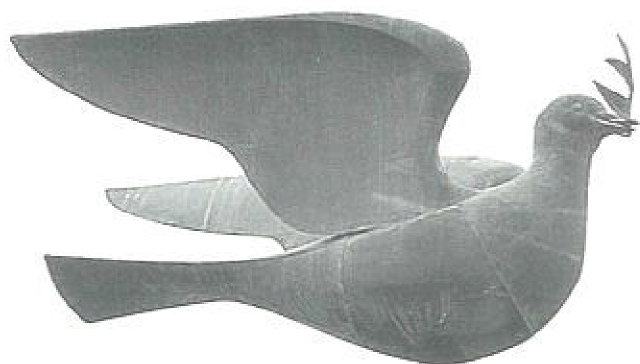


پرتیراژترین نشریه یهودی جهان به ۳ زبان

چشم انداز

شماره دهم اکتبر ۱۹۹۱





Nadine Gordimer

بانوی نویسنده یهودی برنده جایزه نوبل در ادبیات امسال گردید.

صلح در خاورمیانه



دراین شماره







من و گنجشکهای خونه

درجستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده ایم؟

متن سخنرانی دومین سال کیپور سازمان «سیامک» که توسط آقای فاخری ایراد شد، بازتاب وسیعی در جامعه پیدا نمود که بخاطر درخواست علاقمندان بیشمار آن چاپ می گردد.

این سخنرانی را خالصانه تقدیم می کنم به طبیب انسانی که با درد مریض همدرد است.

«دکتر عزیزالله نورمند»

سهراب سپهری فیلسوف، شاعر ونقاش می نویسد:

اهل کاشانم
روزگارم بد نیست.
تکه نانی دارم، خرده هوشی، سر سوزن ذوقی.
و پس از سیری در مسیر تحول زندگی میگوید:
هر کجا هستم، باشم
آسمان مال من است، پنجره، فکر، هوا، عشق، زمین مال من است.
چه اهمیت دارد، گاه اگر میرویند قارچ های غربت؟

چه توصیف شاعرانه ای است از یک آواره یهودی
راستی اهل کجائیم؟ اهل کاشانیم؟ اهل شیرازیم؟ خود را تهرانی می دانیم وشاید با همه غربتی که از این کلمه داریم اهل لُس آنجلس ایم.
بعنوان یک انسان یهودی از فراز ونشیب ۶ تمدن بزرگ گذشتیم و در ۲۰ تا ۳۰ تمدن جهانی بیتوته نمودیم، در کنعان سرگردان شدیم، بردگی مصر را کشیدیم، اسارت بابل را تجربه کردیم، در لباس مکابیها شورش نمودیم و زخم شلاق رومیها را بر پشت هایمان نشاندیم.
تا رسیدیم
به قرون وسطی
فئودال بزرگ اروپا، سرمایه دارمان خواند. حکمران مسلمان قوم صاحب کتابمان نامید و بچه جودهای گتوهای اروپا، متفکران و اندیشمندان و بالاخره قربانیان اردوگاههای مرگ هیتلر رادرعصر جدید ارائه دادند و اکنون
پس از یک غیبت ۲۰۰۰ ساله به کشور اسرائیل بعنوان یک حکمران و نه یک زیردست رجعت کرده یا در تمدن های در حال مرگ یا شکوفای عصر جدید سرگردانیم.
انسان یهودی درمسیر این تاریخ چرا ماند ـ چرا چون دیگر تمدنها نابود نشد ـ رمز این «جاودانگی» را در کدام فلسفه جهانی می توان توجه نمود.
بقول ماکس دومانت آیا قوم برگزیده ای آسمانی هستیم که مأموریتی زمینی را در جهان بایستی به انجام برسانیم یا خودمان خود را در زمین برگزیده ایم که مأموریتی آسمانی را به انجام برسانیم.
آیا برطبق پیش بینی ایزیا
این مأموریت آسمانی برقراری برادری جهانی است
یا برای مأموریت زمینی برای هدفی آسمانی بنابه فلسفه الهیات طبیعت خدائی «اسپینوزا» مرد جهانی را تولید خواهیم کرد.
می خواهیم بدانیم در این راه،
پشیواهای معتبر چند صد ساله ـ فلسفه میمونید ـ ترجمات راشی ـ شعر هالوی ـ سازماندهی کارو ـ رمز و رازهای کابالا ـ بشردوستی هاسکالا و یا ملی گرائی صیونیسم که بخشی از یهودیان را در اسرائیل جمع کرده، کارساز این نگاهداری قوم یهود بوده اند.
«ماکس دومانت» تاریخ نویس معاصر یهودی در بررسی جامع خود از این پراکندگی ها وماندنها وبودنها وشگفتی ها وبا مقایسه روش تاریخ نگری «توین بی» و «اسپینگلر» نتیجه می گیرد که تمدنها دارای دوران بچگی، جوانی، پیری وسپس مرگ هستند.
برخلاف «توین بی» که میگوید: تمدنی در طول تاریخ می ماند که بتواند در مقابله با حوادث واکنش مثبت نشان دهد.
«ماکس دومونت» عقیده دارد که یهودیت ماند زیرا تمدن نبود که بدوران مرگ برسد و فرهنگ بود ـ یک ایده بود ونه یک چیز، نه دین ونه ارتش که بر مذاهب دنیا اثر گذاشت که اکنون دوسوم دنیا بر اساس قوانین و افکار یهودی اداره می شود.
عقاید ـ موسی ـ عیسی ـ پال ـ اسپینوزا ـ مارکس ـ فروید ـ انیشتن و دیگران که می دانید.
وی پراکندگی یهودیان در جهان را رمز پایداری فرهنگ قومی یهود می داند چه با رفتن از تمدنی به تمدن دیگر آب حیات جاودانگی را یافتیم، یاد گرفتیم و یاد دادیم ـ اثر کردیم و مؤثر واقع شدیم.
هر عصر تمدنی راتاریخ بلعید ـ کوچ کردیم ـ چمدان فرهنگمان را در هر بازار جدیدی پهن کردیم
خریدیم و فروختیم
حال بعد از ۲۰۰۰ سال پرچم یهودیت و یکتاپرستی را در میان بت پرستان و بربریت را افراشتن و ۲۰۰۰ سال دیگر نگاهداری اخلاقیات یهودی توسط کاشروت و قوانین تورا رسالت انسان

چشم انداز

JUDEA CHRONICLE

سردبیر: داریوش فاخری

معیار سردبیر: آشر آرام نیا

با همکاری:

شهرام سیمان

داوید فاخری

و همگامی:

نویسندگان - مترجمین و گزارشگران

P.O.Box 3074

Beverly hills, Calif. 90212

(818) 503- 1270

یهودی معاصر جهانی.

قانون سوم تورا وتلمود، یعنی اخلاقیات جهانی و عدالت و برابری برای انسانهاست

هر جای دنیا که باشیم

من و توی آواره یهودی ایرانی تبار کجائیم

من و گنجشگ های خونهٔ قدیمی به کجا رسیده ایم.

قومی هستیم پریشان در رو یاروئی با فرهنگی جدید

و با هم بیگانه، بیگانهٔ بیگانه

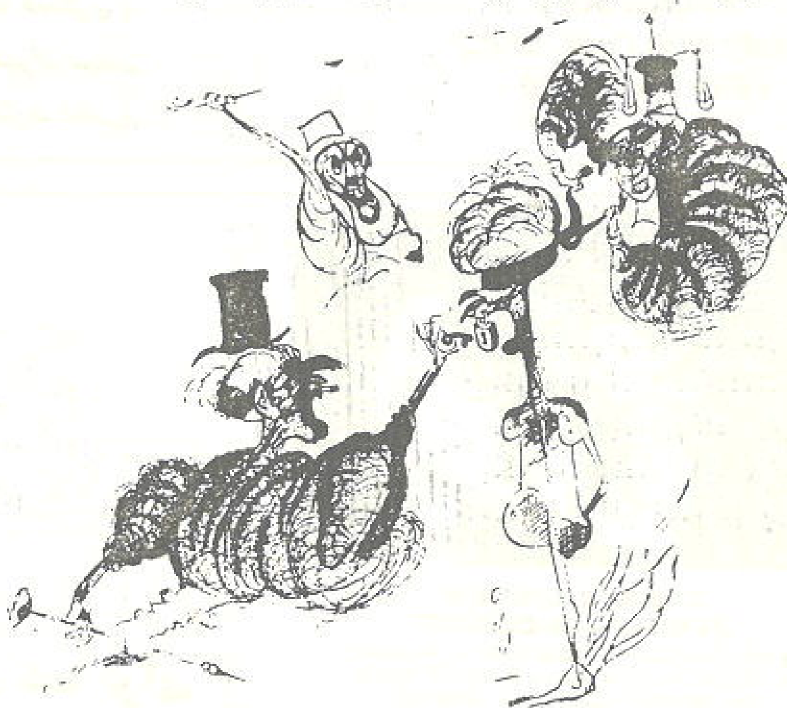
رسالت من، من یهودی ایرانی تبار

از لحاظ جهانی،

ملی بودن،

قومی بودن، خانوادگی و فردی چیست؟

نشان و اعتبار گم شده من در پریشانی



فرهنگی و اقتصادی دنیای جدید من راه خودنمایی ندارد که بالا ترین درجه اختلاط من با مسایل جهانی در حد پائینی است و سیاست انگلیسی دانستن آنها

ملی بودن من، اعتبار ندادن به کشور ایران که در آن زاده شده ام و یا مملکت امریکاست که با انتخاب خودم سرزمین جدید من شده است. قومیت من-کشور اسرائیل در حد استفاده کردن ها وسوء استفاده کردن و خواب رفتن ها و خواب رفتن ها و خواب رفتن هاست.

بیائید چمدان فرهنگمان را باز کنیم بخریم و بفروشیم

با هم بیگانه ایم بیگانه

خوابیم — وقتی پرواز زیبای برادران گمشده در چند صد سال آوارگی و سیاهی را برادر یهودی من که مسلسل بدست فرودگاه کشوری را چند هزار مایل دور ازکشورش قرق می کند ودر برابر میلیونها جمعیت و صدها هزار سرباز اتیوپی می ایستد که با کوچکترین اختلافی در یک قرارداد سیاسی ممکن است تکه تکه شده

اش را به اسرائیل بازگردانند تا برادر گمشده ای را به کشور صیون برگرداند

کشوری که قرارداد صلح بین جناحهای درگیر در جنگ را در لندن به تعویق می اندازد

که شهروندان جدیدش با قالیچه سلیمان با خرج میلیونها دلار و خدا میداند چه باجهای سیاسی، به کشور اسرائیل بیایند

خانوادهٔ من این لانه گم کرده عشق — این در گرو رفته پول،زنیتش پرده بی شرمی و آز

«عشق را گم کردیم»

با هم بیگانه بیگانه

آی برادر عزیزم که مینالی شهر، شهرت نیست — کشورت آه ایران ایران — که زنت، زن نیست مجنون است، مجنون ادواری است.

آخرین بار چه کلامی عاشقانه و یا چه شاخه گلی را بی علت برایش بردی

چه زمانی گفتی **دوستت دارم**

پدرم،

پسرت را به فرهنگ امریکائی نباختی

پسرت را به بی توجهی خودت باختی و یاد نگرفتن حرفی — ایده ای — موزیکی و برنامه ای که برای او مهم است، باختی.

که ما دانا را نشناختی و با دختر نوجوانت مجله مخصوص سن او را ورق‌نزدی.

خواهرم

شوهرت را بی مهر تو کردی

که عشق را در کار شبانه روزی جستجو کرد ودر خستگی بی پایان و بی توجیه.

چه برنامه ای را خانوادگی با هم دیدید؟ و چه **سفره عشقی** را شبانه تو، چیدی؟

بنشینیم و بیندیشیم

اینهمه با هم بیگانه

اینهمه دوری و بیزاری

به کجا آیا خواهیم رسید

و چه خواهد آمد بر سر ما

بااین دلهای پراکنده

حاج سید جوادی میگوید شأن انسان و اعتبار اندیشه او در قدرت ابداع و تحول و گذشتن از وضع موجود است.

— زندگی انسان سازش نیست بلکه ساختن و دوباره ساختن است.

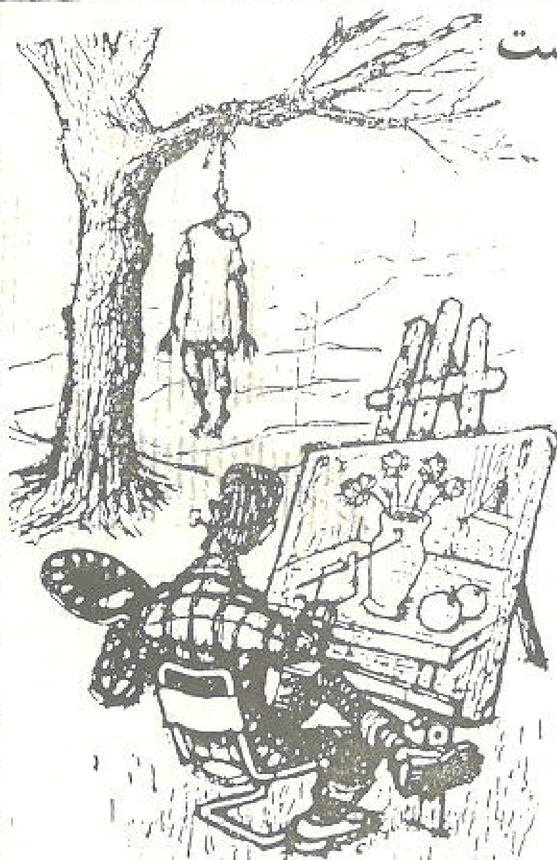
برادر هم قبیله خوبم ــ گنجشگ هم خونه
قدیمی من
«خاک خواهی شد
از رخ آینه ها هم پاک خواهی شد
چون غباری گیج، گم، سرگشته در
افلاک خواهی شد.»[۲]
کوله باری داریم از فرهنگی که قوممان را
از مسیر ۶ تمدن گذراند و ۲۰ تمدن دیگر را
پشت سر گذاشت.

آواره، چمدانی از فرهنگ خوب و بدمان در این قطب آوارگی جدید بیتوته کردیم، دارای رسالتی هستیم برای جامعه انسانی.

ملیت، قومیت، خانواده و فردیتمان.
یهودیت اروپائی بیش از ما و پیش از ما ارزش انسانی خود را به جامعه بشری ارائه داده در رو یارویی با فرهنگ یهودی
امریکائی
«بیائید چمدان فرهنگمان را باز کنیم»
«بخریم و بفروشیم»
یاد بگیریم
یاد بگیریم که «عشق» را سر هر دکانی به
چوب حراج اول نفروشیم
معنای «طلاق» نه در پول است نه در بی
پولی
نه پول داشتن لزوماً رذالت می آورد و نه بی
پولی الزاماً شرافت
خلیل جبران میگوید:
یاد بگیریم که در زندگی مشترکمان و با
همسرمان غذایمان را تقسیم کنیم ولی از
یک بشقاب نخوریم.
یاد بگیریم
«اشک بر مرده نریزیم»
بر برادری بباریم که در کنارمان است
یاد بگیریم
که ننشینیم ــ برخیزیم ــ بسازیم
«که کوه با اولین سنگ ساخته می شود
و انسان با اولین درد»[۳]
مولوی میگوید:
هین که اسرافیل وقتی راست خیز
رستخیزی ساز پیش از رستخیز
ما بدنیا، فرامرز انشتین را مدیونیم ــ فرهاد
کیسینجر را هنوز تحویل نداده ایم ــ عاشر
شمیر را هنوز کسی نمی شناسد ــ رئیس
جمهور اسرائیل ــ ژنرال ستاد ارتش
وای بر من جایزه نوبل امسال را هم که
دیگران بردند
«تو اگر بنشینی من اگر بنشینم چه
کسی برخیزد چه کسی؟»

مرگ دشمن زندگی نیست

ترجمه: لادن خرمیان (توکلی)



من غالباً احساس می کنم که مرگ دشمن زندگی نیست، بلکه یک دوست است، چرا که این علم به محدود بودن سالهای زندگیست که هر سال را از سال دیگر گرانبها تر می سازد. حقیقت این است که زمان به ما قرض داده شده است و دانش به این اصل، خود باعث می شود که ما به سالهای عمرمان به شکل امانتی نگاه کنیم که موقتاً در اختیار ما گذارده شده است.

ما، مانند کودکانی هستیم که سعادت و امتیاز این را یافته اند که یک روز را در پارک بگذرانند. یک پارک پر از باغهای متعدد، زمین های بازی و بالاخره دریاچه های لاجوردینی که زورق های سفید رنگ بر روی موج های آرام آن شناورند.

روزی که به هر یک از ما تخصیص داده شده، براستی برای همه به یک اندازه طولانی، نورانی و زیباست. بعضی از فرزندان زمین این امتیاز را دارند که یک روز بلند و آفتابی را در باغ زمین بگذرانند. برای برخی دیگر این روز کوتاهتر و ابری تر است و تاریکی مثل قصهٔ زمستان زودتر بر آن نزول می کند.

امّا چه زندگی ما یک روز طولانی تابستانی باشد و یا یک روز کوتاه زمستانی، آنچه مسلم است این است که در هر زندگی طوفان هایی وجود دارند که حتی آبی ترین آسمان ها را تیره می سازند و به همین ترتیب اشعه های پرنوری نیز وجود دارند که در تاریک ترین آسمان های پاییزی رخنه می کنند. روزی که هر یک از ما سعادت آنرا بیابیم که در باغ پر عظمت زندگی کنیم؛ این روز برای همه یکسان نیست، امّا در هر ساعت آن به اندازهٔ کافی زیبایی، خوشی و شادمانی وجود دارد، فقط اگر ما قدر آنان را بدانیم.

بنا براین برای هر یک از ما لحظه ای فرا می رسد که مرگ این پرستار بزرگ دست ما را فشرده به آرامی می گوید: «زمان آن است که به خانه رویم. شب دارد فرا می رسد. فرزند زمین، زمان خواب است. بیا تو خفته ای، بیا و بالاخره در پرورشگاه آرام طبیعت بخواب. آسوده بخواب. روز به پایان رسیده است. ستارگان در سایبان ابدیت می درخشند.»

چرا اسرائیل از دولت امریکا درخواست ضمانت وام دارد؟

اخیراً دولت اسرائیل برای اسکان یک میلیون مهاجر یهودی روسی از دولت امریکا درخواست ضمانت ۱۰ بیلیون دلار وام نموده است تا دولت اسرائیل بتواند با ضمانت دولت امریکا از بانک های خصوصی امریکایی وام طولانی ۳۰ ساله با بهره کم بگیرد ولی رئیس جمهور امریکا، جورج بوش امضاء این ضمانت نامه را مشروط به تعهد اسرائیل بر بنا ننمودن آبادی های یهودی نشین در مناطق تحت تصرف ساحل غربی قرار داده است. این مسأله روابط امریکا و اسرائیل را کمی تیره و سرد نموده است. معهذا طرفداران دولت اسرائیل از طریق تماس با کنگره امریکا دلایل قانع کننده ای برای دریافت وام ارائه داده اند که خلاصه ترجمه آن از نشریه «نی یر ایست ریپورت» برای خوانندگان گرامی چشم انداز فراهم شده که ذیلاً درج میگردد.

ترجمه: مهندس ایرج صفائی

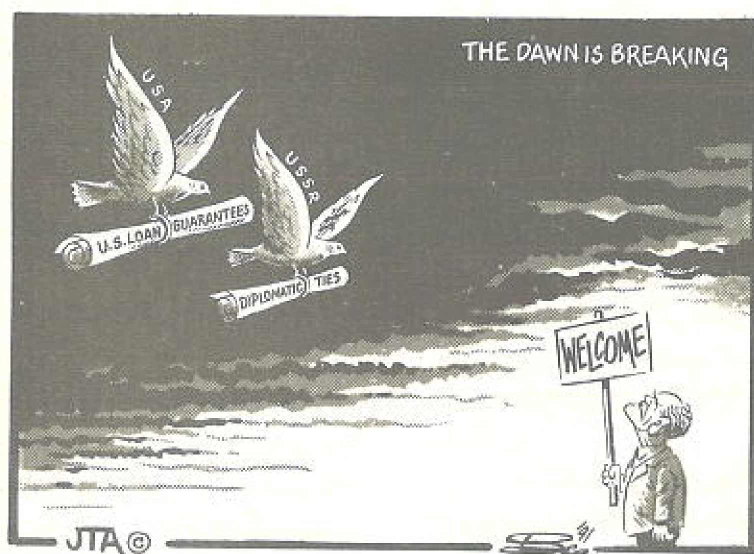
اتحاد جماهیر شوروی دروازه هایش را برای مهاجرین یهود باز گذاشته است. در مدت ۱۸ ماه گذشته بیش از ۳۵۰,۰۰۰ مهاجر جدید به اسرائیل وارد شده اند، بیشتر این مهاجرین با اثاثی مختصر و فقط ۱۰۰ دلار پول نقد وارد اسرائیل می شوند. اسرائیل بایستی برای این مهاجرین نه تنها حد اقل معاش انسانی و زندگی و بیمه درمانی را فراهم آورد، بلکه بایستی غذا و سر پناه زندگی آنها را فراهم نماید و آنها را نیز برای زندگی در اسرائیل آماده کرده و شغل و کار مناسب برایشان فراهم آورد. برای اسرائیل مسأله ای که در الویت قرار دارد جذب موفقیت آمیز تقریباً یک میلیون مهاجری است که در ۵ سال آینده از شوروی به اسرائیل مهاجرت خواهند کرد.

برای اولین بار هزینه بودجه مهاجرین، بودجه دفاعی اسرائیل را تحت الشعاع قرار داده، این رقم به ۶ بیلیون دلار می رسد که تقریباً ۲۰٪ بودجه اسرائیل است. شهروندان اسرائیلی که هم اکنون پشتشان زیر بار مالیات بردرآمد خم شده است مجدداً بایستی ۱۰٪ دیگر مالیات بردرآمد اضافی بپردازند و در ضمن بایستی ۲۰٪ مالیات اضافی نیز از حساب های پس اندازشان بپردازند تا دولت بتواند قسمتی از هزینه جذب مهاجرین را تحمل کند.

اگر بخواهیم این کار را با امریکا مقایسه کنیم، امریکا، کشوری که ۲۵۰ میلیون نفر جمعیت دارد و درآمد ناخالص ملی آن در سال بیش از چندین بیلیون دلار است در هر سال فقط ۱۲۵,۰۰۰ نفر پناهنده را می پذیرد.

اسرائیل با جمعیت ۴/۵ میلیون نفری و درآمد ناخالص ملی ۳۴ بیلیون دلاری بایستی هر سال ۲۰۰ هزار نفر مهاجر جدید را پذیرفته و سکنی دهد.

چرا اسرائیل برای مدت ۵ سال به سالی ۲ بیلیون دلار وام اضافی نیاز دارد؟



«ضمانت کردن» ــ چنانچه دولت امریکا در هر سال و فقط بمدت ۵ سال ضمانت وام های اسرائیل را بنماید، بزرگترین کمک ممکن را برای جذب و استقرار مهاجرین در اسرائیل بعمل آورده است. ضمانت وام به معنی بخشیدن وام نیست. دولت امریکا فقط متضمن پرداخت وام های دریافتی اسرائیل از بانک های خصوصی امریکا می باشد. چنانچه دولت امریکا متضمن پرداخت این وام ها گردد، اسرائیل می تواند وام های طولانی مدت ۳۰ ساله با نرخ ارزانتر از بانک های امریکا بگیرد. درغیر این صورت وامهای عادی سررسید و موعد پرداخت ۷ ساله دارند که مقرون بصرفه نیست. این وامها صرف ایجاد هزینه خانه سازی، حمل ونقل و ارتباطات، و ایجاد شغل و کار خواهد شد. بدینوسیله اقتصاد اسرائیل قادر می گردد که از وجود یک میلیون مهاجرین تحصیلکرده سطح بالا و کارآزموده بهره مند گردد.

چرا ضمانت وام به امر صلح بین اعراب و اسرائیل کمک می کند؟

اسرائیل تنها نمونهٔ یک کشور دموکراسی در یک منطقه آشوب زده و بحرانی می باشد. کمک های خارجی به اسرائیل متضمن حفظ و حمایت از منافع استراتژیکی امریکا و تعهدات اخلاقی آن است. این وام ها نه تنها به حفظ موجودیت اسرائیل کمک می کند، بلکه برای منافع امریکا هم بسیار مهم است. این کمک ها باعث تأخیر جنگ و تشویق صلح می گردد. یک اسرائیل قوی وامن که نیازهای جذب یک میلیون مهاجر را برآورده کند، ملتی است که با همسایگان آماده به صلح به توافق می رسد. از طرف دیگر کشورهای عربی ممکن است ادعا نمایند که چنانچه اسرائیل موفق به دریافت این وام گردد کنفرانس صلح شکست خواهد خورد ولی آنهااین مسأله را شرط شرکت در کنفرانس قرارنداده اند.

این مسأله که دولت امریکا این وام را با کنفرانس صلح مرتبط کرده است شک و شبهه ای نسبت به بیطرفی امریکا بعنوان یک واسطه بعمل می آورد.

چرا دولت امریکا مسئول مهاجرین روسی یهودی می باشد؟

در دو دهه گذشته امریکا و دنیای آزاد به آزادی مهاجرین یهودی کمک کرده اند، در حالیکه رؤسای جمهوری امریکا در ملاقات هایشان با رؤسای جمهوری شوروی روی مسأله آزادی یهودیان تأکید کرده اند. کنگره امریکا نیز با تصویب قوانینی به این مهاجرت کمک کرده اند.

برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ دولت امریکا برای جذب مهاجرین روسی در اسرائیل کمک های مالی مناسبی فراهم آورد. وقتی از دولت امریکا سؤال شد که چرا مبادرت به پرداخت این کمک ها کرده است سناتور ماسکی سه دلیل زیر را ذکر نمود:

۱ــ ما هیچگاه فراموش نمی کنیم که کشور پناهندگان هستیم و تعهدات ما برای نجات پناهندگان برروی کتیبه های مجسمه آزادی امریکاحک شده است. برروی کتیبه ها، برای نجات پناهندگان مجسمه آزادی امریکا حک شده است.

۲ــ تاریخ طولانی زجز و اعدام های مذهبی و بخصوص اقدامات نیم قرن گذشته که منحصر به اعدام یهودیان گشته است، مورد توجه عمیق ملت امریکا بوده است و از این رو از اوایل قرن بیستم رهبران ملی امریکا برای آزادی و اعاده حیثیت جامعهٔ یهودیان دنیا تلاش کرده اند. دولت امریکا نقش مهمی در ایجاد کشور اسرائیل بازی کرده و ما یکی از مدافعین آن از بدو پیدایش آن بوده ایم.

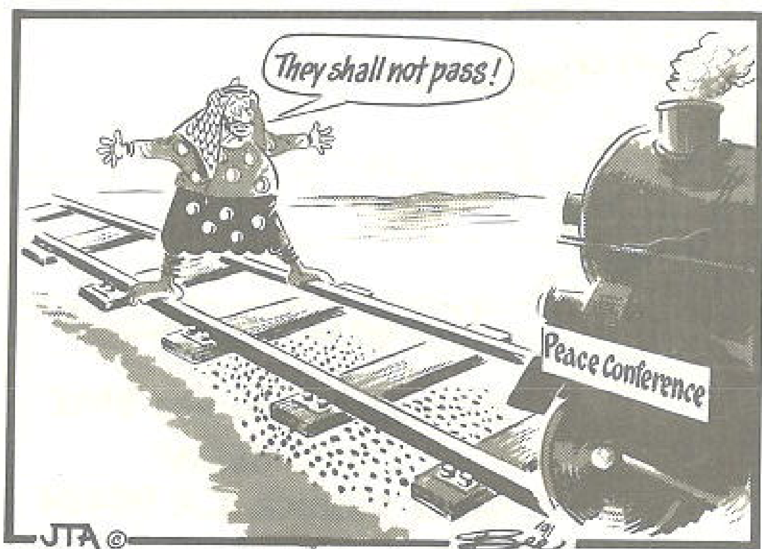
۳ــ علاوه بر دلایل و علائق انسانی، هدف شخصی ما حفظ و پایداری اسرائیل است. جنگ نه تنها خطر بزرگی برای حفظ اسرائیل است، اگر ما کمک نکنیم حادثه و مصیبت اقتصادی بدتر از جنگ برای اسرائیل است. کشوری به کوچکی اسرائیل با آن هزینه سنگین نظامی نمی تواند از عهده مخارج سنگین میلیونها مهاجر روسی به تنهائی برآید و از این رو ما بایستی برای جذب آنها از کمک های مالی به اسرائیل دریغ نکنیم.

چرا ما بایستی به اسرائیل ضمانت وام بدهیم مگر امریکائی ها خانه و کار نمی خواهند؟

این ضمانت به این معنی نیست که دولت امریکا دیناری از بودجه ۶۰۰ بیلیون دلاری ۵ ساله مصارف داخلی خود را صرف اسرائیل خواهد کرد. این ضمانت وام برای اسرائیل هیچ باری بردوش بودجه داخلی امریکا وارد نخواهدآورد و هیچ پولی از بودجه داخلی دولت امریکا صرف استقرار مهاجرین یهودی روسی نخواهد شد؟

آیا این مسأله باری به دوش مالیات دهندگان امریکائی نخواهد بود؟ وکسر بودجه امریکا را بیشترنمی کند؟

تنها باری بر دوش مالیات دهنده امریکائی اضافه می شودکه اسرائیل نتواند باز پرداخت این وام را بنماید. اساس قانونی که در سال گذشته بتصویب رسیده است هر وام گیرنده بایستی قسمتی از مبلغ وام دریافتی را در حساب مخصوصی تحت عنوان «وام ذخیره» نگهداری نماید تادر صورتیکه کشوری در باز پرداخت وام ها قصور کرد از آن حساب ذخیره برداشت شود که بمنزلهٔ نوعی بیمه برای آنگونه وام ها می باشد. از آنجا که اسرائیل تا این تاریخ به همهٔ تعهدات وامی خود عمل نموده است و دارای کردیت و اعتبار بسیار خوبی است این رقم ذخیره هم حد اقل



خواهد بود، و باز هم بر اساس قانون بودجه که سال گذشته بتصویب کنگره امریکا رسیده است، این ارقام نمی تواند به کسر بودجه امریکا اضافه شود و همچنین نمی تواند از بودجه های داخلی امریکا کم نماید.

آیا این وام به اقتصاد امریکا هم کمک می کند؟

این وام در حقیقت اقتصاد داخل امریکا را نیز تقویت می نماید. براساس موافقتنامه مبادله آزادی بازرگانی بین امریکا و اسرائیل، اسرائیل در سال گذشته مبلغ ۳/۲ بیلیون دلار کالا از امریکا وارد کرده است که شامل وسائل و مصنوعات زیادی برای جذب مهاجرین بوده است و اسرائیل بر اساس و نسبت جمعیت و سرمایه بغیر از کانادا بزرگترین وارد کننده از امریکا می باشد.

قسمت مهمی از این ضمانت نامه وام صرف خرید کالا از امریکا خواهد شد که صرف ایجاد ساختار تأسیسات زیر بنائی، و توسعه امور اقتصادی اسرائیل خواهد شد. چنانچه در سال گذشته ۱۹۹۰ نیز که دولت امریکاضمانت یک وام ۴۰۰ میلیون دلاری را تقبل کرد، مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار آن صرف خرید خانه های پیش ساخته و مصالح ساختمانی دیگر از امریکا گردید. این رقم معادل ۵ برابر صادرات آن در سال ۱۹۸۹ بود.

آیا اسرائیل با گرانتی این وام مانع از تحولات اقتصادی در اسرائیل نخواهد شد؟

خیر اقتصاد اسرائیل در حال تغییرات اساسی بنیادی است. بخش اقتصادی خصوصی در حال رشد می باشد، دیگر دولت در مسائل اقتصادی خود را کمتر مداخله می دهد، رفورم سرمایه در اسرائیل اکنون در حال تحول است و ارزش اوراق سهام که بورس تل آو یو از ژانویه گذشته ۵۰٪ افزایش یافته است. در حال حاضر تمام کمک هزینه های دولتی (سوبسید) مگر درکرایه حمل ونقل و آب حذف شده است.

در ۱۲ جولای دولت اسرائیل یک کمیسیون سه نفری از اعضاء دولت را به سر پرستی اسحق شمیر نخست وزیر اسرائیل مأمور نمود تا هر چه زودتر باقیمانده شرکت های بزرگ دولتی را به بخش خصوصی بفروشند.

آیا هزینه آوردن این پناهندگان به امریکا ارزانتر است؟

هزینه دولت امریکا برای جذب



پناهندگان بدون کمک های مؤسسات خیریه ۷۰۰۰ دلار بازاء هر نفر است. اگر مهاجرین روسی بجای مهاجرت به اسرائیل به امریکا بیایند برای مالیات دهندگان امریکائی بتنهائی ۷ بیلیون دلار هزینه خواهد داشت.

من همیشه شنیده ام که اقتصاد اسرائیل در سالهای اخیر موفق نبوده است. چگونه آنها می توانند این وامها را باز پرداخت نمایند؟

در سالهای اخیر بدهی دولت اسرائیل بشدت تقلیل پیداکرده است. حتی در بدترین شرایط اسرائیل قادربه باز پرداخت این وامهاخواهد بود. بنا بر گزارش مؤسسه مالی «سالمون برادرز» در نیو یورک قدرت اعتباری اسرائیل بیش از اندازه ای است که برآورد می شود.

بدهی خارجی اسرائیل معادل ۳۶٪ ارزش محصولات تولیدی کلی داخلی است. این رقم با مقایسه با سال ۱۹۸۵ که ۸۰٪ بوده است پایین آمده است. در ضمن صادرات اسرائیل معادل ۳۷٪ ارزش تولیدات داخلی است. این رقم با مقایسه با ژاپن که ۱۶٪ است بمراتب بیشتر می باشد. وبعلاوه درمقایسه با خدمات بدهی خارجی به صادرات رقم ۱۵٪ بدست می آید که در سال ۱۹۸۸، ۲۱٪ بوده است و تقلیل نموده ودر مقایسه با کانادا که ۲۳٪ است بمراتب بهتر می باشد.

این پولها چگونه خرج می شود؟

هزینه جذب این مهاجرین رقمی بین ۴۰ تا ۵۰ بیلیون دلار است. این هزینه شامل ساختن ۲۶۰,۰۰۰ واحد مسکونی وایجاد ۳۶۰,۰۰۰ شغل تازه و ساختن ۱۲,۰۰۰ کلاس در مدارس و افزایش مهم آب، فاضل آب و جاده در اسرائیل می باشد.

آیا این پول صرف ایجاد خانه سازی درساحل غربی اردن می شود؟

بر اساس قوانین وقرارداد موجود بین امریکا و اسرائیل بهیچوجه این وجوه نمی تواند خرج ساختن خانه سازی در مناطق

تحت تصرف اسرائیل بشود و اسرائیل همه ساله ریز خرج این وجوه را در اختیار امریکا قرار می دهد و بعلاوه وزیر خارجه اسرائیل طی نامه کتبی به آقای جیمز بیکر وزیر خارجه امریکا متعهد شده است که این پناهندگان روسی بهیچوجه در مناطق اشغالی اسکان داده نخواهند شد.

اسرائیل به این تعهد خودعمل میکند وهیچ مهاجری تشویق به سکونت درمناطق اشغالی نشده است و فقط بر طبق آمار رسمی وزارت خارجه امریکا ۱/۲٪ آنها در مناطق اشغالی ساکن شده اند.

چرا یهودیان امریکا این وام را تعهد نمی کنند؟

یهودیان خارج اکنون تعهدات بزرگی نسبت به اسرائیل بعمل آورده اند. تا پایان سال ۱۹۹۲ یهودیان امریکائی مبلغ ۵ بیلیون دلار جمع آوری می کنند که این وجوه از طریق یو.جی.ای. و عملیات مهاجرت و خرید اوراق قرضه دولتی اسرائیل می باشد، و بیش از ۱۰۰ مؤسسه از جامعه یهودیان امریکا هم اکنون گارانتی کننده ۹۰۰ میلیون دلار وام به اسرائیل می باشند.

آیا بهتر نیست که وام را به تأخیر بیندازیم تا دولت اسرائیل مجبور شود پروژه های خانه سازی خود رامتوقف کند؟

آزادی یهودیان شوروی بزرگترین پیروزی قرن حاضر در رسیدن به هدف های انسانی است. این مهاجرین نبایستی گروگان های سیاسی سیاست های استقراری قرار گیرند چون آنها نه تنها مسئول این سیاست ها نیستند بلکه ربطی به جذب آنها هم ندارد.

بعنوان یک متعهد، اسرائیل وامریکا در مورد شرایط استقرار این مهاجرین اختلاف دارند ولی بنا به دلایل انسان دوستانه بایستی این اختلافات سیاسی مانع از مسأله استقرار و آزادی این پناهندگان گردد.

مسابقات تسلیحاتی در خاورمیانه همچنان ادامه دارد

داوید فاخری

در حالیکه بنا به گزارش سالیانه مؤسسه علوم استراتژی لندن (۹۲-۹۱) کشور سوریه بتازگی به ۳۵۰ تانک (تی ۷۲) و ۲۰ سکوی پرتاب موشک های (اسکاد) دست یافته و عراق هنوز دارای ۲۳۰۰ تانک و ۲۵۰ فروند هواپیماهای جنگی باضافه تعداد نامعلومی از موشک های اسکاد با برخورداری از کلاهک های اتمی وشیمیائی می باشد که تا کنون از چشم بازرسان سازمان ملل پنهان مانده و با وجود دریافت آخرین گزارشی که بدست مقامات صلاحیتدار امنیتی غرب و سازمان ملل رسیده که حاکی از همکاری نزدیک دانشمندان چین، پاکستان وهند با مقامات عراقی در تولید بمب های اتمی برای آن کشور می باشند باضافه خطرات امنیتی دیگری که از جانب فلسطینی ها و سایر کشورهای دشمن اسرائیل را تهدید میکند، آقای «دیو ید کی» سر پرست گروه ناظران سازمان ملل که درعراق بسر میبرد بر مبنای گزارش مؤسسه علوم استراتژی لندن که اسرائیل دارای یکصد کلاهک مسلح اتمی است که آنان را برروی موشک های ساخت خود مانند (یریخو ۱ با برد ۵۰۰ کیلومتر) (یریخو ۲ با برد ۱۵۰۰ کیلومتر) و (لاس با برد متوسط) سوار نموده و آماده ارسال بهر نقطه ای می باشد از اورشلیم خواسته است که به نمایندگان آن سازمان اجازه دهند از آنان دیدن و در مقام نابودیشان برآیند.

مقامات اورشلیم با رد این ادعا که آن کشور اصولاً دارای سلاح های اتمی است به مقامات سازمان ملل و سایر کشورهای بزرگ وکوچک خاطرنشان ساخته اند تا زمانیکه خطر اعراب و سایر دشمنان خارجی امنیت شهروندان آن کشور را تهدید می کنند آنان حاضر به انجام هیچگونه معاملاتی نظیر عراق نخواهند بود ولیکن آن مقامات از کاهش تولید و استفاده از سلاحهای اتمی که به پیشنهاد امریکا و با همکاری شوروی و استقبال چین همراه بوده است ابراز خوشحالی نموده اند.

دوست و همکار عزیزمان بهروز میمند

در غم عزیز از دست رفته ات ، پدر بزرگوارت سهیمیم

هیئت مدیره سازمان " سیامك "

دنیای یهودیت
دنیای یهودیت
دنیای یهودیت
دنیای یهودیت
دنیای یهودیت
دنیای یهودیت
دنیای یهودیت
دنیای یهودیت
دنیای یهودیت

ترجمه : رؤیا فاخری

دنیای یهودیت



دنیای یهودیت

تجارت اسرائیل

صعود اسرائیل

بنابه گزارشی در نشریه «روزنامه سرمایه گذاران»، سرمایه گذاران امریکائی عقیده دارند که ترکیب سیاسی ـ اقتصادی و جمعیتی جدید اسرائیل باعث خواهد شد که این کشور برای سرمایه گذاری منطقه ای بارور خواهد بود.

بانک اسرائیل، درآمد سالیانه کشور را با افزایشی در حدود ۷ تا ۹ درصد در سال ۱۹۹۱ تخمین میزند ـ در مقایسه با ۵/۱٪ سال گذشته.

«یاک ـ ۴۰»

اسرائیل و روسیه در نظر دارند که طی همکاری های جدید خود برای باردار کردن ابرها برای باران و نابودی تگرگ های مضر، قدم بردارند.

وسایل اسرائیلی بر روی هواپیماهای «یاک ـ ۴۰» روسی نصب خواهد شد که به مطالعه فیزیکی ابرها بپردازد. این سری تحقیقات، پروژه مشترک دانشگاه تل آو یو و انستیتوی هیدرو ـ هواشناسی گرجستان شوروی ورصدخانه ژئوفیزیکی لنینگراد می باشد.

بازار تجاری

وزارت صنعت و تجارت اسرائیل با همکاری گروههای امریکائی و اسرائیلی در حال طرح ریزی یک نمایشگاه تجاری در شهر میامی، در ماه نوامبر می باشند.

این نمایشگاه، بخشی از فعالیت برای توسعه سرمایه گذاری ـ تجارت و همکاری های صنعتی با کشور امریکا می باشد. شهر میامی، مسئولیت سازماندهی و دعوت از خریداران و سرمایه گذاران امریکائی را بعهده گرفته است.

نوبر زمستانی

کشاورزان مناطق برفی ژاپن، با استفاده از تکنولوژی کشاورزی اسرائیل در حال پروش گوجه فرنگی و دیگر سبزیجات در فصل زمستان می باشند.

۱۵۰ گلخانه ژاپنی با استفاده از سیستم های کامپیوتریزه گلخانه ها که در انستیتوی علمی «وایزمن» ساخته شده وخاک های مصنوعی به این مهم دست زده اند.

پنبه در چین

«هازرا» سازنده اسرائیلی تخم پنبه، در حال بررسی و تجربه کشت پیشرفته این تخمها، سرمایه گذاری ۳۰۰,۰۰۰ دلار در منطقه ای نزدیک به «په ژینگ» می باشد.

این پروژه بنا به درخواست چین، در پی کشت وحاصل پاباین پنبه بعمل آمد. کشت پنبه بدون آبیاری توسط دانشمندان اسرائیلی در پی کمبود آب در اسرائیل اختراع شده است.

خوش آمدید

بعد از گذشت ۲۲ سال، ارکستر فیلارمونیک اسرائیل برای اجرای برنامه به یونان بازگشت. این ارکستر اخیراً کنسرتی در «پارنه نون» برای جمعیتی قریب به ۶۰۰۰ نفر اجرا نمود. در میان شنونگان تمام اعضاء کابینه یونان شرکت داشتند.

رابطه با صوفیه

قراردادی مابین اسرائیل و بلغارستان در مورد حمل ونقل به امضاء رسید. بلغارستان به اسرائیل ترن ووسایل هوایی خواهد فروخت و اسرائیل در عوض خدمات تعمیراتی و اطلاعات به بلغارستان خواهد داد.

علاقه علمی

انستیتوی علمی وایزمن اسرائیل و وزیر علوم وتکنولوژی آرژانتین، با امضاء قراردادی می خواهد در موارد علوم اعصاب و مغز، کامپیوتر، انرژی خورشید و آلودگی آب، پروژه های مشترک داشته باشند. انستیتوهائی از امریکای لاتین، اسپانیا و پرتقال نیز برای همکاری در این پروژه ها دعوت شده اند.

فروش به سنگاپور

بر اساس گزارش مجله هفتگی هوائی امریکا، کشور اسرائیل از اوایل امسال، اقدام به فروش وسایل نقلیه بی سرنشین به ارتش سنگاپور نموده است.

نشریه دیگر امریکائی بنام «اینترنشنال دی فلش ری و یو» گزارش می دهد که بر طبق یک قرارداد ۱۵۰ میلیون دلاری از طرف نیروی هوایی سنگاپور، قرار است اسرائیل سیستم های هوایی اف ۵ آن کشور را مجهزتر نماید.

کمک انسانی

سازمان «ماگن داو ید»، سازمان خدمات پزشکی خصوصی اسرائیل، ۳,۰۰۰ دلار کمک های پزشکی را به چین ارسال نموده است.

این وسایل بعنوان یک اقدام سمبولیک از طرف آن کشور برای قربانیان سیل اخیر در جنوب چین ارسال شده که شامل آنتی بیوتیک و مواد شیمیائی برای تمیز نمودن آبهای آلوده می باشد.

***

امریکای شمالی

داستان جانسون

طبق آخرین کتاب بیوگرافی پرزیدنت فقید امریکا «لیندون جانسون» که توسط رابرت دالک نوشته شده است، برای اولین مرتبه این نویسنده فاش می کند که سی و ششمین رئیس جمهور امریکا، در دوران

جنگ جهانی دوم، وقتی که نمایندهٔ کنگره امریکا بوده جان صدها یهودی در خطر را نجات داده است.

جانسون با کمک یهودیان مهم محلی با ترتیب پاسپورت های تقلبی و ویزای یکطرفه به کوبا، مکزیکو و امریکای جنوبی به این عملیات که «عملیات تگزاس» نام داشت دست زده بود.

هنر فولکلوریک

موزه هنرهای فولکلوریک امریکا در حال ارائه اولین نمایشگاه مهم آثار هنرمند فولکلوریک «هاری لی برمن» در نیویورک می باشد.

«لی برمن» که کارهایش را از ۷۳ سالگی شروع ودر ۱۰۳ سالگی خاتمه داد، خاطرات مذهبی، فرهنگی و سنن اجتماعی که در زندگانی او بعنوان یک ربای اثر گذاشته بوده اند را نقاشی کرده است.

پروژه منحصر بفرد

یک پروژه منحصر بفرد برای حل مسائل فرهنگی جامعه «بدوئین» در صحرای «نگو» اسرائیل و جامعه سرخپوستان امریکا در آریزونا، در سمپوزیوم اخیر در دانشگاه بن گوریون تشکیل شد.

این برنامه به رهبری انستیتوی «هامفری» برای آب و هوای اجتماعی در اسرائیل و مرکز سرخپوستان دانشگاه آریزونا اداره می شود.

امریکای لاتین

ریوی یهودی

اخیراً تاریخ مهاجرت یهودیان به «ریودااژانیرو» به چاپ رسیده است. کتاب باعنوان «میراث و یادها»، تاریخ شفاهی، اسناد و عکس هائی از مهاجران ۲۲ کشور را دارا می باشد.

مبدلها

«ماریو هاو پر سبان» دومین جلد کتابش بنام «کانورسوس» (یهودیانی که تحت فشار انکیزیسیون تغییر دین داده اند) را نوشته که در آن مبدا بیشتر خانواده های آرژانتینی را روشن می نماید.

در این جلد جدید، نویسنده به شرح کشتار یهودیان اسپانیائی و پرتقالی در دوران انکیزیسیون (تفتیش عقاید) می پردازد.

تجلیل قهرمان

«استانیسلاو گورا» یکی از شاگردان بازمانده از «یانوس کورزاک»، در طی مراسمی که قطعه زمینی به سازمان «یانوس کورزاک» برزیل بخاطر ساختن خانه بچه ها اهدا میشد، شرکت نمود.

«کورزاک» در زمان جنگ جهانی دوم رئیس یتیم خانه ورشو بود. وقتی نازیها به لهستان حمله نمودند، کورزاک پیشنهادات فرار را نپذیرفت و با دیگران ماند. وی با ۲۰۰ نفر دیگر در اردوگاه تربیلا نکا کشته شد.

اعداد یهودی

جامعه یهودی «ریو گرانده دو سل» در برزیل با اقدام به سرشماری و درست نمودن بانک آمار اقدام به یافتن مشکلات و پیدا نمودن راه حل برای آنان شده اند.

سؤالات مطرح شده شامل اطلاعاتی در مورد اعتقادات مذهبی و اجرا نمودن مراسم، رابطه با جامعه غیر یهودیان برزیل، رابطه در مورد اسرائیل، تحصیلات یهودی و فعالیت های اجتماعی ــ فرهنگی می باشد.

اروپا

نشریهٔ نفرت

دادستان کل انگلستان، «سر پاتریک می هیو» بررسی در مورد ناشران مجله ای که در آن مقاله ای چاپ شده که در آن کشتار یهودیان را از مسلمانان خواستار شده است این مقاله در «خلیفه» که یک مجله مسلمانان اصولی گراست و در خارج لندن پخش می شود و آبونه می گیرد چاپ شده است.

کثافت در دانمارک

جورگن نیلسون، یکی از محدود نازیهای دانمارک به ۵۰۰۰ دلار جریمه برای جریحه دار کردن و توهین به یک خبرنگار تلویزیون نیمه یهودی دانمارکی متهم شد.

جورگن نیلسون سردبیر مجله سوسیالیست های ملی می باشد.

جنگ ماشین ها

جنگ قیمت بین ۴ کمپانی که دارای صاحبان یهودی بوده و در مناطق یهودی نشین ارتدوکس استامفورد فعالیت می کنند برای دردست گرفتن هر چه بیشتر این بازار در گرفته است.

بیشتر این رانندگان مردان ارتدکس می باشند. در میان این رانندگان زنها نیز که فقط مسافران زن سوار می کنند وجود دارند. هیچکدام از این تاکسی ها روزهای شبات و در اعیاد مذهبی کار نمی کنند.

نام گذاری

یک میدان در مرکز شهر وین بنام «دکتر دزیدر فریدمان» نام گذاری شد. نامبرده رئیس جامعه یهودی وین، قبل از «ان شلوس» (اتحاد اطریش و آلمان) بوده است.

«دکتر فریدمان» در مارچ ۱۹۳۸ توسط نازیها زندانی شد و آشویتس به قتل رسید.

دوباره سازی

شهر «اینز بروک» در اطریش در حال ساختن ساختمانی برای جامعه یهودی آن شهر می باشد که موارد استفاده گوناگون خواهد داشت و در محل کنیسای قدیمی آن شهر که توسط «اس اس» ها در توامبر ۱۹۳۸ مورد حمله قرار گرفت و در سال ۱۹۴۳ در جریان حملات هوایی بکلی نابود گردید، قرار دارد.

هزینه ساختمان بطور مساوی توسط شهر محلی، ایالت و دولت اطریش پرداخت خواهد شد.

جنگنده

سازمان های اجتماعی یهودی و سیاسی انگلستان از «گلوریا ربنسُن»، کارمند شهرداری لندن در مورد جنگ وی با بزرگترین اتحادیه کارگری انگلستان و خط مشی های ضد اسرائیلی آن پشتیبانی نموده اند.

خانم «ربنسُن» به خط مشی اتحادیه ای که به آن تعلق دارد، «اتحادیه ملی ومحلی کارمندان دولت» که از بایکوت و منع خرید وفروش بر علیه اسرائیل حمایت می کند، اعتراض دارد.

مرگ یک بزرگمرد

«هانس ویگل»، یکی از بزرگترین چهره های ادبی اطریش و از نامداران مخالف ضد یهود، در سن ۸۳ سالگی بدرود حیات گفت.

«ویگل» بعنوان یک نویسنده پر اثر مجبور شد که در زمان یکی شدن اطریش و آلمان نازی در ۱۹۳۸ از وین خارج شود، تا ۱۹۴۶ در شهر زوریخ سوئیس تبعید ماند و بسیاری از آثار نمایشنامه های معروف چون «باراباس» را نوشت.

توهین

چهار مرد بخاطر خراب کردن قبر و نقاشی نمودن سمبول های نازیسم در چهار بهشتیهٔ یهودی در نزدیکی اشتوتگارت آلمان متهم شدند.

این افراد که سنین بین ۲۰ تا ۲۳ سال دارند به یک سری خرابکاری این محلها بین دسامبر ۱۹۸۹ تا اگوست ۱۹۹۰ متهم گردیده اند.

نازیها، نه

مقامات یونانی، کنفرانس نئونازیها را که قرار بود در جزیره «رودس» برگزار گردد، ممنوع اعلام کردند. جامعه یهودیان یونان نامه تشکرآمیزی را به دولت آن کشور ارسال داشته است.

خاطرات موحش

در حالیکه چهار سرباز گارد «کروشائی» در یوگسلاوی بخاک سپرده می شدند، صدها نفر از عزاداران شعارهایی ضد یهودی راکه بعد از برکناری رژیم عروسکی نازیها در آن منطقه تا بحال در یوگسلاوی شنیده نشده بود را سردادند. این مراسم و احترام به کشته شدگان که کاملاً شبیه مراسم نازیها در زمان جنگ جهانی دوم بود برای برقراری استقلال «کروشیا» خوانده شد. این جمعیت دنباله روهای کسانی هستند که ۳۵۰,۰۰۰ یهودی و افراد صربستان را در زمان جنگ جهانی دوم قتل عام نموده اند.

کنفرانس اوکرائین

اخیراً یک کنفرانس بین المللی که به مسایل یهودیان و اوکرائینی ها می پردازد در شهر «کی یف» برگزار شد.

هدف اعلام شده این کنفرانس بررسی حقایق و اسطوره های عقاید ضد یهودی اوکرائینی ها و بررسی ریشه و علل مهاجرت یهودیان بیشمار از آن منطقه می باشد.

اتهام ناروا

بالاخره «کی جی بی» سازمان مخفی اطلاعاتی شوروی، پذیرفت که مقامات قبلی این سازمان، باادعاهای پوچ و مدارک قلابی رهبر قبلی لوباویچ و گروه حسیدیم بنام «لوی شینرسون» را در سال ۱۹۳۹ زندانی نموده و باعث مرگ وی در اردوگاه کار اجباری شده اند.

برطبق گزارش خبرگزاری «تاس»، اسنادی که شامل رونوشت بازرسیها و بازجوئی ها می شود نشان می دهد که ربای شینرسون بوسیله پلیس مخفی استالین به دروغ متهم و اعدام شده است.

«یهودیان برسلاو»

نمایشگاهی بنام «یهودیان برسلاو ۱۹۴۵ـ۱۹۵۰» در شهر «مانستر» آلمان برگزار گردیده است. این نمایشگاه اسنادی دال بر خدمات یهودیان به جامعه آلمان و ضررهایی راکه در قبال کشتن و آزار آنان به آلمان وارد آمده را نشان می دهد.

پایتخت «برسلاو» که اکنون در لهستان قرار داشته و «ورکلاو» خوانده می شود، زاینده یهودیانی بلند آوازه بین المللی چون «فریتزهابر» برنده جایزه نوبل، «هاینریش گراتز» تاریخ دان نامدار و «اوتو که لیرر» رهبر موسیقی می باشد.

یادآوری

یک بهشتیه یهودی و «اطاق یادآوری» در شهر «لوبلین» لهستان به قربانیان «هالاکاست» اهدا شد. هزینه این ساختمان که سه سال طول کشید توسط یهودیان تاجر بلژیکی پرداخت شده است.

هس هس

بیش از ۲۰۰ نفر نئونازی و چپ گرا در استراحتگاه کنار یک شاهراه بخاطر چهارمین سالگرد مرگ «رودولف هس» که از دستیاران هیتلر بوده با هم درگیر شدند.

شاهراه فرانکفورت بوسیله زد وخورد و اتوبوس هایی که متوقف شده بودند بسته بود تا پلیس با دخالت خود آن را باز نمود.

اسرائیل

نه برف، نه باران

نامه رسانی اسرائیل از خیلی ها بهتر است. ۶۹ درصد تمام بسته ها و پاکت های ارسالی، یکروز پس از ارسال به مقصد می رسد و تقریباً ۹۰٪ تا ۴۸ ساعت بعد از ارسال.بر اساس یک تحقیق که اخیراً انجام گردیده است آلمان و انگستان بهتر هستند ولی فرانسه ۴۹ درصد در عرض یک روز و در ایتالیا ۱۵ درصد در عرض ۲۴ ساعت به مقصد می رسند. با توجه به اینکه اداره پست اسرائیل با ۳ جور الفباء سر و کار دارد کارآیی این اداره بسیار قابل توجه می باشد.

لیس زده نمی شود

از یهودیان مذهبی افراطی اسرائیل خواسته شده است که از دو تمبر جدید اداره پست، بخاطر نقاشی ناپسند روی آن استفاده ننمایند.

تمبر اولی یک عکس بزرگ و قرمز قلب را نشان می دهد که زیر آن نوشته شده «باعشق» و دومین تمبر یک زن را با بیکینی در کنار ساحل دریا نشان می دهد.

استثناء

از اول ماه نوامبر افراد ذخیره ارتش اسرائیل برای مسافرت به خارج، مگر در مواقع اضطراری احتیاج به اخذ اجازه از واحد خود را نخواهند داشت. همچنین اسرائیلی های مقیم خارج نیز احتیاج به اخذ اجازه از واحد خود را برای برگشت نخواهند داشت.

مراحل اخذ این اجازه ها یک روز کامل را در بر می گرفته که باعث ایجاد ناراحتی این افراد می شده است.

نام های عبری

«گای»، «تومر» و «اوری» مورد پسندترین نام ها برای پسران در اسرائیل و «سیوان» و «تال» برای دختران شناخته شده اند. این بررسی توسط گروه تحقیقات دانشگاه «حیفا» در اسرائیل انجام شده است. نام های گرفته شده از «تورا» مانند «مشه»، «ریوکا» یا «یاکوب» به اندازه نام هائی که به اعتقاد والدین جوان «اسانس مدرن اسرائیلی» را دارند محبوب نیستند.

غذای سریع

بر اساس تحقیقات انجام شده توسط «کیبوتص ارض» در جنوب «اشکلون»، جوجه ها در عرض ۶ هفته ونیم بجای ۸ هفته معمول برای ارسال به بازار آماده می شوند.

این جوجه ها در معرض نور فلورسنت از طریق ورق های «پی وی سی» سبز، قرار می گیرند. جوجه هائی که در معرض نور سبز هستند، نور بیشتری را جذب کرده و وزن زیادتری را از دیگر جوجه ها بدست می آورند.

نفرین

بر اساس متممی بر لایحه ای در پارلمان اسرائیل (کنست)، ربای ها حق نخواهند داشت کاندیداهای وکالت را در انتخابات دعا یا نفرین نمایند. هر گونه تجاوز از این قانون باعث زندانی شدن فرد متخلف تا ۵ سال خواهد بود.

در گذشته رباهای احزاب مختلف با ظاهر شدن در تلویزیون کاندیداهای احزاب مخالف را نفرین می نمودند.

گیاهان سخت جان

«هاردی»، گیاه ضد خشکی، که گیاهی زینتی می باشد اکنون در سراسر جنوب اسرائیل که مناطق کویری به حساب می آیند به چشم می خورند. این عمل بر اساس تحقیقات دانشگاه بن گوریون انجام گردیده است.

با استفاده نمودن از این گیاهان اسرائیل حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیون سانتی متر مکعب آب در سال صرفه جوئی خواهد نمود.

داروی جدید

یک داروی جدید ضد مالاریا در انستیتوی علوم وایزمن در شهر «رهه ووت» به عمل آمده است که از انواع قبلی بهتر می باشد. حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون نفر در سال تخمیناً به این مرض دچار می شوند.

داوید فاخری

رسوائی جدید ایران گیت

دولت ریگان ـ بوش با متهم کردن بی جهت اسرائیل در جریان ایران گیت به مردم و سنای امریکا دروغ گفت.

با وجود انکار جورج بوش وی از طریق مشاور امنیتی نخست وزیر اسرائیل (امیرام نیر) از چند و چون فروش سلاح به ایران و کمک های مالی به کنترا آگاهی یافته بود.

ژنرال سیکو تأیید کرد که دولت وقت امریکا اسرائیل را به عنوان متهم معرفی نمود تا بتواند جلویک افتضاح سیاسی نظیر واترگیت را بگیرد.

درپی پخش ضبط سرّی مکالمات الیور نورث و امیرام نیر که برای اولین بار به آگاهی مردم امریکا رسید نقشه پنهانی دولت ریگان ـ بوش در متهم ساختن دولت اسرائیل به فروش سلاح به ایران و ارسال وجه دریافتی آن به شورشیان کانترا درمقابل آزادی گروگانها فاش و این دو رئیس جمهور مخصوصاً جورج بوش را در موقعیت بسیار پیچیده ای قرار داده است.

در اواخر سال ۱۹۸۶ وزیر دادگستری امریکا (ادو ین میس) به اطلاع مردم امریکا رسانید که اسرائیل به ایران اسلحه فروخته و وجوه آنرا به شورشیان کنترا داده است.

درپی کشف مکالمات مز بور ثابت گردیده است که در جریان بازدید بوش بعنوان معاون رئیس جمهوری از اسرائیل که در ۲۶ جولای ۱۹۸۶ انجام گرفت وی از طریق (امیرام نیر) اطلاع حاصل کرده است که الیور نورث و یارانش در ۱۷ ژانویه ۱۹۸۶ مقامات ایرانی درفرانکفورت به توافق رسیده اند که درمقابل آزادی گروگان ها آنان ۴۰۰۰ موشک (تائو) و ۱۰۰۰ قطعه لوازم یدکی (هوک) فروخته و وجوه دریافتی از آنان را به شورشیان کانتراکمک نمایند.



مفسرین معتقدند که با وجود مدارک موثق بالا بعید بنظر میرسد که کمیته تحقیقات جدیدی در این مورد دومرتبه تشکیل گردد، ولیکن بر روند انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا در دورهٔ آینده و قول وقرارهای سیاسی و اقتصادی با اسرائیل در آینده بی اثر نخواهد بود.

برنده خوشبخت ۱/۵ میلیون دلاری

هفته گذشته یک خانم مهاجر اتیو پی که ده سال قبل مانند دیگران طی عملیات زیرزمینی از آدیس آبابا فرار داده شده و به اسرائیل مهاجرت کرده بود، برنده قرعه کشی بلیط های بخت آزمائی و صاحب یک میلیون ونیم دلار جایزه اول آن گردید.

این خانم که بعد از مهاجرت به اسرائیل به آموختن زبان وسپس بدیدن دورهٔ آموزشی پرداخته بعنوان مددکار اجتماعی در خدمت دولت درآمده و از زبان و تخصص وی در امر کمک به مهاجرین تازه (عملیات شلمو) استفاده گردیده است.

وی صاحب دوفرزند می باشد که تا کنون با پدر و مادر خود در یک آپارتمان سه اطاقه زندگی می کرده اند. نامبرده در جواب سؤال اینکه با این پول بادآورده چه می خواهد بکند؟ گفت تا یافتن یک مشاور اقتصادی خوب که بتواند وی را در امور سرمایه گذاری کمک نماید به زندگی معمولی خود ادامه خواهد داد.

آری به اتفاق جهان می توان گرفت

برای بسیاری از دست اندرکاران امور اجتماعی هیچ آهنگی دلپذیرتر از نوای یگانگی و وحدت نیست. در طی قرون و اعصار وجود یکپارچگی و تفاهم جامعهٔ ما را از اضمحلال کامل در فراز ونشیب تاریخ مصون نگاهداشته است. اختلاف سلیقه ها در نیل به یک هدف مشترک گاه و بیگاه باعث ایجاد سوء تفاهم ودورنگی می شود ولی حتی وجود افکار گوناگون تا آنجائی که باعث وقفه و یا لطمه در کار گروهی دیگر نباشد امری است حیاتی برای بهبود جامعه. رقابت های سالم مانند خون تازه همواره باید در رگ های جامعه جریان داشته باشد تا فرهنگی فراگیر را به سوی ترقی رهنمون گردد.

یکی از مهم ترین اهداف سازمان بین المللی یهود (سیامک) از بدو تأسیس همانا ایجاد یکپارچگی و معاونت کلیهٔ نهادهای اجتماعی می باشد. در این زمینه در چند ماهه گذشته دو فعالیت بسیار چشمگیر در این زمینه انجام شد که ما موفقیت آنها رابیش از پیش مدیون همگامی سازمان های شرکت کننده می دانیم.

اولین برنامه همکاری سازمان ها شرکت چهار سازمان در جریان برگزاری سخنرانی مل لواین در تابستان امسال بود. برگزاری این سخنرانی از طرف آقای ژرژ هارونیان عضو هیأت مدیره مدرسه نصح ایسرائل پیشنهاد گردید و با تماسی که با گروه جوانان یهود وهمچنین سازمان هیلل ایرانیان برقرار شد همگی آنها این دعوت را پذیرفتند و در برگزاری آن شرکت کردند.

قبل ازاجرای برنامه چندین جلسه تشکیل گردید ونحوهٔ انجام آن مورد بحث قرار گرفت. آنچه که بیش از همه جالب بود آشنائی افراد مختلف سازمان ها با یکدیگر بود و بار دیگر همه دریافتند که



آقای ژرژ هارونیان



خانم یودیت حاسید



آقای مایکل سیمانیان

همگی هدف مشترکی دارند و آن در درجه اول خدمت به همکیشان و آگاهی دادن آنان نسبت به مسائل مختلف می باشد.

در روز سخنرانی ابتدا آقای ژرژ هارونیان ضمن خیر مقدم به حضار مختصری در بارهٔ علت تشکیل جلسه صحبت کردند و سپس دوشیزه یودیت حاسید از طرف سازمان هیلل ضمن خوشامد به آقای مل لواین اهداف و تاریخچه مختصری از سازمان هیلل را بیان نمودند. سپس آقای مایکل سیمانیان از طرف گروه جوانان یهود اشارهٔ مختصری به تاریخچه فعالیت های سیاسی یهودیان امریکائی نمودند. آقای شهرام سیمان از طرف سازمان سیامک لزوم مشارکت در امور سیاسی را مورد بحث قرار دادند وآنگاه آقای ژرژ هارونیان به شرح فعالیت های سیاسی آقای مل لواین و معرفی ایشان پرداختند. در روز سخنرانی همکاری جوانان بسیار شادی آفرین بودو افرادی که تا دیروز یکدیگر را نمی شناختند امروز دست در دست هم و با طیب خاطر در برگزاری برنامه کوشا بودند. در اینجا لازم می دانیم که بار دیگر از کلیهٔ دوستان خوبمان در مدرسه نصح ایسرائل، گروه جوانان یهود ایرانی و هیلل ایرانیان تشکر کنیم و برای همگی آرزوی موفقیت بیشتر بنمائیم.

شبات نخمو

در دومین برنامه همکاری سازمان های مختلف جوانان **گروه جوانان یهود ایرانی هیلل ایرانیان، سیستی اف هوپ، گروه جوانان بنی بریت و گروه جوانان سیامک** برنامهٔ پیک نیک شبات نخمو را برگزار کردند.

برای اجرای این برنامه بار دیگر افراد سازمان های مختلف زیریک سقف اجتماع کرده و با یاری یکدیگر به تقسیم کارها و همچنین فرستادن اطلاعیه برای

←

داوید فاخری

نادین گوردیمر خانم نویسنده یهودی از افریقای جنوبی به جایزه نوبل در ادبیات دست یافت

آکادمی ادبیات سوئد اعلام نمود که نویسنده افریقای جنوبی خانم نادین گوردیمر برنده جایزه نوبل درادبیات سال ۱۹۹۱ گردیده است.

این نویسنده یهودی ۶۸ ساله که هفتمین خانم برنده در این رشته و اولین آنان بعد از شاعره یهودی دیگری بنام «نلی زاگس» که مشترکاً جایزه مزبور را با نویسنده اسرائیلی «شموئل اگنون» در سال ۱۹۶۶ دریافت کردند، می باشد.

در مدت ۳۰ سال نویسندگی که بطور جدی انجام گرفت «نادین» بیشتر نوشته های خود را با نمایش رنگی واضح از چهره نژاد پرستان افریقای جنوبی و حکومت ظلم و فشار بر سیاهپوستان نشان داده است. برجسته ترین کتاب وی که در نیمه راه موفقیت هایش بچاپ رسید بنام «میهمان افتخاری» در سال ۱۹۷۰، وی را آوازهٔ محافل اندیشمندان و بزرگان ادب جهانی نمود. در کتاب های دیگری همچون «دختر بورگر» ۱۹۷۹ و «آدمهای جولی» ۱۹۸۱ با نوع زیبانویسی تازه ای از وی آشنا می شویم.

وی در بیستم نوامبر ۱۹۲۳ در شهرکی بنام اسپرینگز در نزدیکی ژوهانسبورگ که بیشتر شهروندانش را معدنچیان تشکیل می دادند از یک مادر انگلیسی و یک پدر لیتائی که بشغل جواهر فروشی اشتغال داشت و به افریقای جنوبی مهاجرت کرده بودند بدنیا آمد. نه سال بیشتر نداشت که اولین داستانش را نوشت. اولین داستان کوتاه وی در یک جریده افریقای جنوبی هنگامی که پانزده ساله بود انتشار یافت. ده سال بعد اولین کتاب وی که مجموعه



ای از داستان های کوتاه میشد بنام «رودررو» منتشر گردید. تا امروز از نامبرده ۱۰ رمان طولانی و ۷ مجموعهٔ بزرگ از داستان های کوتاه و هم چنین چندین جلد کتاب های نقد ادبی بچاپ رسیده است.

دریافت جایزه نوبل تنها افتخار وی از کسب اینگونه جوایزنبوده، قبل از آن این خانم یهودی نویسنده موفق بدریافت بزرگترین جایزه ادبی بریتانیا بنام «جایزه بوکر» و چندین جایزه ادبی بین المللی گردیده است. این خانم انسان دوست که بیشتر نوشته ها و افکار خود را در راه مبارزه بنفع ضعفا و برضد نژاد پرستان و زورگویان بکار می برد در سال ۱۹۷۷ به عضویت کنگره ملی افریقا درآمد و از همان زمان بعنوان معاون کل «کلوب پان» بین المللی به فعالیت های سیاسی خود ادامه می دهد. وی دارای همسری که بشغل عتیقه فروشی مشغول است ودو فرزند می باشد.

هنگامیکه خبر دریافت جایزه نوبل به وی رسید در نیو یورک به دیدن فرزند خود «هوگو» رفته بود. در مصاحبه ای که با وی به عمل آمد به خبرنگاران بیشماری که وی رااحاطه کرده بودند اظهار داشت که تصمیم دارد مقداری از مبلغ یک میلیون دلاری را که بخاطر دریافت جایزه نوبل دریافت می دارد در اختیار نویسندگان سیاهپوست کشورش قرار دهد.

اعضاء خود پرداختند. گرد هماثی برگزار کنندگان این چند سازمان مختلف که در یک رستوران انجام گرفت بسیار دیدنی بود. در هر گوشه ئی از رستوران جمعی نشسته و مشغول چسباندن تمبر و برچسب نشانی ها برای اطلاعیه ها بودند و گروه دیگری نیز دست اندر کار تدارکات لازم برای هر چه بهتر انجام شدن این برنامه بودند.

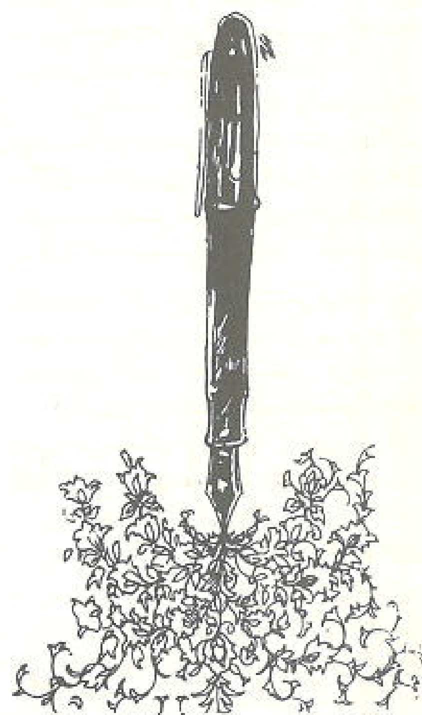
استقبال از این پیک نیک بسیار موفقیت آمیز بود و گروهی بیش از هزار نفر در آن شرکت کردند. در هر گوشه ئی از پارک جوانان به بازی و تفریح پرداخته وروزی را با خوشی درکنار همسالان خود سپری کردند.

ما ضمن تبریک به کلیهٔ دست اندرکاران این برنامه امیدواریم که بتوانیم بار دیگر عضوی از اعضاء برگزار کننده چنین برنامه هائی باشیم. **بچه هامتشکریم.**





نشریه چشم انداز
به نویسندگان ،
مترجمین وشاعران
نیاز دارد



اگر
مقاله ای خوانده اید
وفکر میکنید
به خواندنش میارزد
برایمان بفرستید تا
گران نیز استفاده کنند.



ما نمی‌توانیم یک شاعر را سرزنش کنیم

ژان پل سارتر

آنچه در پی می‌آید گزیده‌ای از نخستین گفتاری است که ژان‌پل سارتر روشنفکر و متفکر بزرگ معاصر در نوامبر ۱۹۴۶ در جلسهٔ عمومی یونسکو ایراد کرده است.

ترجمه انگلیسی این گفتار از خانم بتی اسکویت است که در کتاب Greative Vision آمده است و به دلیل اهمیت و ارتباط این موضوع با بحث ما، عیناً نقل می‌شود.

داستایوسکی گفته است: هر انسان نسبت به هر کس و هر چیز مسئول است. این گفته هر روز بیشتر با واقعیت صدق می‌کند. به همان اندازه که زندگی دسته‌جمعی ملی بیشتر و بیشتر، بخشی از زندگی اشتراکی انسانها می‌شود و به همان نسبت که یک فرد هر روز بیشتر از دیروز، جزئی از جامعهٔ ملی به شمار می‌آید، می‌توانیم بگوئیم که هر یک از ما دایرهٔ مسئولیتش گسترش می‌یابد و بیش از پیش مسئول می‌شود.

ما، هر آلمانی را که علیه رژیم نازی مبارزه نمی‌کرد، مسئول اعمال آن رژیم می‌دانستیم. برای ما، یا دیگر ملتها، نوعی ستم اقتصادی و یا نژادی وجود دارد، ما همهٔ آنان را که با این ستم‌ها نبرد نمی‌کنند مسئول می‌دانیم. این روزها آنقدر وسائل مکاتبه و نشر اخبار زیاد است که در هر جای گیتی بیدادی انجام پذیرد، احساس مسئولیت را در ما برمی‌انگیزد. از این رو سخن داستایوسکی که برای آمریکائیان گران است و خیلی چیزها معنی می‌دهد، برای دیگران مفهومش آنست که هر کس برای هر چیز که در دنیا روی می‌دهد مسئول است.

من فکر می‌کنم که همه ما در این باره توافق داریم. اما اگر یک کفش‌گر و یا یک پزشک به عنوان یک انسان در برابر تمام رویدادهای گیتی مسئول است، بدان معنا نیست که مسئولیتش تنها در گنجایش پیشهٔ یک پزشک و یا یک کفش‌گر است.

یک کفش‌گر، به فراخور پیشه‌اش، مسئولیتهایی محدود دارد که ساختن کفشهای خوب از آن جمله است. یک پزشک به هنگام کارش می‌تواند فرصتهائی را بیابد که خود را وارد معرکه کند و از ته دل و با تمام وجود در خدمت مردمی که در ناحیه‌ای از بهداشت محرومند، بکوشد و یا علیه کارخانه‌هائی که وسائل بهداشتی کامل برای کارگرانشان ندارند، به مبارزه برخیزد. اما در حقیقت به عنوان یک پزشک او مسئول این و یا آن ستم، مثلاً بیداد علیه یهودیان نیست.

اگر یک متخصص به راستی در برابر همه چیز و همه کس مسئول نیست، پس مسئولیت آن متخصصینی که نویسندگانشان می‌نامیم، چیست؟ آیا مسئولیت آنان به عنوان انسانها، به تمامی در کارشان منعکس می‌شود و یا نویسنده مانند یک متخصص و با درنظر گرفتن مشکل‌هائی که در هنر نویسندگی هست، مسئولیتی ویژه دارد؟

ما نمی‌توانیم یک شاعر را سرزنش کنیم در حد کارش به نام یک شاعر و با نفی مسئولیتش به عنوان یک انسان. شاید بتوانیم از او برای آن که هیچکس جز یک شاعر نیست خرده بگیریم، زیرا که او بسان دیگران پذیرش حس مسئولیت در خویشتن را ندارد، اما نمی‌توانیم سرزنشش کنیم از آن رو که در یک مبارزه‌ی اجتماعی و یا یک جنبش ملی گام برنداشته است.

ما در این گفتگو پا از کرانهٔ نشر فراتر نمی‌نهیم.

هنگامی که در آلمان یک حکومت ستمگر نازی فرمانروائی می‌کرد، وظیفهٔ آلمانی‌های مخالف نازی این بود که بجنگند، مبارزه کنند و مقاومت نشان دهند، چه آنان که نویسنده بودند و چه آنان که نبودند. اما از آنجا که ممکن نبود که کارشان را از راه نویسندگی انجام دهند، از راههای دیگر به مبارزه و ایستادگی ادامه می‌دادند. آنها می‌توانستند به سازمانهای زیرزمینی بپیوندند و یا کارهای اعتراض‌آمیز کنند. مثلاً به هنگام ویران شدن یک مدرسهٔ یهودیان به دست نازیها، استادان می‌توانستند، مدرسه را به نشانهٔ اعتراض ترک گویند و یا بازنشسته شوند، اما به هیچ‌وجه مبارزه از راه نوشتن امکان نداشت.

بدین ترتیب، می‌توان تصور مردی را کرد که به یک سازمان زیرزمینی پیوسته بود و در حالیکه جانبازی می‌کرد و برای توجیه هستی‌اش، زندگی خویش را به خطر می‌انداخت. اگر فرصتی می‌یافت به کار نوشتن نیز می‌پرداخت اما نوشته‌اش ناچار محتوای سیاسی نداشت.

و برعکس، در زمان اشغال فرانسه، بسیاری از نویسندگان فرانسوی با نشریات مخفی همکاری داشتند، اما بسیاری از ایشان که مبارزه و مقاومتشان منحصر به این کار بود، همیشه نسبت به آنها که با جنگ واقعی کوچه و خیابان سر و کار داشتند احساس حقارت می‌کردند، زیرا مقاومت، تنها از راه ادبیات ممکن نبود و در آن زمان چنین کاری "ادبیات محض" می‌نمود.

بنابراین در مفهوم ادبیات نوعی نوسان وجود دارد، اینکه آیا ادبیات را چیزی می‌دانیم که با وضع بشر رابطهٔ مستقیم دارد ـ که در این صورت یک مسئولیت کامل انسانی به عهده خواهد داشت ـ و یا اینکه تنها برای نوشتن، می‌نویسیم. از آنجا که به درستی نمی‌دانیم ادبیات چیست، بیشتر این نظر در میانمان رایج است که نویسنده فاقد هر گونه مسئولیتی است و تصور شده است که نامیدن چیزی، عبارتست از لمس کردن آن چیز به آرامی، لمس کردن آن بی‌آنکه زیانی بدان رسد.

نویسنده، چه بخواهد و چه نخواهد، آدمی است که به عشق و تنفر نام می‌نهد تا بین انسانها همبستگی ایجاد کند. اوست که روابط اجتماعی را می‌نامد، یکی را بیداد و دیگری را داد.

من می‌گویم او چه بخواهد و چه نخواهد، تا آنجا که ممکن باشد، به راستی، گزینشش در لب نگشودن است. اما خاموشی هنگامی که انسان با دنیای زبان سر و کار دارد خود یک واژه است. واژهٔ سکوت رابطه‌اش را با دیگر واژه‌ها معین می‌کند. سکوت نوعی وسیله‌ی پیوند لغات است. و این بدون معنا نمی‌تواند بود. خاموش بودن، خود یعنی سخن گفتن. هرگز در توصیف یک شخص لال نمی‌گوئیم که او خاموش است.

بنابراین اگر نویسنده‌ای این را برگزیده است که در موردی ساکت بماند، ما این حق را داریم که از او بپرسیم " چرا شما در باره‌ی این موضوع سخن گفته‌اید و درباره‌ی آن دیگری ساکتید از آنجا که شما سخن می‌گوئید تا تغییری را موجب شوید و راه دیگری هم ندارید، چرا می‌خواهید این را دگرگون کنید و نه آن را؟ چرا شما به تغییر تمبر پست بیش از تغییر رفتار، نسبت به یهودیان اهمیت می‌دهید، و یا بالمکس. نویسنده مجبور است که همیشه پاسخگوی این پرسشها باشد. " چرا می‌خواهید دگرگون کنید و چرا برای این موضوع بیش از آن یکی اهمیت قائلید؟ " و بدین ترتیب، ما می‌توانیم از نویسنده بپرسیم که چرا و از چه می‌خواهد گفتگو کند و آیا واقعاً می‌خواهد لب به سخن بگشاید؟

اما، به هر حال نویسنده کسی است که زبان را با برگزیدن لغات به شیوه‌ای به کار می‌برد که به نظر گیرنده است. چرا این کار را می‌کند؟ فکر می‌کنم یک نویسنده برای این سخن می‌گوید که دیگران او را بشناسند، به همان معنا که " هگل " از آگاهی انسان در مورد شناخت یکدیگر صحبت می‌کند.

به نظر من، در معنای تظاهر زیبایی یک چیز را بد فهمیده‌ایم. این راست است که ارزشهای زیبائی، همیشه نمایشی را تا حدی می‌نمایانند، اما این موضوع به بیننده بستگی دارد. بویلیو Boileau گفت " هیچ چیز شگفت‌آور و زشتی نیست که اگر به وسیله هنر نمایانده شود، مورد پسند قرار نگیرد " این بدان معناست که اگر یک هنرمند، یک زخم، یک زشتی و یا یک بیداد را در کار هنری نشان می‌دهد، هدفش جلب کمک مستقیم و بدنی بیننده به آن کس نیست، که مثلاً نیازمند کمک و یا پول است و در نتیجه این عقیده بوجود آمده است که نمایش زیبائی، نمایش محض است، نمایشی است بدون هیچ تعهدی. و همین است که نویسنده را به بی‌مسئولیتی می‌کشاند.

بگذارید کوشش کنیم تا بفهمیم که لذت بردن از تظاهر زیبائی چه معنائی دارد. شاید بدین وسیله معنی این نمایش نیز برایمان روشن شود. نویسنده می‌خواهد که اثرش شناخته شود، اما نه به عنوان فریادی از وجود حیوانی او، در اثر تماس با دردها، سردرگمی‌ها و ترسها، بلکه در نتیجه‌ی یک آفرینش با نقشه. و این، آزاد بودن دوگانه است.

نخست آزاد بودن از نظر آفریدن. با توجه به این تعریف دقیق: که آفریدن یک چیز ساختن چیزی‌ست نو که جرثومه‌اش به تمامی در یک لحظه پیش وجود نداشته است. اکنون ما آن را آفریده‌ایم و این چیز نو با هر پیش‌بینی احتمالی که در یک لحظه پیش‌بینی کرده‌ایم، پیوند دارد.

دوم، آزاد از نظر با نقشه بودن. یعنی کوششی که به وسیله قوانین ویژه خود نظم می‌یابد. در اینجا به دومین معنای آزادی برمی‌خوریم: امکان فعالیت به وسیلهٔ نمایش قوانین و نه زیر فشار قوانین. در نتیجه، این شخصیت دوگانه ایجاب می‌کند که نویسنده، پس از تحمل و رنج بسیار برای آفریدن اثری بر طبق نقشه، بخواهد او را به عنوان یک انسان آزاد بشناسیم، زیرا او مؤلف یا آفرینندهٔ آفریده‌ای آزاد است.

از دیگر سو، قضاوت خواننده نسبت به یک کتاب و یا یک اثر هنری مبتنی بر حقیقت نیست، بلکه به استناد ارزش است. این رسم است که بانویی که میهمان دار است وقتی می‌بیند گفتگو دربارهٔ کتابی یا نمایشی خسته‌کننده شده است به میهمانانش بگوید که این موضوع تنها به ذوق اشخاص بستگی دارد. به علاوه این مؤدبانه است اگر شما بگوئید: " من چنین کتابی را دوست دارم " و یا " دوست ندارم " زیرا روشن است که این دوست داشتن با دوست داشتن مثلاً میگو یا سیب‌زمینی تفاوت دارد و شما نمی‌گوئید: " این کتاب خوب است " یا " این کتاب بد است " .

یک دلیل بسیار ساده برای این گریز هست. اگر شما بگوئید: " این کتاب خوب است " بدان معناست که: " من کسانی را که فکر می‌کنند این کتاب خوب نیست مقصر می‌دانم " و یا " من مصرم که همهٔ افراد اجتماعی که بدان تعلق دارم، این کتاب را خوب بپندارند " و همین اصرار است که موجب لغزش دیگران می‌شود. اما پافشاری در مورد هر چیز، همیشه آزادی کسی را که به او اصرار می‌شود ملزم می‌کند، بایستن، توانستن. من به هیچ‌وجه نمی‌توانم به شخصی که آزاد نیست به هنگام قضاوت در زیبائی، اصرار ورزم: ممکن است که او بندهٔ ذوقش باشد. و من خودم - در همین لحظه، وقتی پافشاری می‌کنم که یک شخص با گفتن " این کتاب خوب است " اظهارنظر قطعی در مورد شایستگی این کتاب کرده است - بلافاصله می‌گویم که من در حضور یک آفریدهٔ طبق نقشه هستم و بنابراین نسبت به آزادی من چشم دوخته شده است.

به آزادی من چشم دوخته شده است زیرا از من خواسته شده است که قضاوتی جهانی بکنم: " این خوب است " . بنابراین کوششی برای برانگیختن جنبه‌ی احساسی و فردی من نشده است. از من بی‌درنگ خواسته شده است که خود را در یک سطح جهانی بگذارم. و با وجود این من به عنوان یک انسان آزاد مخاطب بوده‌ام و این است دید زیبایی.

تخاطب من نه برای خشمگین کردنم از بیدادی بوده است و نه برای سنجش انصافم، بلکه تنها به منظور پایبند کردن قضاوتم بوده است، اما قضاوت من باید آزادانه پای‌بند شود. از گوشت و پوست من نخواسته‌اند تا قضاوت کند بلکه از آنچه به راستی، در آدم انسانی است، از اختیار چنین خواسته‌اند.

پس زیبائی را قضاوت کردن شناخت این است که من با نوعی آزادی روبرو هستم: آزادی کسی که آفریده است. ثانیاً و در همان زمان، شناخت آگاهیی است در مورد موضوعی که با آن برخورد می‌کنم، و این از آزادی خود من سرچشمه می‌گیرد. و سرانجام اصراری است براینکه مردم دیگر هم با همین شرایط از همین آزادی لذت برند.

بدین ترتیب، می‌بینید که یک کتاب در سطح زیباشناسی، در حقیقت فراخوانی یک آزادی است به وسیلهٔ آزادی دیگر. و لذت بردن از زیبائی، کوشش آگاهانه آزادی است برای محتویات آن آزادی.

و تا زمانی که ادبیات تصدیق جاودانی آزادی بشر است، و تا زمانی که در جستجویش برای زیبائی، خواستار آن آزادی است، این نادرست است که بگوئیم چیزی به نام ادبیات نومیدانه وجود دارد. ادبیات یا خوب است، یا بد. و اگر خوب باشد هرگز نومیدانه نتواند بود. زیرا صرفنظر از محتوی یک اثر ادبی، خوانندگانش را فرا می‌خواند تا خود را در سطحی قرار دهند که آزادانه. و بنابراین می‌تواند آنچه را که نشان داده شده است، در خویشتن دگرگون کنند، حالتهای روانی و ذهنی و یا بیدادگریهای اجتماعی را...

صادق نیستید، دروغگوئید

برنارد شاو

«همان باش که می‌نمائی» یا «آن چه می‌نمائی باش» همین جملهٔ ساده خبر از چند گانگی روان انسان خود بنیاد می‌دهد، نه انسان سادهٔ عامی، که سادگی در غایت آینه است، یا همان وجودی که صاحب ساحتی قابل روئیت است، اما آن جا که انسان به موازات بافت اجتماعی خویش حرکت می‌کند، به علت گونه گونی گمانها، به چند باوری غریبی می‌رسد، که بازیافت همان عمل اهل تفکر است، و اهل تفکر، اهل قیاس است، و در فرهنگ عبری، مسیحی و فرهنگهای مشرق زمین، نخستین موجودی که قیاس و برهان خلف.را کشف می‌کند «شیطان» است، شیطان هزار رخساری که در متن زیر مخاطب برنارد شاو است، که صد البته در این موضع، شاو از اهریمن به عنوان یک نماد و کاتالیزور سود جسته است، تا در نهایت، به افشاگری علیه انسان خود بنیاد بپردازد، همان انسانی که بنا به خواست بافت اجتماعی و تاریخی خود، از روشنی فکر تنها برای نورانی کردن خانهٔ خویش می‌کوشد، و نه همسایه. شاو در این مقام، شق روشنفکر فرد گرای خود اندیش و فرصت طلب را محاکمه می‌کند، و خود اما در موضع روشنفکر اهورائی و دگر خیز، به تعریفی تازه از این معنا می‌رسد؛ در حقیقت برخورد شاو و شیطان در این وجیزهٔ مماثند، همان برخورد سقراط باکریتون است، کریتون و سقراط هر دو روشنفکرند، اما مسیری موازی را طی نمی‌کنند.



«... دوستان تو گنده‌ترین کره بزهائی هستند که من می‌شناسم. دوستان تو زیبا نیستند، زینت به خود زده‌اند. پاک نیستند، صورت تراشیده و آهار خورده‌اند. آراسته نیستند، لباس به رسم روز پوشیده‌اند. دانش نیاموخته‌اند، گواهینامه دانشگاه دارند. مومن نیستند، مسجد برو هستند. دنبال اخلاق نیستند، پیرو آداب‌اند. پرهیزگار نیستند، بزدل‌اند. حتی بد کار نیستند، فقط "سست" اند. هنری نیستند شهوانی‌اند. منعم نیستند، پول دارند. دلبستگی ندارند، بنده وار مطیع‌اند. پای‌بند وظیفه نیستند، مانند گوسفند تسلیم‌اند. مردم خواه نیستند، میهن پرستند. شجاع نیستند، شر به پا کنند. مصمم نیستند، لجوج‌اند. موقر نیستند مقم‌پزاند. برای خود احترام ندارند، تنها افاده دارند. مهربان نیستند، هر گلی‌اند. سبک سنگین نمی‌کنند، رودربایستی می کنند. اندیشمند نیستند، عقیده به عاریت گرفته‌اند. قوه خیال ندارند، خرافات دارند. عدالت نمی‌کنند. تلافی می کنند. انضباط ندارند، افسار بر گردن دارند و اصلاً صادق نیستند، دروغگویند. فردفردشان تا آخرین ریشه روحشان...

از «خطاب به شیطان»
ترجمهٔ ابراهیم گلستان



آیا سرطان همان «درد بی‌درمان» است که قدیمی‌ها می‌گفتند؟ آیا سرطان حتماً آدمی را می‌کشد؟ نکند من سرطان داشته باشم؟ چه کار کنیم که به این بیماری کشنده مبتلا نشویم؟ این سوال‌ها مدام بر ذهن و زبان افراد - معمولاً بالای ۴۰ سال- نقش می‌بندد. این نوشته، که از منابع مختلف جمع‌آوری و تلخیص شده، فشرده‌ای است درباره بیماری بزرگ قرن: سرطان.

آخرین تحولات و پیش‌رفته‌ها در مورد سرطان

نکند سرطان داشته باشم

لادن سعادت لاجوردی

سرطان کلمه‌ای که همه را به وحشت می‌اندازد، نباید امروزه به عنوان یک بیماری علاج نشدنی و یا کشنده تلقی شود.

انواع سرطان به همان اندازه گوناگون است که تعداد اعضای بافت‌های بدن. گرچه هر یک از اعضای بدن با علائم خاص خود همراه است، اما عکس‌العمل آن‌ها در تمامی شکل‌های سرطان یک‌سان است.

گاه به دلایلی مختلف، گروهی از سلول‌های بدن در یک عضو و یا یک بافت با سرعت شروع به زیاد شدن می‌کنند و معمولاً غده و یا ریشه سلولی بی‌تناسبی را در بدن باعث می‌شوند چنانچه بدن بدون معالجه رها شود، غده شروع می‌کند به نفوذ و رشد کردن در عضوهای جانبی و سبب می‌شود که عضوهای جانبی نتوانند وظیفه‌شان را آن‌طور که می‌باید انجام دهند.

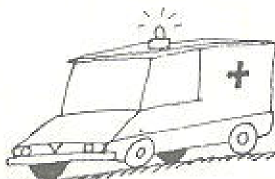
این غده‌ها مقدار زیادی از موادی را که برای بدن ضروری‌اند مصرف و جذب می‌کنند و در عوض سمومی پس می‌دهند که سرانجام می‌تواند همهٔ سیستم بدن را مسموم کند. با این حال نمی‌باید بی‌دلیل و بی‌مطالعه احساس خطر کرد، زیرا که هر نوع رشد نامناسب سلولی قرار نیست که غدهٔ سرطانی باشد. تنها موقعی غده‌ای سرطانی تشخیص داده می‌شود که یا به بافت‌های کناری راه پیدا کرده باشد و یا به گونه‌ای دیگر در قسمت‌های بدن پخش شده باشد. که در این حال آن‌ها را غدهٔ «بدخیم» یا سرطانی می‌گویند؛ غده‌های «خوش خیم» یا غیر سرطانی آن‌هایی‌اند که تسخیر کننده نیستند.

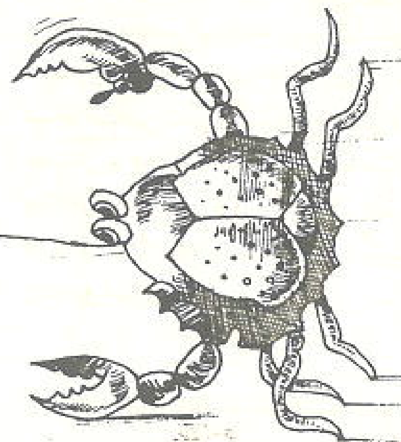
چه عاملی سرطان‌زا است؟

سلول‌ها، در تمام عضوهای بدن به طور دائم در حال نمونه؛ سلول‌های جدید جای سلول‌های پیر را می‌گیرند. گویا هم سلول‌های پیر زمان از بین رفتن را می‌دانند و هم سلول‌های جوان زمان تکثیر و رشد کردن را. بعضی عقیده دارند که کنترل این برنامه‌ریزی از قبل در سلول‌ها جای گرفته است و سرطان وقتی روی می‌دهد که اشتباهی در روند برنامه جابجایی رخ دهد. اشتباهی که در سیستم کنترل به وجود می‌آید به این ترتیب است که یا سلول‌های جدید زودتر از موقعی که می‌باید شروع به تکثیر می‌کنند، یا بزرگ‌تر از اندازه‌ای که می‌باید ایجاد می‌شوند، و یا سلول‌های پیر به موقع از بین نمی‌روند، که در هرحال نتیجهٔ این رشد نامناسب غده‌ای است که احتمال دارد سرطانی باشد.

هر قدر سن بالا می‌رود کارآیی سیستم کنترل ماشین بدن کم‌تر و در نتیجه راه برای سلول‌های نامناسب هموارتر می‌شود تا بهتر جابیافتند؛

به جز عواملی مثل سیگار کشیدن و زیاده‌روی در الکل، و بدی تغذیه به نظر می‌رسد بعضی خانواده‌ها به برخی انواع خاصی سرطان مستعدترند، اما از هر جهت، از آنجا که سرطان مسئله‌ای همه‌گیر شده است،





تمایل‌های ارثی چندان ثابت نشده‌اند که عاملی مهم تلقی شوند.

حقیقت تکان دهنده این است که آمار نشان می‌دهد. از هر سه نفر، یک نفر به گونه‌ای در دوره‌ای از زندگیش سرطان می‌گیرد. این آمار نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد کسانی که سرطان دارند، بالای ۶۰ سال‌اند و به طور کلی سرطان بین آدم‌های مسن بیش‌تر رواج دارد.

اما با توجه به این واقعیت که سرطان سال‌ها وقت می‌گیرد تا به رشد کامل خود برسد، هیچ بعید نیست که شروع این قضیه از سال‌ها پیش بوده باشد. برای مثال به آماری ساده از ۲۰ سال قبل تا به حال نگاه می‌کنیم: در انگلستان، تعداد آدم‌هایی که غده‌های مغزی پیدا می‌کنند دو برابر شده است. تعداد کسانی که از سرطان شش و معده می‌میرند کم‌تر شده است. تعداد مرگ و میر از سرطان سینه در خانمها و نسبت سرطان استخوان در آقایان رو به ازدیاد است. همین طور سرطان پوست در هر دو جنس، مرد و زن، رو به فزونی است.

از کجا بدانیم سرطان داریم؟

از طرف متخصصین و پژوهشگران در امر سرطان فهرست دور و درازی تهیه شده است که با مشخص شدن بعضی علائم می‌توان احتمال داد که سرطان در بدن اعلام خطر می‌کند:

چنان‌چه به بعضی از این نشانه‌ها آگاهی داشته باشیم ممکن است نارسایی را هر چه زودتر در مراحل اولیه معالجه کنیم.

چنان‌چه تغییری در بدن حس شود و این تغییر ادامه پیدا کند.

چنان‌چه غده‌ای جایی در بدن حس شود، به ویژه در سینه‌ها، جوش یا هر نوع ماده‌ای که از سرسینه‌ها ترشح شود.

چنان‌چه خون‌ریزی غیر عادی در جایی از بدن شروع شود و ادامه پیدا کند. به خصوص در رودهٔ بزرگ، در قسمت مقعد و یا در لوله‌هایی که به مجاری ادرار وصل می‌شوند.

چنان‌چه قسمتی از سطح پوست بی‌دلیل ناسور شود.

چنان‌چه خالی یا جوشی شروع به بزرگ شدن کند.

چنان‌چه در عادت «بیرون رفتن» روزانه تغییری رخ دهد و یا رنگ ادرار عوض شود.

چنان‌چه نفس تنگی، عوض شدن صدا، و سرفه هایی ادامه دار احساس شود.

چنان‌چه کم‌اشتهایی و یا وزن کم کردن غیرعادی روی دهد. گرچه بسیاری از این علائم می‌توانند در اثر نامنظم کار کردن عضوی در بدن باشند و هیچ ربطی به سرطان نداشته باشند، اما از جهتی دیگر احتمال دارد هشدار کوچکی باشد برای مراحل اولیهٔ سرطان.



برخی تغییرات بسیار کوچک و ساده در زندگی روزمره‌می‌تواند کمک بزرگی برای زندگی سالم‌تر و خوش تر باشد، که شاید با رعایت آن‌ها بتوان از افزودن به آمار سرطان تا حدی کاست.

سیگار کشیدن مسبب یک سوم مرگ‌هایی است که بر اثر سرطان روی می‌دهند. سابقهٔ سیگار کشیدن بیش‌تر باشد، خطر سرطان شش را قطعی تر کرده‌ایم، نه تنها سرطان شش بلکه بیش‌تر انواع سرطان‌ها با سیگار کشیدن ارتباط پیدا می‌کنند. مثانه، رحم، گلو، سرطان دهان و تارهای صوتی.

در عوض خوردن مقدار زیادی میوه، سبزی‌جات، و مواد طبیعی‌ای که ویتامین A و C و همین‌طور الیاف گیاهی دارند می‌تواند کمک مؤثری باشد در حمایت و پیش‌گیری از سرطان لوله‌های ادرار و به خصوص مقعد.

تا جایی که امکان دارد چربی را از غذای روزانه حذف کنید؛ گوشت با چربی زیاد و لبنیات پرچربی خطر سرطان سینه و مقعد را در بردارد. پختن و کباب کردن گوشت کم‌چربی یا بی‌چربی بهتر از سرخ کردن آن در روغن است.

بامصرف لبنیات کم چربی می‌توان وزن را به حد متعادل نگه داشت، زیرا اضافه وزن خود به هموار کردن راه برای جای‌گزینی سلول‌های سرطانی کمک می‌کند.

فشار روحی؟

گرچه بنظر می‌رسد ارتباطی بین سرطان و فشار روحی با هم نداشته باشد، اما بسیاری از مطالعات تحقیقاتی نشان داده است، کسانی که زیر فشار روحی مداوم هستند، بیشتر از دیگران مستعد ابتلای به بیماری سرطان خواهند بود.

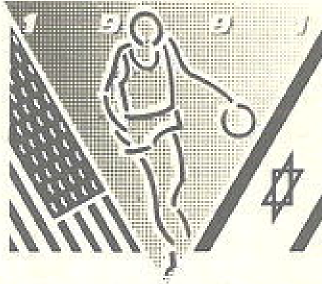
هر چند گاه دیده شده است که فشار روحی خود باعث سیگار کشیدن و زیاده‌روی در الکل بوده است، اما شکی نیست که فشار روحی در کنترل مکانیک سلولی بدن دخالت مستقیم دارد. و بهمین دلیل هم بطور معمول به آنهایی که زیر در آن بیماری سرطان هستند پیشنهاد می‌شود که چگونه با ورزش کردن و یا با تکنیک هایی که به آرامش روحی کمک می‌کند و یا از دیگر راههایی که از فشار روحی می‌کاهد خود را از عصبی شدن دور نگه دارند.

هیچ امیدی در آینده برای مهار کردن سرطان وجود دارد؟

هم اکنون دانشمندان به تحقیقاتی دست زده‌اند تا بتوان به نحوی ژن‌های بد رشد را با شیوه‌ای درست برنامه‌ریزی کرد - در حقیقت عواملی را که در کنترل سلولی به اشتباه می‌رود و در نتیجه سرطان را جرقه می‌زند و هم برنامه‌ریزی صحیحی برای پیشگیری از پخش شدن سلول‌های سرطانی به بافت‌های کناری.

متخصصین سیستم دفاعی بدن و پیشگیری از بیماری‌ها، کوشش دارند راهی پیدا کنند تا با تحریک کردن سلول‌های دفاعی بدن، نوعی مصونیت در بدن بوجود آید که خود قادر باشد هم سلول‌های غده‌زا را جستجو کند و هم آنها را نابود کند.

AMERICA-ISRAEL CUP



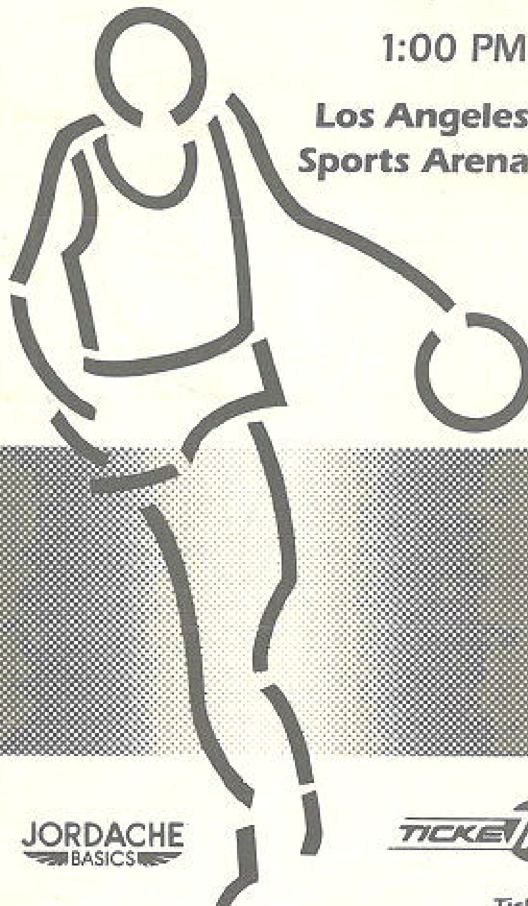
LOS ANGELES
CLIPPERS



MACCABI
TEL AVIV



Sunday
October 27, 1991
1:00 PM
Los Angeles Sports Arena



Featuring all the great Clippers and Maccabi players, including: Charles Smith, Ron Harper, Doc Rivers, Danny Manning, Moti Daniel, Nadav Henefeld, Doron Jamshi, Willy Simms, and Coaches Mike Schuler and Zvi Sherf.

For
Event Information
Call (818) 503-2124
For Group Sales
Call (818) 981-2777

Special Group Rates
Can Benefit Your Organization.
Tickets Are Available At
Sports Arena Box Office.
3939 South Figueroa St., 213/748-6131
And At All Ticketmaster Outlets.

JORDACHE BASICS

TICKETMASTER
MUSIC PLUS · MAY COMPANY · TOWER
213/480-3232 · (714) 740-2000

Ticket Prices: $10, $15, $20, $25, $35, $50, $75, $100.

CO SPONSORED BY:
JENNY CRAIG
M·RIKLIS



An Event of:
United States Committee
Sports for Israel



مسابقه بسکتبال بین تیم مکابی اسرائیل با تیم

LOS ANGELES
CLIPPERS

یکشنبه ۲۷ اکتبر ۱ بعدازظهر

Waldheim's Nazi Past Forces Him to Bow Out

As described by Reuters, speaking "with watering eyes and trembling voice," Kurt Waldheim went on Austrian national television to announce he would stand down as President at the end of his first term.

The World Jewish Congress which had exposed Waldheim's Nazi past issued a statement from its President Edgar Bronfman who said "Waldheim's political demise is a victory for decency." He added "It lifts a great burden from Austria and hopefully it represents the start of a new chapter in the relationship between the Jewish people and Austria."

The WJC during the past five years worked diligently to uncover the dark biography of Kurt Waldheim that he deliberately withheld from the world for more than four decades. In a report issued last year, the WJC released many of its findings:

In 1986, the world learned that Kurt Waldheim had lied about his Nazi past and service in Hitler's army during World War II.

Waldheim, photographs and documents showed, was an officer in the forces of Nazi Germany during the years he had claimed to have been a civilian law student in Vienna.

Other documents revealed that even before the War, Waldheim had been a member of Nazi formations, including the Nazi Student Union and the Nazi Stormtroopers – the "Brownshirts."

During the War, Waldheim knew of Nazi atrocities and helped in carrying them out. Included among documents uncovered were those showing that he forwarded Hitler's order to murder Greek prisoners, participated in mass deportations, and reported on Nazi brutalities.

His claims concerning crimes against Jews by his army units were especially disturbing. Waldheim wrote the World Jewish Congress that he neither knew of such deportations nor served in army units linked to them.

Within weeks of these claims, documents were found showing that his unit had actually ordered Jewish deportations. (In this regard, Austria's Commission of Historians was particularly flabbergasted following their interrogation of Waldheim: "Even Waldheim's assertion, repeated on January 28, 1988, before our Commission, that he had no idea of the fate awaiting the Jews, is unbelievable.")



LAW STUDENTS?: German officer Kurt Waldheim in Nazi-occupied Yugoslavia in 1943. Until release of this photo by the WJC in 1986, Waldheim had claimed he was merely a law student in Vienna during that period.

Other documents uncovered showed that, following the War, Yugoslavia sought Waldheim's extradition for war crimes committed on its territory and that this led to his case being presented before the United Nations War Crimes Commission which voted for his arrest on charges of "murder" and "putting hostages to death." As a consequence of the U.N. War Crimes Commission decision, he was placed on a United States Army Wanted List in 1948.



PLANNING SESSION: Waldheim (rear) at a planning session with Nazi war criminal General Alexander Lohr who was hanged by Yugoslavia after the War. The United Nations War Crimes Commission also asked for Waldheim's arrest on charges of "Murder."

In April 1987 Kurt Waldheim's legal case in the United States came to an end. The Justice Department barred him from the country ruling that the evidence demonstrated his clear involvement "in activities amounting to persecution during World War II." The Justice Department found he had "assisted or otherwise participated" in mass deportations, hostage executions, and mistreatment of Allied prisoners.

In Austria, a year later, an international commission of historians empanelled by that country concluded that Waldheim had consistently lied about his wartime activities, was "unquestionably" a member of pre-War Nazi organizations, and had personally facilitated Nazi war crimes.

The panel explicitly stated that Waldheim "repeatedly assisted in connection with illegal actions and thereby facilitated their execution."

In late 1989, Britain's Ministry of Defense issued a report on the case of British commandos who had disappeared in Waldheim's wartime zone of operations. It said he was not responsible for their deaths but was aware of their interrogations. It said its investigation did not cover other aspects of the Waldheim case.

The various investigations have led to one other disconcerting conclusion: Waldheim's past was clearly known to numerous post-War intelligence agencies.

In 1989, Britain was compelled to publish a 1945 British intelligence document which identified Waldheim's German Army intelligence role, a document it shared with the American predecessor to the C.I.A. Yugoslavia informed the 17-member U.N. War Crimes Commission of its case against Waldheim even as it knew of his position as a diplomat in post-War Austria.

The Austrian government had in its possession updated personnel records revealing Kurt Waldheim's hidden past – including his membership in Hitler's "Brownshirts" – but did not make them available when they endorsed him for U.N. Secretary General in 1971.

In the circumstances, it seems likely that more will be learned of Waldheim's connections with post-War intelligence agencies and their possible involvement in the cover-up of his past. ❑

ידיעות מישראל

סוריה קיבלה 350 טנקי 'טי־72' ו־20 משגרים לטילי 'סקאד'

על־פי דו"ח המכון ללימודים אסטרטגיים בלונדון, ממשיכים הסורים להתעצם • לישראל 100 ראשי נפץ גרעיניים • לעיראק נותרו 2,300 טנקים ו־250 מטוסי קרב

– מאת עמוס רגב, כתבנו בלונדון –

„כל העולם, ובכללו גם ישראל עצמה, הופתע מהגילויים על אודות תוכנית הגרעין של עיראק. אף אחד לא ידע לפני שנתיים, כי התוכנית העיראקית כל־כך מורכבת ומתקדמת. מלחמת המפרץ, שהפסיקה את התוכנית העיראקית". כך אמר אתמול ראש המכון ללימודים אסטרטגיים בלונדון, פרנסואה הייסבורג, במסיבת עיתונאים לציון פירסום הדו"ח החדש של המכון לשנת 91־92.

הדו"ח החדש עומד בסימן התפתחויות בשני תחומים עיקריים: במזרח־התיכון – בעקבות מלחמת המפרץ; ובעולם בכלל – בעקבות השינויים הגדולים שמחוללת התמוטטות הקומוניזם.

ואלה עיקרי הדברים:

• ישראל. על־פי הדו"ח, מפחיתה ישראל בערכם של הישגי ה„פטריוט" ביירוט ה„סקאדים" במלחמה, וזאת במטרה לקדם את פרויקט ה„חץ", שהיא מפתחת בסיוע ארה"ב. „הישראלים מגזימים בזילזול כלפי הישגי הטיל", אמר ראש המכון ללימודים אסטרטגיים בתשובה לשאלה כיצד הוא עצמו מעריך את ביצועי ה„פטריוט". „הטיל השיג אחוזי יירוט גבוהים מאוד. הסיבה לכך ששברים רבים נפלו על אזורים מאוכלסים היא מגבלות טכניות של הראש הקרבי של הטיל, בתוספת התפרקות של ה'סקארים' באוויר ויצירת מספר רב של מטרות".

הדו"ח קובע, כי לישראל יש 2 סוללות „פטריוט".

לגבי סדר־הכוחות של צה"ל נאמר בדו"ח, שלישראל יש כיום כ־100 ראשי־נפץ גרעיניים, המורכבים על טילי „יריחו 1" (לטווח של עד 500 ק"מ), על טילי „יריחו 2" (עד 1,500 ק"מ) ועל טילי „לאנס" קצרי־טווח.

אין שינוי במספר החיילים בשירות סדיר (141 אלף) ובמילואים (504 אלף) לעומת הדו"ח הקודם. מספר הטנקים בצה"ל עלה מ־3,794 ל־4,488, מהם 660 טנקי „מרכבה". חיל האוויר קלט 19 מסוקי קרב „אפאצ'י", וצפוי לקבל עוד 25 מטוסי „אף־15". לחיל 591 מטוסי קו ראשון. בין מטוסי הקרב – 112 מטוסי „פנטום", שחלקם מוסבים ל„פנטום 2000"; 149 מטוסי „אף־16"; 47 מטוסי „אף־15"; 95 מטוסי „כפיר" ו־121 מטוסי „סקייהוק". בין מסוקי הקרב – 19 „אפאצ'י", 35 „דיפנדר" ו־40 „קוברה".

חיל הים הוציא משירות ארבעה סטי"לים מדגם „סער 2", אך קלט סטי"ל מדגם „סער 4.5". מספר הסטי"לים הכולל מגיע ל־22. החלה בניית הסטי"לים מדגם „סער 5", וכן בנייתן של שתי צוללות במספנות בגרמניה. עוד 6 ספינות סיור מדגם „סופר דבורה" נכנסו לשירות. הקומנדו הימי מונה 300 איש.

לגבי מדינות ערב, מביא הדו"ח את הנתונים האלה:

• עיראק. קשה להעריך את עוצמתה לאחר המכה שספגה במלחמה. ההערכה היא שנותרו לה 2,300 טנקים, כ־1,000 קני ארטילריה וכ־250 מטוסי קרב.

• סוריה. ממשיכה להתעצם. קיבלה עוד 350 טנקי „טי־72" מצ'כיה, ובסך־הכל יש לה 4,350 טנקים. הסורים גם קיבלו 20 משגרי „סקאד" מצפון קוריאה, ובסך־הכל יש להם 38 משגרי „סקאד", נוסף על 18 משגרים לטילי „פרוג" ו־18 משגרי „אס־אס־21". נעשים מאמצים למנוע מסין למכור להם טילי „אם־9".

בחיל האוויר הסורי יש כבר 30 מטוסי „מיג 29", והדו"ח מציין, כי „נתגלו" עוד 70 מטוסי תקיפה „סוחוי 22", שנשמטו בדו"חות הקודמים. בסך־הכל יש בחיל־האוויר הסורי 651 מטוסי קו ראשון. מערך מסוקי התקיפה כולל 50 מסוקי „מי 25" ו־50 מסוקי „גאזל".

בתחום ההתפתחויות העולמיות עומד דו"ח המכון בסימן התהפוכות בגוש המזרחי. בריה"מ נמחקה למעשה ממעמד של מעצמת־על, ולדברי ראש המכון, ייתכן כי בשנה הבאה כבר לא תופיע בדו"ח כמדינה אחת, אלא כל רפובליקה עצמאית תירשם בנפרד. התפרקות ברית ורשה חייבה יצירת קטגוריה חדשה בדו"ח למזרח־אירופה: „מדינות אירופה שאינן חברות בנאט"ו".

• פירוק החימוש הגרעיני בבריה"מ יביא לפיטוריהם של המוני מהנדסים וטכנאי גרעין. יש סכנה, שאלה יהפכו „שכירי־חרב גרעיניים" במדינות, השואפות לפתח נשק גרעיני.

• יש חשש שסין תייצא נשק (כמו טילים) לאזורי מתיחות.

• האזורים שבהם צפויות השנה התפתחויות הם אסיה, אפריקה וקובה.

עודף הביקוש למט"ח גדל בניגוד לצפוי

– והגיע אתמול ל־20 מיליון דולר

– מאת גדעון עשת, כתב „ידיעות אחרונות" –

עודף הביקוש למטבע חוץ גדל אתמול, בניגוד לצפוי. לאחר שלשום הסתכם העודף המבוקש בכ־14 מיליון דולר, נרשם אתמול ביקוש של כ־20 מיליון דולר. בנק ישראל, מצידו, המשיך למכור מטבע חוץ בסכום של כ־18 מיליון דולר כדי לספק את הביקוש.

בתום המסחר נרשם פיחות זעיר של 8 מאיות־האחוז ביחס לסל המטבעות, ושערו עומד הבוקר על 2.5896 שקלים. עקב היחלשות נמשכת בשער הדולר בעולם, נוצר תיסוף קטן של חמש מאיות־האחוז בשערו. מחיר הדולר היציג עומד הבוקר על 2.381 שקלים.

בבנק ישראל קיוו, כי עודפי הביקוש למט"ח יצטמצמו בעיקבות ההודעה המרגיעה של הנגיד, אולם היה גידול בביקושים.

אתמול פירסם האוצר נתונים, שלפיהם יובאו במחצית השנה האחרונה כ־35 אלף מכוניות – זהו גידול של כ־17% בהשוואה לתקופה המקבילה אשתקד. כן יובאו 23 אלף מקררים (גידול של כ־50%), כ־43 אלף מכונות כביסה, 93 אלף טלוויזיות, 54 אלף מכשירי וידאו ובעשרת אלפים מדיחי־כלים.

ייצוא האלקטרוניקה כ־2.35 מיליארד ד'

– גידול דולרי של 9% לעומת אשתקד

– מאת צבי אלוש, כתב „ידיעות אחרונות" –

ייצוא תעשיית האלקטרוניקה בישראל יגיע בשנת 1991 לכ־2.35 מיליארדי דולרים – גידול דולרי של 9 אחוזים לעומת השנה שעברה.

כך מסר אתמול עקיבא מאיר, יו"ר אגף האלקטרוניקה בהתאחדות התעשיינים, בסיור במיפעלי תעשייה בערד ובדימונה.

לדברי מאיר, תעשיית האלקטרוניקה התאוששה בשנתיים האחרונות, וחזרה להיות היהלום בכתר התעשייה בישראל. לדבריו, ההתייעלות שעברו המיפעלים ב־5 השנים האחרונות היתה ממשית, והביאה לגידול בתפוקה האישית. עם זאת, מספר המועסקים בענף ירד – מ־40 אלף לפני חמש שנים ל־32 אלף היום.

מאיר תקף את הממשלה, על שאינה עושה די לעודד הקמתם של מפעלי תעשייה מתוחכמים נוספים בישראל. הוא הציע לנצל את כספי הסיוע של ארה"ב להקמת תשתית תעשייתית חדשה, במקום לנצלם למימון הצריכה השוטפת.

נשיא חברת „וישיי ישראל", משה שמיר, המנהל כמה מיפעלים של החברה בדימונה, מסר כי החברה, המייצרת רכיבים לענף האלקטרוניקה והמחשבים, תייצא השנה ב־25 מיליון דולר, לעומת ייצוא של 14 מיליון דולר בשנה שעברה.

נדין גורדימר, יהודייה מדרום אפריקה, זכתה בפרס נובל לספרות



הסופרת נדין גורדימר בתמונה שצולמה בשנת 1988 בדרום אפריקה, בעת שירת הימנון השחורים, בהפגנה נגד האפרטהייד. (תצלום: סי"צ)

– מאת כתבי סוכנויות הידיעות –

הסופרת הדרום אפריקנית נאדין גורדימר היא זוכת פרס נובל לספרות לשנת 1991. כך מסרה אתמול האקדמיה השבדית לספרות.

גורדימר, יהודייה בת 68, היא האשה השביעית שזכתה בפרס, והראשונה מאז 1966 (אז זכתה בפרס המשוררת היהודייה נלי זקס, יחד עם ש"י עגנון). סכום הפרס הוא כמיליון דולר.

בספריה ציירה גורדימר בצבעים ברורים, במשך יותר מ־30 שנה, את המשטר הגזעני בדרום אפריקה. כזה היה ספרה „אורח כבוד", שיצא לאור בשנת 1970, במחצית הראשונה של הקריירה שלה. בספרים מאוחרים יותר, כגון „בתו של בורגר" (1979) ו„אנשי ילי" (1981), התגבש סיגנונה המיוחד.

גורדימר נולדה ב־20 בנובמבר 1923, בספרינגס, עיר מיכרות בקירבת יוהנסבורג, לאם ילידת אנגליה ולאב תכשיטן מליטא, שהיגרו לדרום אפריקה.

את הסיפור הראשון כתבה בגיל 9, ובגיל 15 פורסמה הנובלה הראשונה שלה בכתב־עת דרום אפריקני. אוסף הנובלות הראשון שלה, „פנים אל פנים", ראה אור 10 שנים לאחר מכן.

עד היום פירסמה 10 רומנים ו־7 קבצים של נובלות, וכן כרכים אחרים של ביקורת ספרותית. גורדימר זכתה בפרסים ספרותיים רבים, ביניהם „פרס בוקר", הפרס החשוב ביותר בבריטניה, בשנת 1974.

היא חברה בקונגרס הלאומי האפריקני, ומכהנת כסגנית נשיא מועדון „פן" הבינלאומי. היא נשואה לסוחר עתיקות, ריינהולד קאסירר, ואם לשניים.

בין ספריה שתורגמו לעברית: „אורח כבוד", „בתו של בורגר", „הנוטר" ו„תעלול של הטבע".

אתמול, לאחר שהודיעו לה על הזכיה, קראה נדין גורדימר להמשך הסנקציות הכלכליות נגד דרום אפריקה, עד שזו תהפוך לדמוקרטיה, שבה מיוצגים כיאות כל הגזעים.

במסיבת עיתונאים בניו־יורק, שם היא מבקרת אצל בנה הוגו, הצהירה גורדימר, כי אולי תקדיש חלק מסכום הפרס לסייע לסופרים שחורים בארצה.

ANNIVERSARY

The Jewish community of Perth, Australia is gearing up for its 100th anniversary.

In 1892, the community formed an incorporated body known as the Perth Hebrew Congregation, and two major events are planned to commemorate the occasion. A trust fund is being set up to ensure the future viability of the congregation.

NOT KOSHER

Eight major Australian meat producers have been granted licenses to export frozen, non-kosher meat to Israel.

The meat is sold to diplomatic legations, nationals of foreign companies temporarily residing in Israel, and visiting merchant seamen and naval servicemen calling at Israeli ports. Australia is the only country which exports non-kosher meat to Israel.

NEITHER SNOW NOR SLEET

Israeli mail is better than most: 69% of all letters and packages reach the addressees on the day after posting, almost 90% after 48 hours. According to a recent study, the German Federal Republic and England do better, but in France only about 49% of all letters reach their destination after a day, in Italy merely 15%. If one takes into consideration that the Israeli Post Office has to deal with three different alphabets, its efficiency is indeed remarkable.

TRANSPLANT
The first Israeli-grown lychee were on sale in the market this summer.

The fruit, which originates in China, is being grown in the Jordan Valley, western Galilee, and the central region.

CURSES
An amendment to a pending bill in the Knesset forbids rabbis to invoke a blessing or curse on public candidates for election. Violations of this election law could lead to a prison term of up to five years.

In past elections, rabbis of various political parties have appeared on television to invoke curses on those voting against their candidates.

HARDY PLANTS
Hardy, drought-resistant, decorative plants are now flourishing all over Israel's arid south, thanks to research by a team at Ben-Gurion University.

Utilization of these plants could save Israel 50-60 million cubic centimeters of water annually.

NEW DRUG
A new anti-malaria innoculation has been developed at the Weizmann Institute of Science in Rehovot. The new drug is effective against strains of the parasite which have developed resistance to standard treatments for malaria.

An estimated 200 to 300 million people are afflicted with the disease every year.

NAZI LEGACY

BRESLAU JEWS
An exhibition entitled "The Jews of Breslau - 1850-1945," has been organized in Munster, Germany. The exhibit documents the Jewish contribution to German society and stresses the harm done to the country by the expulsion and murder of its Jews.

The Silesian capital of Breslau – today in Poland and called Wroclaw – gave birth to such international Jewish figures as Nobel Prize winner Fritz Haber, historian Heinrich Graetz, and conductor Otto Klemperer.

REMEMBRANCE
A Jewish cemetery and a "Room of Remembrance" devoted to Holocaust victims has been opened to the public in Lublin, Poland.

The cemetery has been reconstructed during the past three years with funds donated by a Belgian Jewish businessman.

HESS MESS
More than 200 German neo-Nazis and leftists clashed at a highway rest-stop near Nuremberg, after demonstrations on the fourth anniversary of the death of Adolf Hitler's lieutenant, Rudolf Hess.

The highway to Frankfurt was blocked by people fighting and by stopped buses until police arrived to separate the two sides.

RENAMED
A square in the center of Vienna has been named for Dr. Desider Friedmann, the last president of the Viennese Jewish community before *Anschluss,* the Austrian union with Germany.

Dr. Friedmann was imprisoned by the Nazis in March 1938 and murdered in Auschwitz.

RECONSTRUCTION
The city of Innsbruck, Austria, is preparing a multi-purpose building for its Jewish community at the spot where the old synagogue was attacked by the SS in November 1938 and totally destroyed during an air raid attack in 1943.

The cost of the building will be borne in equal parts by the local, state, and federal governments.

AROUND & ABOUT

HAITI'S PRESIDENT
Haitian President Jean Bertrand Aristide is a Catholic priest who studied for three years at a seminary in Israel and is fluent in Hebrew.

He has expressed an interest in Haiti's joining other countries which are calling for the rescinding of the United Nations resolution equating Zionism and racism.

GENIZAH
The Cairo Genizah, a collection of sacred books and documents discovered in a Cairo synagogue in 1896, is being studied in four centers: Cambridge, U.K., New York, Leningrad, and at Bar-Ilan University in Israel.

In order to facilitate the research, Bar-Ilan is entering all the material into a computer, to allow access to the files over data communication links.

JOINT EFFORT
Jewish organizations and the group Gun Control Australia have lodged protests to prevent the sale of Nazi memorabilia and the distribution of racist and anti-Semitic literature at a a gun show to be held in Melbourne in October.

Gun Control Australia President John Crook says there is evidence of a growing right-wing movement emerging within the pro-gun lobby.



PASSING FIGURE

Hans Weigel, one of Austria's leading literary figures and a biting critic of anti-Semitism, has died at the age of 83.

Weigel, a prolific writer, was forced to leave Vienna after Austria joined Nazi Germany in 1938. Until 1946 he lived in exile in Zurich, Switzerland, where he produced many of his best known works, including the play "Barrabas."

DESECRATION

Four men have been charged with overturning graves and spraying Nazi graffiti in four Jewish cemeteries near Stuttgart, Germany.

The men, aged 20 to 23, are accused of taking part in vandalism sprees between December 1989 and August 1990.

BIBLICAL INFLUENCE

An international group of researchers is meeting in Bari, Italy, at the Levant Fair, to study the Hebrew Bible and its Hellenization, its influence on Christianity and Islam, and interreligious contacts in medieval times.

Participants in the conference hope to foster the study of intercultural contact and influence.

"NO" TO NAZIS

Greek officials have banned a neo-Nazi conference which was to have been held on the island of Ios.

The Greek Jewish community sent a letter of thanks to the government.

EASTERN EUROPE

DEJA VU

As four Croatian guardsmen were buried, hundreds of mourners chanted Fascist salutes unheard in Yugoslavia since Croatia's Nazi puppet regime collapsed at the end of World War II.

The salute, the equivalent of the Nazi "Sieg Heil," was officially used by the Ustasha movement in the so-called "Independent State of Croatia." The Ustashas slaughtered some 350,000 Serbs, Jews, and others during the war.

REMNANT

The small Jewish community of Rijeka (Fiume), Yugoslavia, has appealed to Italian Jewry for financial aid in maintaining its cemetery.

The Jewish population of Yugoslavia, principally in Serbia and Croatia, was all but decimated during World War II by the Nazis and their collaborators. Rijeka, now in Croatia, used to belong to Italy.

UKRAINIAN CONFERENCE

An international conference on the problems of Ukrainian-Jewish relations was recently held in Kiev. The stated aim of the conference was to examine the myths and realities of Ukrainian anti-Semitism and discuss the root causes of the mass exodus of Jews from the area.

FRAME-UP

The K.G.B. has admitted that its forerunner framed and imprisoned a former leader of the Lubavitcher Hassidic group, Levi Y. Schneerson, in 1939, leading to his death in a labor camp.

According to the Tass News Agency, the documents, including minutes of the interrogation, show that Rabbi Schneerson was "framed and executed by Stalin's secret police."

ISRAEL

CAN'T LICK 'EM

Strictly religious Jews in Israel are being asked not to use two new postage stamps because of "unsavory" drawings on them.

One stamp depicts a large red heart under the Hebrew word *be'ahavah* (with love). The other shows a bikini-clad woman at the Dead Sea.

EXEMPTIONS

Beginning in November, Israel Defense Force reservists will no longer need permission from their units to travel abroad, except in the case of a national emergency. In addition, Israelis living abroad who want to visit the country will not have to obtain permission from their unit to leave.

The process of obtaining an exit visa usually requires a full day, and has been a particular cause of frustration for thousands of Israelis abroad on their return home.

HEBREW NAMES

Gai, Tomer, and Uri are the most popular names for boys in Israel, while Sivan and Tal are the favorite choice for girls, according to a study by Haifa University researchers.

Biblical names such as Moshe, Rivka, or Yaakov are not nearly as popular as names with what young parents call "a modern Israeli flavor."

FAST FOOD

As the result of research conducted by Kibbutz Erez, south of Ashkelon, chickens are being readied for market in six and a half weeks as opposed to the normal eight.

The chickens are exposed to fluorescent lighting filtered by green PVC sheets. The chickens exposed to the green light absorb greater amounts of light and reach a higher weight than those under normal conditions.

U.S.A

LBJ STORY
In Robert Dallek's new biography of LBJ, *Lone Star Rising: Lyndon Johnson and His Times 1908-1960*, the author reveals that the 36th president helped save hundreds of Jewish lives during World War II while serving as a congressman from Texas.

Johnson worked with prominent local Jews to help obtain fake passports and one-way visas via Cuba, Mexico, and South America in a rescue effort known as "Operation Texas."

FOLK ART
The American Folk Art Museum is presenting the first major New York exhibition of the works of folk artist Harry Lieberman.

Lieberman worked from the age of 79 to 103, painting his memories of the religious, cultural, and social traditions that shaped his life as a rabbi and painter.

UNIQUE PROJECT
A unique project designed to solve educational problems of the Bedouin community in the Negev desert and the American Indian community in Arizona has been developed at a recent symposium at Ben-Gurion University in Beersheba.

The program is being conducted by the Humphrey Institute for Social Ecology in Israel and the Indian Center for Graduate Studies at Arizona University.

LATIN AMERICA

JEWISH RIO
A history of Jewish immigration to Rio de Janeiro has been published recently in Brazil.

Entitled *Heritage and Remembrance*, the book incorporates oral histories, documents, and photographs collected from immigrants from 22 different countries.

CONVERSOS
Mario Javier Saban has written a second volume of his book on *Conversos* (Jews forced to convert under the pressure of the Inquisition), in which he brings to light the Jewish origins of many of the patrician families of Argentina.

In the new volume, the author describes the Spanish and Portuguese Jews who were killed during the Spanish Inquisition.

HERO HONORED
Stanislaw Gora, a surviving pupil of Janusz Korczak, was present at a ceremony at which a plot of land was donated to the Brazilian Janusz Korczak Association for the building of a children's home.

Korczak was the head of the Jewish orphanage in Warsaw during World War II. When the Nazis invaded Poland, Korczak refused offers for his personal safety, choosing instead to accompany some 200 charges to their death at Treblinka.

AMAZON HONOR
Dr. Rui Rafael Durlacher, a Brazilian Jew, has been honored by the municipal council of the town of Labrea. Durlacher, a graduate of the Medical faculty of Sao Paulo State University, served for ten months as a volunteer in Labrea, in the midst of the Amazon rain forest.

JEWISH NUMBERS
The Jewish community of Rio Grande do Sul in Brazil is conducting a state-wide census and setting up a data bank in order to define its own problems and help solve them.

The questionnaire requests information on religious beliefs and practice, the relationship to the Brazilian non-Jewish community and to Israel, Jewish education, and social and cultural activities.

EUROPE

HATE PUBLICATION
British Attorney-General Sir Patrick Mayhew has been asked to investigate the publishers of a magazine article calling on Muslims to kill Jews.

The item appeared in *Khilafah*, a Muslim fundamentalist magazine which is distributed outside London mosques and by subscription.

ROTTEN IN DENMARK
Jorgen Nielsen, one of the few remaining Nazis in Denmark, has been fined $5,000 for insulting and making offensive accusations against a half-Jewish Danish television journalist.

Nielsen was editor-in-chief of a now defunct magazine, the *National Socialist*.

CAR WARS
A price war has broken out in London as the area's four main Jewish-owned taxi companies, which serve the strictly Orthodox community of Stamford Hill, undercut one another in an attempt to win business.

Many of the drivers are strictly Orthodox men. There are also religious women drivers, who are used by female passengers. None of the companies operates on Sabbath or Jewish festivals.

FIGHTER
Political and Jewish community organizations are backing London Council employee Gloria Refson's battle against the anti-Israel policies of one of Britain's biggest unions.

Mrs. Refson objects to the policy of her union, the National Association of Local and Government Officers (Nalgo), which boycotts and calls for sanctions against Israel.

سری مقالات دنیای یهودیت و والدمایم از انتشارات کنگره جهانی

یهود میباشد که با اجازه آنان به فارسی نیز برگردانده شده اند.

WORLD JEWRY

SEPTEMBER 1991

FOCUS: ISRAEL TRADE LINKS

HIGH ON ISRAEL

According to *Investor's Daily*, U.S. investors are betting that a combination of political, economic, and demographic changes will help Israel become fertile territory for newly emerging companies.

The Bank of Israel estimates that the GNP will grow between 7 and 9% in 1991, up from 5.1%.

YAK-40

Israel and the Soviet Union are joining forces to seed clouds for rainfall, and at the same time inhibit the formation of damaging hailstones.

Israeli equipment is being installed in Soviet YAK-40 aircraft to study the physics of clouds. The research is a joint project of Tel Aviv University and the Hydro-Meteorological Institute in Soviet Georgia, in conjuction with the Geophysics Observatory of Leningrad.

TRADE FAIR

The Israeli Ministry of Industry and Trade, in conjunction with U.S. and Israeli groups, is planning to hold a business opportunities fair in Miami in November.

The fair will be part of a campaign to promote investments, trade, and industrial cooperation with the United States. The city of Miami has assumed responsibility for the organization and invitations to American investors and buyers.

OUT OF SEASON

Farmers in the snowy regions of Japan are growing tomatoes and other vegetables in the winter with agricultural technology from Israel.

Some 150 greenhouses in Japan are using artificial soil and a computerized greenhouse system developed at the Weizmann Institute of Science.

COTTON IN CHINA

Israeli seed developer "Hazera" has begun experiments in China to cultivate high-yield hybrid strains of cotton seeds, investing $300,000 in a trial area in the Beijing region.

The project was initiated by China because of poor cotton yields. The cotton, grown without irrigation, was developed by Israeli scientists to meet needs created by the water shortage in Israel.

WELCOME BACK

After a lapse of 22 years, the Israel Philharmonic has returned to perform in Greece.

The orchestra recently gave a concert at the Parthenon to an audience of 6000 people. The audience included the entire Greek Cabinet.

SELLING SOFIA

Israel and Bulgaria have signed a cooperation agreement in the field of transport.

Bulgaria will sell railway and aeronautical equipment to Israel, and Israel will provide Bulgaria with maintenance services and information.

SCIENCE TIE

The Weizmann Institute of Science and the Argentinian Secretariat of Science and Technology have signed a cooperation agreement calling for joint projects in such spheres as the neurosciences, computer sciences, solar energy, and water pollution. Institutions in Latin America, Spain, and Portugal will be invited to join in these projects.

SELLING SINGAPORE

The United States journal *Aviation Week* reports that that since the beginning of the year, Israel has sold UAV's (unmanned aerial vehicles) to the Singapore army.

Another U.S. periodical, the *International Defense Review*, says that an Israeli company has been awarded a tender estimated at $150 million by the Singapore Air Force, to upgrade avionic systems on its F-5 aircraft.

HUMANITARIAN AID

Magen David Adom, Israel's civilian medical service, is sending medical aid valued at $3,000 to China.

The supplies are intended as symbolic aid from Israel to the victims of the recent flooding in southern China, and include antibiotics and chemicals for the purification of contaminated water.

این مقاله در نشریه گردون در ایران چاپ وباعث تعطیل آن گردید.

• ویترین فرهنگی زندگی ما در داخل کشور بد است، برای ایجاد احساس امنیت، رفاه و زندگی آرام در کشورمان اول باید این ویترین را درست کنیم...

در فرهنگ ما، مهاجرت فی‌نفسه امری پسندیده و نیکوست، مشروط بر آنکه انسان در زمان مهاجرت احساس بیهودگی و آوارگی نداشته باشد، مثبت و سازنده باشد، همچنین آزادی، آزادگی و استقلال خود را حفظ کند.

زمانی مهاجرت بار مثبت خواهد یافت که معنای گریز و پناهندگی به سرزمین بیگانه نداشته باشد، بعد از انقلاب حدود سه تا پنج میلیون نفر از ایران رفته‌اند و اکثراً در شرایطی بسیار سخت روزگار می‌گذرانند، هویت واقعی خویش را از دست می‌دهند و ناچار به هر کاری تن می‌دهند، اما به قول جلال آل‌احمد: «مردم به سلطهٔ ظلم تن می‌دهند، اما روح نمی‌دهند.» روح ایرانیان مهاجر اینجاست و دلشان برای وطن پر می‌کشد. مانده‌اند.

روزی که وطن را ترک می‌کرده‌اند، هیچ شناختی از غرب (متمدن ـ وحشی) نداشته‌اند. در تونلی تاریک رو به سوی تاریکی پیش رفته‌اند بلکه کرم شبتابی، چراغی، خورشیدی بیابند، و بیشتر این خیل عظیم در تاریکی آن سر، گم شده‌اند، آنجا کسی غمشان را نمی‌خورد، اینجا هم کسی غمشان را نمی‌خورد. آیا می‌شود این جماعت میلیونی را ندیده گرفت؟ چطور می‌شود؟ آخر آنها ایرانی‌اند. اما نباید یکسویه نگریست. ما معتقدیم که هنرمندان، پزشکان و آموزگاران تحت هیچ شرایطی، به هر دلیلی، حق ندارند ترک وطن کنند.

مسئول عقب‌ماندگی فرهنگی کیست؟ در سال جاری یک‌میلیون‌ودویست‌هزار کودک واجب‌التعلیم نتوانسته‌اند به مدرسه راه یابند. در سال‌های اخیر هزاران کودک معصوم به‌خاطر یک بیماری بسیار ساده (اسهال و استفراغ یا سرماخوردگی) جان خود را از دست داده‌اند. گورستان‌های ایران، به‌خصوص بهشت‌زهرا کودکانی را به کام کشیده که نمی‌بایست می‌مردند، و سینهٔ دردمند مادران و پدران از خشم و کین ریشه‌داری آکنده است؛ آنان از پزشکانی که به دلایلی ـ مهم یا جزیی ـ وطن را ترک کرده‌اند گله دارند، چیزی شبیه کینه، حرفی از سر عشق و نفرت.

ما معتقدیم بالاترین رقم فرار از خانه ـ غیر از مسایل سیاسی ـ دلایلی جزیی دارند. آدم‌هایی که گریخته‌اند ذره ذره و خرده خرده آزار دیده‌اند، احساس عدم‌امنیت داشته‌اند، از جنگ می‌ترسیده‌اند، از بوروکراسی، گرانی، تورم، بی‌برنامگی، بی‌قانونی، حتی می‌توان گفت از بی‌برقی و بی‌نانی به ستوه آمده و گریخته‌اند.

یک جوان پس از پایان دوران دبیرستان، به برنامهٔ درستی نیازمند است. این دهان‌های گرسنه غذا می‌خواهند، این کودکان (سرمایه‌های اصلی فردا) به مدرسه، آموزش صحیح و معلم متخصص نیاز دارند. بیماران دارو می‌خواهند و مگر چقدر می‌توان نسخه در دست در خیابان‌ها به‌دنبال دارو گشت، چه کسی مسئول است؟

پیش از اینکه تقصیر را به گردن این و آن بیندازیم، امروز روز سازندگی است. همه باید تلاش کنیم. به شناخت دست یابیم. پیش از اینکه سلیقه‌های مختلف، جنگ فرهنگی وحشتناکی ایجاد کند، به این فکر کنیم که این ایران ماست. رفتار خود را به نقد بکشیم و بی‌توجه به اسکتبار جهانی خود را بسازیم. به قول زردشت: «آنجا که شناخت در میان باشد، اندیشه‌ها هماهنگ‌اند.» و به قول جان دوس پاسوس «مردم، من و شماییم.» به داد دل مردم برسیم.

در دوران سازندگی بی‌شک جامعه باید رشد فرهنگی چشمگیری داشته باشد، بی‌سوادی ریشه‌کن شود، وضع بهداشت و درمان، سامان بگیرد، پدر گرانی بسوزد و...

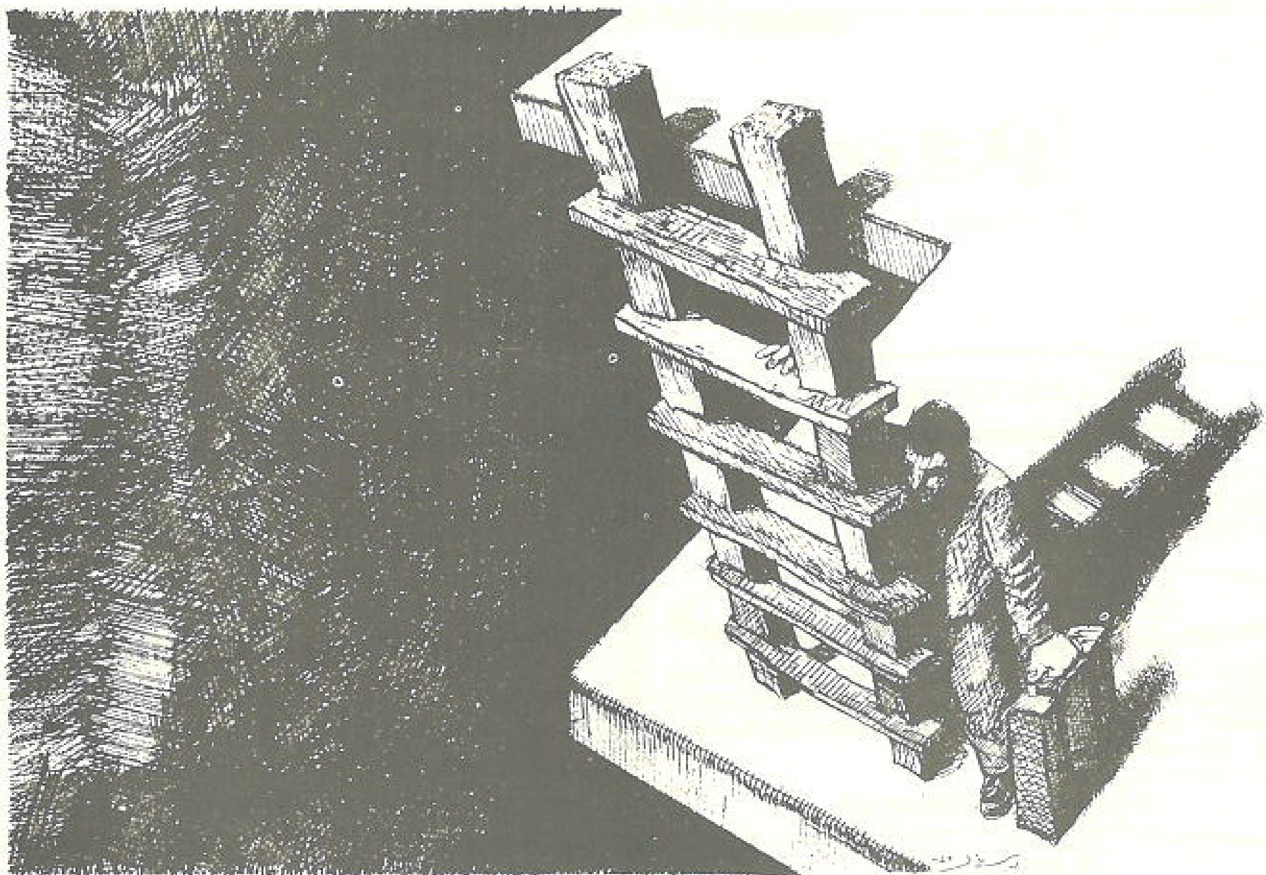
گزارش این شماره مروری بر همان جزییات رنج‌آور است که همچنان مردم را فراری می‌دهد:

چرا ایرانی‌های در غربت، به وطن باز نمی‌گردند؟!

به گفتهٔ آقای خرازی، یکی از چهار سفیر جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، دولت ایالات متحده آمریکا، اخیراً آماری از آخرین وضعیت مهاجرین آن کشور منتشر کرد و اعلام نمود:

«در میان مهاجرین موجود در آمریکا، ایرانی‌ها از نظر سواد و دانش و تخصص و ثروت در بالاترین ردهٔ مهاجرین جهان قرار دارند، از میان یکمیلیون مهاجر ایرانی پنجهزار نفر مافوق تخصص پزشکی در این کشور به کار مشغولند، و بخش مهم دیگر از شاغلین مهاجر ایرانی در رده‌های بالای مدیریت تولیدی، صنعتی و بازرگانی در آمریکا کار می‌کنند.»[1]

چندی پیش مطبوعات و خبرگزاری‌ها خبر دادند که یک زن پزشک ایرانی مقیم آلمان به دلیل خدمات مهم پزشکی و جراحی‌هایی که در آن کشور انجام داده از طرف جامعهٔ علمی جراحان آلمان به عنوان پزشک سال انتخاب گردیده است و یا در خبرهایی دیگر آمده که دولت استرالیا بزرگ‌ترین امکانات دامداری و زراعتی را در اختیار هژبر یزدانی قرار داده و او توانسته میزان گوشت تولیدی را در مدت نه سال به



دوبرابر افزایش دهد، و صدای آمریکا اعلام نمود که «جواد خاکباز» روزنامه‌نگار نه‌چندان مهم ایران اکنون در آن کشور صاحب یکی از بزرگترین مؤسسات مطبوعاتی شده است.

اما برنامهٔ تلویزیونی «سراب» که پخش آن سال گذشته از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران آغاز شد به ما نشان می‌داد که اکثر ایرانیان به دنبال سراب راهی غرب شده‌اند و به‌خاطر مشکلات زندگی و آلودگی محیط غرب به دامن اعتیاد، فحشا ، دزدی و بیماری‌های روانی و خودکشی کشانده شده‌اند. برنامهٔ تلویزیونی سراب به سبک رپورتاژهای جنجالی بعضی از مجلات قبل از انقلاب، هر بار ما را با نمونه‌ای از زندگی یک زن، یک مرد، یک کودک فریب‌خورده آشنا می‌کرد که با کوله‌باری از پشیمانی و درد به کشور خود بازگشته‌اند. سطح فرهنگی برنامهٔ سراب آنقدر نازل بود که به پخش نمونه‌هایی از خودفروشی زنان و مردان، حتی در شیخ‌نشین‌ها اشاره می‌کرد، سازندگان این برنامه سطح تلویزیون را که شبکه فراگیر کشور ما است در حد رپورتاژ پاورقی‌های مطبوعات قبل از انقلاب پایین کشیده بودند. همین گروه در برنامه‌ای که دوشنبه شب، سی‌ام اردیبهشت از شبکه پخش شد گروه عظیمی از جوانان برومند و آرزومند ایرانی را در توکیو نشان می‌دادند که در باندی گسترده از شبکهٔ کلاهبردارها و دزدی‌های خودی آواره و سرگردان شده‌اند، اما، از سویی دیگر هم‌زمان با زیباسازی چشمگیر و قابل تقدیر شهردار جوان شهر تهران دولت به‌طور جدی و صریح دست نیاز به سوی ایرانیان در غربت مانده دراز کرده و خواسته است که در دوران سازندگی به ایران برگردند و به سر کارهای خود در صنایع، دانشگاه و بهداشت و درمان و بیمارستان حضور یابند. کار و امنیت اقتصادی تولید کنند تا جوانان ما در توکیو، دوبی، استانبول آواره و سرگردان نشوند، و فرار مغزها، فراری که از گذشته‌های دور رایج بوده و میلیاردها دلار سود عاید کشورهای بزرگ غربی کرده متوقف شود.

دهخدا، لاهوتی، حسن مقدم و همهٔ تبعیدیان!

مهاجرت یا تبعید در تاریخ ملت ایران یک سابقه‌ی رسمی ۱۵۰ ساله دارد. از مشهورترین چهرهٔ تبعیدی آن دوران، سید جمال‌الدین اسدآبادی که بگذریم، نخستین گروه مهاجرین و تبعیدی ایران، آزادی‌خواهان و روزنامه‌نگاران بودند که در اوج دورهٔ اختناق ناصرالدین شاهی هر یک به گوشه‌ای از جهان گریختند و در قدم نخست و با نشر روزنامه به بیداری ملت ایران کمک کردند. از جمله «پرنس ملکم خان» ناظم‌الدوله که در سال ۱۳۰۷ هجری قمری با همکاری گروهی از آزادی‌خواهان ایران روزنامهٔ قانون را در لندن منتشر کرد، گرچه قبل از قانون روزنامهٔ اختر را هم داریم که بوسیلهٔ «آقا محمد طاهر تبریزی» در سال ۱۲۹۲ هجری قمری در استانبول منتشر می‌گردید و کسانی چون میرزا آقاخان کرمانی یا شیخ احمد روحی و دیگر مهاجرین، در آن جریده، مقاله می‌نوشتند. سپس باید از روزنامه‌های حکمت و ثریا نام ببریم که اولی به سال ۱۳۱۰ در قاهره چاپ می‌شد و نویسندهٔ آن «میرزا مهدی‌خان تبریزی» (زعیم‌الدوله) بود. و «میرزا علی‌محمدخان کاشانی» نویسنده و ناشر «ثریا» نیز در سال ۱۳۱۶ در قاهره روزنامه خود را منتشر می‌نمود. مهاجرین ایرانی چه قبل از انقلاب مشروطیت و چه بعد از سرکوبی آن توسط محمد علیشاه روزنامه‌های خود را به طرق مختلف وارد کشور می‌کردند، باسوادها در پسله و پنهان آن را برای عامهٔ مردم ایران می‌خواندند، تا نسبت به سرنوشت و رفتار حکومت کشور خود آگاهی یابند.

بعد از پیروزی انقلاب مشروطه بود که مهاجرین با شوق بسیار به کشور بازگشتند، اما محمدعلیشاه قاجار با یورش و سرکوب آزادی‌خواهان بار دیگر گروهی را به مهاجرت مجبور کرد. بعد از اعدام چند تن از نویسندگان «صور اسرافیل» علی‌اکبر

PERSIAN HILLEL

900 Hilgard Ave. • Los Angeles, CA. 90024 • Tel: (213) 824-3300

ELECTIONS

Date: Sunday, October 20, 1991
Deadline for declaring candidacy Oct. 10, 1991
Please refer to the enclosed flier.

OPEN DISCUSSION

Come join us for yet another intriguing and controversial open discussion. We will be talking about *ethics in business and school*. This promises to be a very interesting evening.
Date: Tuesday, Oct. 29,1991
Time: 7:00 p.m.

Refreshments will be served.

LECTURE

A close look at the history of Israel's independence will reveal the important contributions women have made to gain this independence.
This lecture will be conducted in English.
Date: Tuesday November 5, 1991
Time: 7:30 p.m.
Place: Hillel Auditorium

Refreshments will be served

NIGHT AT THE IMPROV

Please join us in a night full of laughter and comedy at the *Improvisation*. Admission will be at the fraction of the usual price. Space is limited, so please reserve your space in advance by calling (213) 824-3300.

Date: Sunday, November 10, 1991
Time: Leaving Hillel at 6:00 p.m.

انتخابات

تاریخ : روز یکشنبه ۲۰ اکتبر ۱۹۹۱
لطفاً به فلایر پیوست مراجعه شود .

بحث آزاد

شب دیگری را در کنار هم در بحثی آزاد بگذرانیم. بحث این جلسه تحت عنوان مشاغل ، مدارس و نقش آنهادر جامعه می باشد.
زمان : سه شنبه ۲۹ اکتبر ، راس ساعت ۷ بعد از ظهر
به صرف چائی و شیرینی

سخنرانی و بحث

نقش زنان در تاریخ کشور اسرائیل

نگاه درسی به تاریخ یهود بیندازیم و در مورد نقش مهم زنان بیاندیشیم.
زمان: سه شنبه ۵ نوامبر ، راس ساعت هفت و نیم بعد از ظهر
مکان: آدیتوریم هیلل
این برنامه به زبان انگلیسی بر گزار خواهد شد . به صرف چای و شیرینی

شب خنده

شبی پر از خنده و شادی را با هیلل در یکی از کمدی کلابهای لوس آنجلس بگذرانید . به دلیل محدودیت جا خواهشمندیم بلیطهای خود را در اسرع وقت توسط هیلل رزرو نمائید .
تاریخ : یکشنبه ۱۰ نوامبر ـ ساعت حرکت از هیلل : ۶ بعدازظهر
برای اطلاعات بیشتر با دفتر هیلل تماس بگیرید .

We would also like to invite you to meet and speak with the candidates at a friendly brunch at 1:00 p.m. in the Hillel Auditorium. This brunch will precede elections and is free of charge.



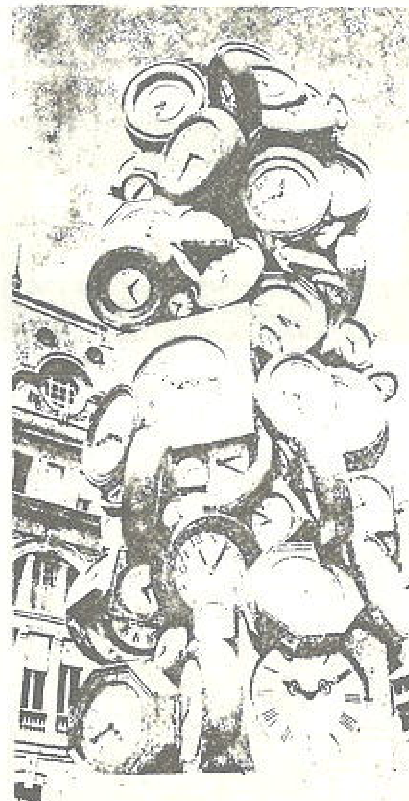
دهخدا) نیز آوارهٔ خارج از کشور شد، و زندگی در غربت این مرد بزرگ، توأم با درد و فقر و سختی‌های بسیار بود، به عبارتی می‌توان آغاز دورهٔ مهاجرت روشنفکران را به خارج از کشور از زمان محمدعلیشاه قاجار داشت. کودتای ۱۲۹۸ سیدضیاء و رضاخان نیز دورهٔ تازه‌ای از مهاجرت و تبعید ایرانی‌ها را بوجود آورد. اگر تا سال‌ها پیش مهاجرین ایرانی، به‌خصوص روشنفکران و آزادی‌خواهان در استانبول و قاهره و یا باکو اطراق می‌کردند، حالا راه کشورهای اروپایی باز شده بود. سید ضیاءالدین طباطبایی نخست‌وزیر صد روزهٔ کودتا که آغازگر دور تازهٔ مهاجرین ایرانی شد خود ناچار به مهاجرت گردید، از ایران گریخت و ابتدا در سویس از سیاست، به تجارت فرش پرداخت:

«... در اواخر ماه دسامبر گذشته که از سویس عبور می‌کردم چند روزی در لوزان ماندم، چون می‌دانستم آقا سید ضیاءالدین طباطبایی نزدیک آنجا در «مونترو» منزل دارد، خواستم ملاقاتی از او بکنم، جویای آدرسش شدم، ولی هیچ‌کس آن را نمی‌دانست، بالاخره از ادارهٔ پلیس پرسیدم، گفتند: «بله، روحانی نام ایرانی در فلان مهمانخانهٔ مونترو منزل دارد.» به آن مهمانخانه تلفن کردم، آقای روحانی آمد پای تلفن. معلوم بود که انتظار فارسی شنیدن نداشت. گفتم: «من یک نفر ایرانی هستم و تازه از ایران آمده‌ام و میل دارم حضرتعالی را ملاقات کنم.» جواب داد: «همین امروز بفرمایید، منتظر شما هستم.»»[۲]

بعد از کودتایی که رییس آن سید ضیاء، خود مجبور به مهاجرت شد. استانبول به صورت مرکز بزرگ مهاجرین ایرانی درآمد. به‌طوری که خان ملک ساسانی آنجا مدرسهٔ ایرانی «تربیت» را تأسیس کرد، و ابوالقاسم لاهوتی، شاعر انقلابی و رییس ژاندارمری قم که دست به شورش زده بود و محکوم به اعدام و فراری شده بود در این مدرسه، در کنار حسن مقدم «علی نوروز» که دست در دست خان ملک از دستور وزارت‌خانه سرپیچی کرده و فرستادهٔ تهران را به سفارتخانه راه نداده و درنتیجه منتظر خدمت شده بود درس فارسی تدریس می‌کردند.[۳] آغاز سلطنت رضاشاه نیز آغاز مهاجرت شاهزادگان قجری و ثروتمندان وابسته به دربار قاجار بود که مدت این مهاجرت طولانی شد، برخی در غربت ماندند و مردند.

بعد از شهریور بیست نیز بسیاری از مهاجرین از هر صنف و طبقه و گروهی به ایران بازگشتند، اما کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ یک بار دیگر بسیاری از وطن‌پرستان را به مهاجرت کشاند، این شاید طولانی‌ترین دوران مهاجرت برخی از ایرانیان بود که تا انقلاب بهمن ۵۷ طول کشید، بسیاری از این

استبداد ناصرالدین‌شاه به مهاجرت ایرانیان دامن زد، سرکوب بی‌رحمانهٔ آزادیخواهان مشروطه‌خواه توسط محمدعلیشاه موجب سیر صعودی مهاجرین شد. حاصل کودتای سیدضیاء خود او را به خارج از کشور فراری داد. بسیاری از مهاجرین بعد از شهریور ۲۰ به وطن بازگشتند و بسیاری دیگر پس از کودتای ۲۸ مرداد از کشور گریختند...



مهاجرین آنقدر پیر بودند که فقط توانستند به یکی از قدیمی‌ترین آرزوهای خود یعنی مرگ در خانه برسند و در سرزمین زادگاه خود بمیرند، برخی از این آرزومندان همچون دکتر سیدعلی شایگان دوباره تن به مهاجرت داده و در غرب زندگی را بدرود گفتند.

انقلاب و مهاجرت بزرگ

اما یکی از بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین و وسیع‌ترین دوران مهاجرت ایرانی‌ها از شهریور سال ۱۳۵۷ آغاز شد، و به مرور زمان دامنهٔ مهاجرت آنچنان گستردگی پیدا کرد که اکنون می‌گویند بین ۳ تا ۵ میلیون ایرانی در خارج از وطن به سر می‌برند. اولین گروه مهاجرین این دوره، برخی از آلودگان سیاسی رژیم شاهنشاهی و ثروتمندان بودند که بعد از واقعهٔ ۱۷ شهریور چمدان‌ها را بستند و از (وطن!) خارج شدند، آنها انقلاب در شرف وقوع را احساس کرده بودند. این روند خروج از کشور بعد از روی کار آمدن دولت موقت شدت گرفت. جنگ که شروع شد سیر صعودی پیدا کرد و به رقم عظیم ۳ تا ۵ میلیون نفر رسید. جمعیتی عظیم که بر اثر طولانی شدن دورهٔ مهاجرت و همزمان با خبرهای امیدوارکنندهٔ آغاز دوران سازندگی اکثریت قریب به یقین آنان اکنون میل به بازگشت دارند. مهاجرت طولانی این گروه دست‌کم از نظر روحی، میل به بازگشت را در آنان افزایش داده است. تقریباً همهٔ خبرها، حاکی از این است که دلشان برای وطن تنگ شده و بیشتر در بلاد غرب مانده‌ها از زندگی در آن دیار خشنود و راضی نیستند. درصد بسیار کم و ناچیزی از این مهاجرین ممکن است برای زندگی در جمهوری اسلامی ایران مسأله داشته باشند، اما بخش مهم و عظیم آنان که به‌خاطر شرایط سخت زندگی و ترس بیهوده در دوران اولیهٔ انقلاب و جنگ از خانه خود گریخته‌اند، می‌خواهند در وطن خود باشند تا از تجربه و تخصص‌شان برای عمران و آبادی و سازندگی کشورشان استفاده شود.

دولت که پس از پایان جنگ و پایان بحران‌های ناشی از انقلاب، دوران سازندگی، خود را شروع کرده، به حضور فرد فرد این سرمایه‌های معنوی نیازمند است. فرستادگانی به‌طور رسمی از طرف دولت به سراغ آنان رفتند، اما، به نظر ما، حرکتی که شوق بازگشت آنان را موجب شود به‌وجود نیامده است. چون هنوز وضع بسیاری از خانه‌مانده‌های داخل کشور مطلوب نیست. به عبارت ساده‌تر، وبترین وضع عمومی زندگی مردم ما در داخل کشور نه‌تنها شوق‌انگیز نیست بلکه آزاردهنده است. غیر از مسایل اجتماعی و فرهنگی، از نظر اقتصادی نیز حرکتی شایسته باید انجام گیرد. نیکلسون، محقق انگلیسی که دربارهٔ اسلام و قرآن و متفکرین بزرگ اسلامی مطالعات وسیع و

گسترده‌ای انجام داده می‌نویسد: بسیاری از سخت‌گیری‌ها، مولود رسوخ افکار و روش اهل ریاضت بودایی است. این که گفته‌اند اسلام دین کاملی است به‌خاطر اینست که در اسلام به زندگی دنیوی اهمیت داده شده است. عفت موقعی ممدوح است که شهوت وجود داشته باشد و آدمی بتواند در قبال هوای نفس، مقاومت نماید و اگر شهوت نباشد، عفت مورد پیدا نمی‌کند.

بی‌هوی، نهی از هوی ممکن نبود
هم غزا با مردگان نتوان نمود

. اما در همین زمان می‌بینیم که ویترین زندگی اجتماعی مردم ما خراب است، و به آن دقت نمی‌شود، دلسوزی نمی‌شود. ویترین عمومی ما، یکیش مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی است. اما می‌بینیم با وجود کمبود آشکار دست‌کم دوهزار روزنامه‌نگار صاحب فن و تجربه و سازنده برای جامعه پنجاه‌وچند میلیونی ایران در عصر رسانه‌ها، حداقل دویست روزنامه‌نگار بعد از انقلاب بیکار شده، همچنان بیکار و خانه‌نشین مانده‌اند. گروهی از اینان، ساکنین کوی خبرنگاران تهران، هر روز در محوطهٔ کوی خود گردهم می‌آیند و نگران آیندهٔ شغلی خود انتظار می‌کشند و کسی از مقامات مسئول کشور در دوران سازندگی به فکر آنان نیست. شاعران و نویسندگان از حداقل حقوق رفاهی محروم‌اند. مشکل مسکن، مشکل انتشار، مشکل نوشتن، مشکل بزرگ معیشت. پس هنرمندان کی فرصت خلق اثر خواهند داشت؟ نه تنها در این زمینه‌ها، بلکه در زمینهٔ همهٔ هنرها، چه رادیو و تلویزیون و سینما و تئاتر و چه مؤلفین و مصنفین و دانشگاهیان، خانه‌نشین، هنوز جذب بازار کار نشده‌اند. کسی به فکر حال و روزگار و کار آنان نبوده است.

به هنگام برگزاری جام جهانی ۱۹۹۰ بخش فارسی بی. بی. سی لندن حبیب روشن‌زاده را از آمریکا دعوت به کار کرد، اما صدا و سیمای ما یکی از برجسته‌ترین مفسرین ورزشی خانه‌نشین شده، یعنی عطاء بهمنش را دعوت به همکاری نکرد، بهمنش گفته است:

«... به هنگام مسابقات المپیک من تلفن کردم به سازمان و داوطلب شدم که به‌خاطر میل روزافزون جوانان ایرانی به ورزش، این سالم‌ترین و خداپسندانه‌ترین تفریح و سرگرمی جوانان، در جریان پخش ماهواره‌ای مسابقات با صدا و سیما همکاری کنم، یک آدم با حسن نیت پیشنهاد مرا پذیرفت و استقبال کرد. اما روزی که خواستم وارد ساختمان شوم، جلوی زنجیر ورودی، نگهبان ساختمان راه را بر من بست.

بعدها معلوم شد خبر همکاری مرا بعضی از تازه به منصب رسیده‌ها دوست نداشتند. برای من آزاردهنده این بود که یکی از آنها

• تداخل در کارها، احساس مالک مملکت بودن، و حق تعرض یک‌طرفه داشتن باید به هر شکل و صورتی متوقف شود.

• شاعران و نویسندگان و فرهنگیان از حداقل حقوق رفاهی محروم‌اند.

گفت حالا که قرار است بهمنش به سرکار برگردد «گوگوش» را هم خبر کنید!

این همه تجربه، سابقه کار و کارآیی من باید عاطل و باطل بماند، حتی خواستم آموزش بدهم و آنچه را که طی سالها کار آموخته و تجربه کرده‌ام به دیگران بیاموزم، اما هیچ خریداری نیافتم.»

عطاء بهمنش تنها نیست، او یک نمونه از صدها مورد بی‌توجهی، بی‌مهری و بی‌علاقگی مدیران بعد از انقلاب ما، به صاحبان حرفه و تخصص است. یعنی همان کسانی که می‌توانند ویترین زندگی ما را زیبا و قابل قبول نشان دهند. دولت سعی می‌کند و برنامه‌هایی تدارک ببیند که در دوران سازندگی و برای سربلندی ایران از همهٔ نیروهای سازنده در داخل و خارج کشور استفاده کند، اما از خودمان بپرسیم کدام اقدام عملی و دلگرم‌کننده و سازنده انجام گرفته است؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی

ایران از قرن‌های دور یک کشور اسلامی بوده و حکومت آن بعد از انقلاب، به عنوان جمهوری اسلامی ایران در دنیا به رسمیت شناخته شده است. قانون اساسی در هر مورد و زمینه‌ای تکلیف ملت و دولت و قوای سه‌گانه را مشخص کرده است. اما بی‌توجهی در اجرای قوانین و یا عدم تأکید بر روی همین قانون دنیا را نسبت به ما بدبین ساخته و هموطنان ما را از خود ما می‌ترساند، ترسی که ظاهراً پایانی ندارد و دشمنان منافع ما نیز به هر شکلی که بتوانند و دوستان نادان ما با هر اشتباهی که مرتکب شوند کشور ما را محیطی قدرت‌زده و بی‌قانون معرفی می‌کنند. در دوران سازندگی بیشترین کوشش باید تأکید روی همین قانون اساسی می‌شد که نشد. ضعف در اجرای قانون اساسی، قانونی که از طرف ملت ایران پذیرفته شده، بزرگترین عامل وحشت ایرانیان مهاجر برای زندگی در داخل کشور ما بوده است. در اجرای مسایل بسیار سادهٔ قانون ضعف‌هایی داریم که ظاهراً ساده اما در نهایت حساس و سرنوشت‌ساز است و نباید از نظر دور بماند.

احسان نراقی استاد سابق دانشگاه تهران و جامعه‌شناس معروف که اکنون به‌عنوان مشاور عالی مدیرکل یونسکو در پاریس به‌سر می‌برد، در دی‌ماه سال گذشته برای انجام یک مأموریت اداری و برای شرکت در کنگرهٔ جهانی فردوسی به ایران آمد، احسان نراقی در همان روزها در گفتگویی با یکی از خبرنگاران ما، به‌عنوان بخشی از دخالت‌های غیرقانونی که هنوز متوقف نشده گفت:

«... به هنگام بدرقهٔ مدیر کل یونسکو در فرودگاه مهرآباد مامور جوانی به من گفت: برای چی این همه خرج آمدورفت می‌کنید که از فردوسی تجلیل کنید؟! چرا از شهید مطهری و کتابهایش و افکارش تجلیل نمی‌کنید و کنگرهٔ جهانی تشکیل نمی‌دهید؟ من که طرف پرخاش این مامور جوان بودم با حوصله گفتم که، برگزاری کنگرهٔ فردوسی هیچ مخالفتی با کنگرهٔ شهید مطهری ندارد، خوب، البته می‌شود برای شهید مطهری هم کنگره‌ای ترتیب داد، و از افکار و اندیشه‌های ایشان تجلیل کرد، اما این به آن معنی نیست که باید به‌خاطر دل شما جلوی کنگرهٔ فردوسی را گرفت.»

احسان نراقی یک ایرانی است و به‌عنوان یک جامعه‌شناس می‌تواند خلق‌وخوی بعضی از هموطنان خود را درک کند، اما آیا این نوع برخوردها از موضع قدرت با هدف قابل قبول و قابل تحسین دولت که می‌خواهد زمینهٔ بازگشت ایرانیان صاحب تخصص را به کشور فراهم کند مغایر نیست؟

یکی از دوستان که زمانی قهرمان و عضو تیم ملی کشتی ایران بوده، و حالا در ایتالیا زندگی می‌کند چند روز برای دیدن خانواده‌اش به تهران آمده بود.

او که در شهر رم هم مربی کشتی است و هم داروخانه دارد. در روزهای اول مدام می‌گفت دلم می‌خواهد زن و بچه‌ام را بردارم، داروخانه را بفروشم و بیایم اینجا داروخانه باز کنم، چقدر آنجا آدم تنهاست، هرچند که در رفاه زندگی می‌کنم. اما تمام بیست روزی را که در تهران بود دنبال پاسپورت و ادارهٔ گذرنامه و بلیط هواپیما و دفترچهٔ بسیج و هزار نخود سیاه دیگر دوید و عاقبت با چشم‌های گودافتاده، چهرهٔ عبوس، خسته و با حالتی بی‌اعتنا از کشور خارج شد.

یک پزشک می‌گوید: من از دوران کودکی در آرزوی این بودم که یک روزی کاره‌ای شوم و به مردم محروم خدمت کنم. درس خواندم و پزشک شدم از همان اولین روز کار در مطب گفتم بین مریض بیمه‌ای و آزاد هیچ فرقی نباشد. انتظار نداشتم در این مملکت یکی بگوید دستت درد نکند ولی انتظار هم نداشتم یک دفعه دویست‌وپنجاه‌هزار تومان برای من مالیات بنویسند، برادر همسرم که در

آلمان زندگی می‌کنند وقتی پای درددلم نشست، گفت تو احمقی، جامعه‌ای که این‌قدر مریض دارد تو چرا باید غصه بخوری، حالا که هیچ‌کس به فریادت نمی‌رسد، بیمه را بردار بگو همه نقد بدهند. و من از آن روز به طرف کار نقدی رفتم، شدم مثل همکاران دیگرم که روزگاری از شیوه کارشان انتقاد داشتم، من هم آلودهٔ زراندوزی شدم. حالا لااقل دلم نمی‌سوزد اگر مجبور باشم سالی دویست‌وپنجاه‌هزار تومان مالیات بدهم، پولش را از دست مردم می‌گیرم.

سر ممیزی یکی از شعبات وصول مالیات وزارت دارایی می‌گوید:

ما تقصیری نداریم، به ما می‌گویند بنویس، ما هم برآوردی می‌کنیم و می‌نویسیم، ولی به‌عنوان یک مامور مالیات قدیمی می‌گویم هیچ‌کس در این مملکت مالیات واقعی‌اش را نمی‌پردازد!

بد کار کردن و مردم را ناامید کردن در بخش اجرایی دولت بیداد می‌کند و کسی هم نیست به فریاد برسد. ویترین ما خراب است. ویترین چیست؟ یکیش پلیس راهنمایی است که همه شهرنشینان، هر روز با آن سروکار دارند. به یک درددل گوش کنیم:

پلیس راهنمایی

ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۲۸ فروردین وارد پمپ بنزین امیرآباد شدم، رانندهٔ یک وانت‌بار دولتی بی‌احتیاطی کرد، دنده عقب آمد و به اتومبیل من صدمه زد. منتظر افسر راهنمایی شدیم، خبری نبود، رفتیم از سر چهارراه افسر آوردیم، صحنه را دید، گواهی‌نامه‌مان را بین هم عوض کرد و گفت چون کروکی‌اش تمام شد به ادارهٔ راهنمایی و رانندگی منطقه واقع در میدان گلها برویم، او با بی‌سیم خبر می‌دهد که کروکی‌اش را بکشند. به اداره رفتیم، سرهنگی که مسئول این کار بود حرف ما را نپذیرفت و از جریان بی‌سیم اظهار بی‌اطلاعی کرد و حتی نام افسری که چنین گفته بود و ما از روی پلاک روی سینه‌اش آن را به‌خاطر سپردیم نشناخت یا لااقل وانمود کرد که اصلاً چنین افسری نمی‌شناسد. دوباره به محل حادثه برگشتیم، افسری که قبلاً سر چهارراه دیده بودیم سر پستش نبود، به انتظارش ماندیم جلوی چند اتومبیل گشت را گرفتیم، همه گفتند الان بی‌سیم می‌زنیم. ولی خبری نشد، تا ساعت دو بعدازظهر که آن افسر مورد نظرمان آمد. او رفت به مغازه کفش ملی و از آنجا با تلفن جریان را به سرهنگ گفت، و حتی پرخاش کرد که چطور او را نشناخته‌اند. بعد از نیم ساعت استوار موتورسوار آمد، او نیز با بی‌میلی و بیشتر به اصرار ما و قبول حرف ستوان سر چهارراه دسته قبض را درآورد و کروکی کشید. کروکی را به اداره بردیم گفتند، سرهنگ رفته و ساعت چهار بعدازظهر می‌آید، که هر دو نفر خسارت دیده و خسارت زننده از کار و زندگی و از نفس افتاده به خانهٔ خود رفتیم.

اما همه‌مان می‌دانیم که همین مأمورین بی‌نظم، با کار خدماتی حساسی که دارند به هنگام جریمه‌نویسی چه منظم و آماده به خدمتند. پای صحبتشان که بنشینی همه درددل دارند و از وضع بد اقتصادی خود می‌نالند و می‌گویند: «مگر کسی به فکر ما هست که ما به فکر شما باشیم!»

پای صحبت هر کسی که بنشینیم یک درد بی‌درمان، شاه بیت علل و انگیزه وضع موجود است، گرانی، بیکاری، اقتصاد ناسالم. کارمندان قوهٔ مجریه علل کم کاری، بدکاری و خرابکاری خود را ناشی از گرانی روزبه‌روز مایحتاج زندگی و بی‌توجهی دولت به سرنوشت ملت می‌دانند، و همین را دستاویز و بهانه‌ای برای کم کاری و خرابکاری خود می‌دانند، دولت برای پایان دادن به این وضع قاطعیت و از همه مهمتر مدیریت ندارد. مدیرهای لایق غالباً دلمرده‌اند.

اگر وضع ایرانیان بد است!

یک جامعه‌شناس می‌گوید:

«همه می‌دانیم که مهاجرین زیادی در خارج از کشور داریم، ایرانیان پس از انقلاب و پس از شروع جنگ به شکل زننده و گسترده‌ای از کشور خارج شدند. عوامل خروج همرطنان ما بسیار زیاد و متنوع است. امروز صبح ـ شنبه چهاردهم اردیبهشت ـ در روزنامه ابرار خواندیم که سی‌هزار کارگر ایرانی، در واقع سی‌هزار جوان بی کار ایرانی در طول یکی دو سال اخیر خودشان را به ژاپن رساندند. برای کار و برای درآمد بیشتر. همین روزنامه نوشته که انبوهی از جوانان در فرودگاه توکیو باطل و سرگردان مانده‌اند و پلیس با آنها بدرفتاری می‌کند. به آنها توهین می‌کند، برنامه تلویزیونی «سراب» هم به ما می‌گوید که ایرانیان در دیار غرب آواره، بدبخت، تحقیرشده و در وضع فجیعی زندگی می‌کنند. ما فرض می‌کنیم همهٔ این خبرها درست است، اصلاً غرب جای زندگی ما مسلمانان نیست، ولی راه مقابله‌اش چرا تلویزیون ما تنوع ندارد؟ چرا تئاتر و سینمای ما محدود است؟ بعد از انقلاب تعداد سینماهای ما تقریباً نصف شده است. حتی به‌عنوان نمونه یک سینمای جدید در تهران به این بزرگی ساخته نشده خوب چرا؟ در آرشیو تلویزیون صدها فیلم بزرگ، هنری که منافی عفت هم نیست وجود دارد. چرا این فیلم نشان داده نمی‌شود که مردم به سراغ فیلم‌های مبتذل ویدیویی نروند. مسألهٔ فرهنگی ما بسیار مهم و حساس است، باید با دقت و وسواس، باید با دید کارشناسی همهٔ این دقایق، این واقعیت‌ها بررسی شود.

سرمایه‌های واقعی

سرمایه‌های واقعی ملت ما کدام است؟ استکبار جهانی بعد از انقلاب بخش عظیمی از سرمایهٔ مادی ما را توقیف کرده است. دولت برای بازگرداندن این پول‌ها به خزانه خود تلاش گسترده‌ای کرده است، اما غرب، سرمایه‌های معنوی ما، دهها هزار ایرانی صاحب تخصص در همه زمینه‌ها چه اقتصادی و چه فرهنگی را به رایگان در اختیار گرفته و استفاده‌اش را می‌برد. از اینان در صنایع خود استفاده می‌کند، در دانشگاه‌ها استفاده می‌کند، در بیمارستان‌های خود استفاده می‌کند، حتی در برنامه‌ریزی‌های سیاسی خود برای خاورمیانه استفاده می‌کند. از معدود بی‌وطنان بگذریم. اما اکثریت عظیم آنان که در خارج مانده‌اند و در خدمت رفاه و شکوفایی ملتی بیگانه مورد استفاده قرار می‌گیرند خودشان رنج می‌برند. ایرانی‌ها از گذشته‌های دور به علت وطن‌دوستی شهره بوده‌اند. پای درددل هر یک از اینان که بنشینی به‌خاطر وضع موجود ما رنج می‌برند. دلشان برای زادگاه خود، برای مردم کوچه و بازارشان تنگ شده است. همه آنان ضد انقلاب و ضداسلام نیستند. ترس بیهوده‌ای که از زندگی در ایران امروز دارند باید ریخته شود. مشکلات داخلی، مشکلاتی که عموماً قابل حل هستند باید هر چه زودتر حل شود، در دوران سازندگی به همهٔ اینان احتیاج است. هدف‌های زیبای انقلاب با کمک و یاری هموطنان خودمان باید به ثمر برسد، تصور این که پنج‌هزار پزشک مافوق تخصص برای آمریکایی‌ها خدمت می‌کنند که اگر در خدمت بهداشت ما باشند جامعه سالم ما چه روندی از پیشرفت پیدا خواهد کرد، زیاست و با صدها استاد دانشگاه که در فرانسه و انگلیس تدریس می‌کنند اگر وارد دانشگاههای ما بشوند، و سرمایه سرمایه‌داران ایرانی که در کوران انقلاب از کشور خارج شده اگر بازگردد و به بازار مالی ما تزریق شود، صنایع شکوفان شود، فرهنگ شکوفان می‌شود، آنوقت ایران به چه موقعیت مطلوبی در جهان خواهد رسید!

مشکل ما چیست؟

مشکل داخلی ما کدام است؟

مشکلات کی باید حل شوند؟

راهی برای تعبیر و شناخت پیام‌های خواب

دکتر ب. وزیری

زبان خواب، نزدیک زبان شعر

از گذشته‌های دور، از آن جا که بشر به یاد دارد، کوشش برای تعبیر خواب در جوامع بشری معمول بوده است. بعضی اوقات این عمل به تغییرات سیاسی بزرگ، حذف آدم‌ها و خانواده‌ها و کشتارها منجر شده است. گاه نیز جنگ‌ها در پی آورده. آیا واقعاً می‌توان به خواب‌ها اعتماد کرد؟ تعبیر خواب درست است؟ زبان خواب کدام است؟ آیا کسانی هستند که زبان خواب را بدانند؟ در این نوشته، به این سؤال‌ها پاسخ داده می‌شود.

درک معنای بعضی از خواب‌ها بسیار آسان است. اگر خواب ببیند که با فرد آشنایی که ظاهری گیرا دارد رابطهٔ جنسی برقرار کرده‌اید، معنای آن احتمالاً چیزی جز بیان یک تمایل نهانی نیست. همچنین اگر خواب ببینید که کسی را به قتل می‌رسانید، این احتمال وجود دارد که در زندگی واقعی نسبت به او احساس دشمنی می‌کنید، هر چند که ممکن است اعتراف به این مطلب برای‌تان دشوار باشد. در یک چنین مواردی، خواب خواسته‌های قلبی را مستقیماً و آشکارا به زبان تصویری می‌کشد. حتی عجیب و غریب‌ترین خواب‌ها نیز همان کاری را انجام می‌دهند که روشن‌ترین آن‌ها می‌کنند؛ یعنی احساسات، عواطف، و برداشت‌ها را به زبان تصویری تبدیل می‌کنند. اما به علت این‌که خواب‌های پیچیده بیانگر افکار پیچیده‌ترند، از زبان پیچیده‌تری نیز بهره می‌گیرند.

فروید، که پیش آهنگ مطالعات خواب به شکل امروزی آن است، اعتقاد داشت که خواب برای آن از نمادها بهره می‌گیرد که ناخوش آیندی همهٔ سابقه‌های جنسی و خشونت خواب بیننده را، که در زندگی بیداری سرکوب شده است، از وی پنهان سازد؛ زیرا این تمایلات خوب و یا مطلوب انگاشته نمی‌شوند. فروید می‌افزاید بدیهی است که زمان مناسب برای بیان این تمایلات هنگام خواب است، زیرا در این زمان مغز می‌تواند به خیال پردازی‌های خود بپردازد، بدون آن‌که به کسی آسیب واقعی برساند. بنابر اعتقاد وی، خواب برای آن به زبان نمادین پناه می‌برد که اگر در خواب تمایلات جنسی و خشونت آمیز به روشنی به تصویر در آیند، خواب بیننده با وحشت از خواب برمی‌خیزد و از نظر مقدار خواب دچار کمبود می‌شود.

این نگره تاثیری نهانی در گسترش این فکر داشت که خواب‌ها ما را گول می‌زنند و تنها یک فرد خبره می‌تواند به اسرار آن‌ها پی‌برد و حقایق ناخوش آیندی را که فرد خواب بیننده می‌کوشد از آن‌ها پرهیز کند به وی بقبولاند. حتی در زمان خود فروید، برخی از پیروان وی، که برجسته‌ترین آنها یونگ است، به نادیده انگاشتن فرآیندهای ژرف‌تر ذهن و این‌که پنهان کاری اختصاصاً یکی از اعمال ذهن بیدار است اعتراض داشت. این مطلب با آزمایش‌های نوین و اطلاعات ارزش‌مند بسیاری که در آن زمان در دسترس فروید قرار نداشت نشان داده شده است. روان‌شناسان همیشه به فروید مدیون خواهند بود، زیرا وی نشان داده که خواب‌ها بیهوده نیستند. او همچنین دربارهٔ زبان نمادین خواب به منظور بیان فرآیندهای ذهنی ناخودآگاه، دانسته‌های بسیار ارزش‌مندی در اختیار ما قرار داده است. ولی امروزه ما می‌دانستیم که نگرهٔ «پنهان کاری» ناشی از تعصب وی در این باور بوده است که خود ناآگاه تماماً از انگیزه‌ها و تمایلات ناخوش آیندی تشکیل یافته است که ذهن آگاه نمی‌تواند آن‌را پذیرا شود.

امروزه پذیرفته شده است که نمادهای خواب به جای آنکه حقیقت را از خواب بیننده پنهان سازند، آن را به شکل بسیار دقیق و فشرده‌ای آشکار می‌سازند. به نظر می‌رسد که زبان نمادین کارآمدترین وسیله برای بیان مجموعهٔ کاملی از احساسات است، صرف نظر از این که، احساسات پسندیده باشند و یا ناپسند.

شاعران، نویسندگان، فیلم‌سازان همیشه از زبان نمادین بهره گرفته‌اند. از بسیاری جهات خواب به یک فیلم شباهت دارد که تعدادی از تصاویر را در پیش چشم خواب بیننده می‌آورد و پیام خواب را به شکل تصورات دیداری و وابستگی افکار نشان می‌دهد. اگرچه این زبان تصویری در آغاز پیچیده به نظر می‌رسد، ولی هنگامی‌که آن را درک کنیم، در می‌یابیم که این زبان روشن‌ترین و موجزترین زبان برای بیان پیچیدگی‌ها و رمز و رازهای تجربیات انسانی است.

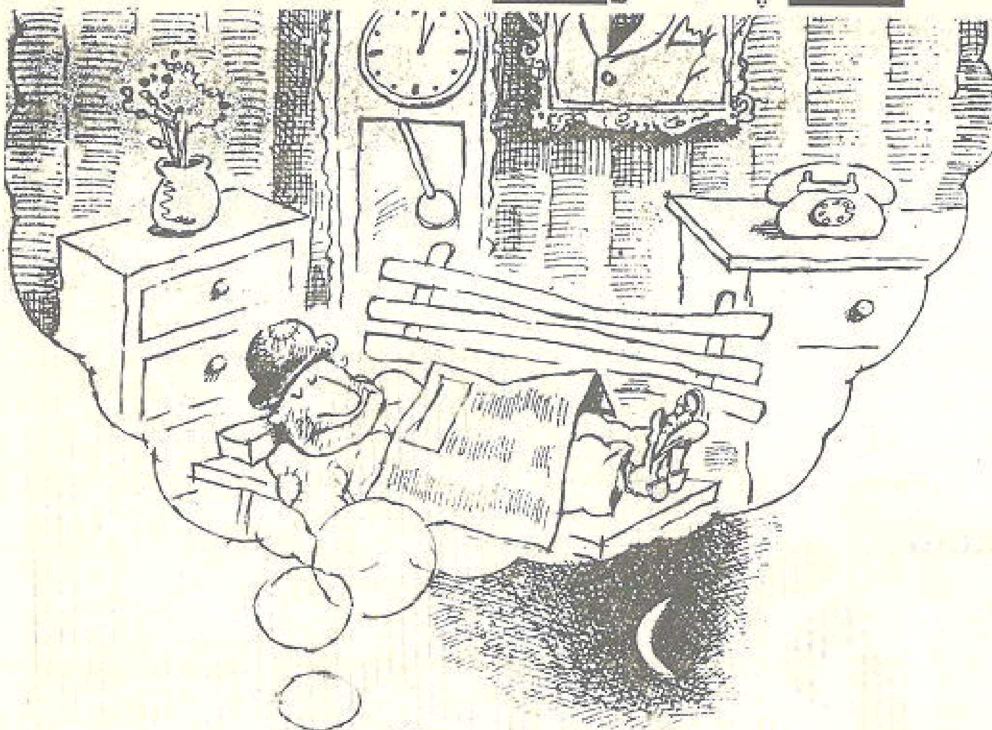
اندیشیدن به وسیلهٔ تصاویر و وابستگی مفاهیم به تصاویر احتمالاً ابتدایی‌ترین شکل تفکر است، که به پگاه پیدایش انسان باز می‌گردد؛ به زمانی که سخن گفتن مراحل نخستین خود را می‌پیمود و تفکر انتزاعی هنوز پدید نیامده بود.

مرد غارنشینی که هزاران پیش به جفت خود در گوشهٔ دیگر غار می‌نگریست احتمالاً پیش از آن‌که قادر باشد او را مانند یک حیوان توصیف کند، وی را به شکل یک گرگ و یا گوزن ماده می‌دیده است نوعی از تفکر که ممکن است فاقد دقت علمی باشد، ولی از نظر عاطفی ملموس است.

در واقع هنوز نیز انسان صرف‌نظر از تفاوت زبانی، برای بیان بسیاری از مفاهیم بر تصویر تکیه می‌کند. عبارت‌هایی مانند: «گرگ در لباس میش»، «بُز گر»، «استخوان لای زخم»، «نقش بر آب»، «موش آب کشیده»، و صدها عبارت و ضرب‌المثل دیگر در واقع مفاهیمی تصویری‌اند که به زبان گفتاری برگردانده شده‌اند. در همهٔ زبان‌ها این نوع عبارات و ضرب‌المثل‌ها یافت می‌شوند.

این احتمال وجود دارد که خواب‌های انسان‌های اولیه کاملاً تصویری بوده‌اند، چیزی مانند فیلم‌های صامت. البته این موضوعی است که دربارهٔ آن از حدس و گمان نمی‌توان فراتر رفت. از زمانی که انسان توانایی سخن گفتن را به دست آورد، کلمات جزو جدایی ناپذیر زندگی انسان شدند، و خواب آن‌ها را به کار گرفت. ولی معمولاً نقش کلمات در بیان احساسات بعد از تصاویر قرار دارد. زیرا آن‌چه ذهن در حال خواب دیدن به دنبال آن است بیان کامل برخی از احساسات و ادراکات با همهٔ پیچیدگی‌ها، ژرفاها، و پوشیدگی‌های آن است؛ و برای این منظور تصاویر بسیار گویاتر و رساتر از کلمات‌اند. البته برای درک معنای خواب باید آن را به زبان «سر» برگرداند، ولی حتی پس از روشن‌ترین نتیجه گیری‌ها، خواب در کلیت به صورت یک «احساس» باقی می‌ماند، که همانند شعر و یا نقاشی با منطق «دل» سازگاری بیش‌تری دارد. بنابراین، اگرچه زبان تصویری خواب، ابتدایی‌تر از زبان بیداری است، این بدان معنا نیست که این زبان خام، نا منسجم، و یا غیرمنطقی است. ذهن در حال خواب دیدن این زبان را برای منظور معینی به کار می‌گیرد، و این کار را چنان زیرکانه و هنرمندانه انجام می‌دهد که مردمان دوران باستان خواب را زبان خداوند می‌نامیدند.

در واقع زبان خواب منطق خاص خود را دارد، که اغلب با منطق مکانیکی «سر» بسیار متفاوت است. این زبان در ارتباط با خواست‌های «دل» کاملاً دقیق است و هنگامی که زحمت درک آن را به خود بدهیم، این زبان را کاملاً آشنا خواهیم یافت. بنابراین، به هیچ‌روی شگفت‌انگیز نیست اگر در خواب کسی رابه



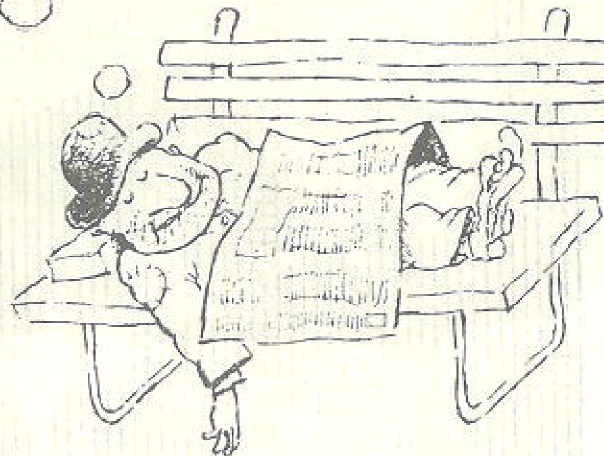
شکل یک حیوان و یا خود را در دوران کودکی ببینیم؛ زیرا در بیداری، «دل» آن فرد را به صورت یک حیوان ترسیم کرده است و یا واقعه‌ای باعث یادآوری خاطرات کودکی شده است.

درک نمادهای خواب

کالوین هال، که برخی از برداشت‌های مهم فروید را دربارهٔ نمادگرایی خواب از نو تعبیر کرده است، می‌گوید: «به همان دلیلی که در شعر و هنگام سخن گفتن در زندگی روزانه از نمادها استفاده می‌شود، در خواب نیز از نمادها بهره گرفته می‌شود. ما در زبان روزانه برای عینیت بخشیدن به مفاهیم از نمادها استفاده می‌کنیم. به همین دلیل نیز زبان خواب نمادها را به کار می‌گیرد.»

ما، و تنها ما، نگارگر خواب‌های خویش‌ایم و درک معنای این تصاویر به ما کمک می‌کند تا زبان دل‌مان را بهتر درک کنیم. یک روان درمان‌گر و یا یک خواب‌گزار ممکن است خواب‌های ما را به روش‌های گوناگونی تعبیر و تفسیر کند. ولی اگر این تعبیرات با خواست‌های قلبی ما هم‌آهنگ نباشد و نتوانند به طور سازنده‌ای باعث تغییر در زندگی ما شوند، از محدودهٔ حدس و گمان فراتر نمی‌روند، که منطقاً معنای آن این است که تعبیرات آن‌ها غلط بوده است.

اگر شما یک خواب را برای چند نفر تعریف کنید مطمئناً تعبیرات افراد با هم متفاوت خواهند بود. این مطلب در مورد کتاب‌هایی که دربارهٔ تعبیر و نمادهای خواب نوشته شده‌اند نیز صادق است. استفاده از این نمادها عملاً بی‌فایده است. زبان خواب را نمی‌توان مانند زبان انگلیسی یا فرانسه فراگرفت؛ زیرا هر یک از ما فرهنگ زبان خواب خاص خود را داریم، که در اثر تجارب شخصی و منحصر به فردمان در طول زندگی تدوین شده است. اما از آن‌جا که همهٔ ما انسان‌ایم، زمینه‌های مشترکی در خواب همهٔ افراد وجود دارد، و به نظر می‌رسد که این زمینه‌ها برای همهٔ ما معنای یک‌سانی دارند.



زیرا همهٔ آن‌ها کنایاتی تصویری‌اند که احساس یا تجربهٔ مشترکی را بیان می‌کنند.

در صفحات بعد در مورد هشت موضوع مشترک بحث: افتادن، پرواز کردن، برهنه یا نیمه برهنه بودن در جمع، امتحان دادن، از دست دادن دندان، گم کردن اشیای گران‌بها، پیدا کردن اشیای گران‌بها، و سکس گفت‌وگو خواهیم کرد. ولی حتی این موضوعات مشترک نیز ممکن است بسته به شرایط زندگی خواب بیننده، معنای متفاوتی داشته باشند. هنگامی که درک معنای نمادهای فردی در خواب، مانند حیوانات، وسایل نقلیه، ساختمان‌ها، کوه‌ها، رودخانه‌ها، درختان، و... مطرح می‌شود، تقریباً غیر ممکن است بتوان آن‌ها را تعمیم داد؛ زیرا تجارب فردی بسیار متفاوت‌اند. فروید کوشید تا یک نگرهٔ عمومی برای نمادگرایی خواب ارایه کند. این نگره بر این گمان استوار بود که خواب‌ها عمدتاً از بخشی از ذهن که در کودکی شکل گرفته است سرچشمه می‌گیرد. در دوران کودکی همهٔ افراد تجربیات مشترک بدنی، آموزشی، و ارتباط با پدر و مادر و خواهران و برادران را دارند. بر پایهٔ این نگره، گرایش روان‌کاوان بر این است که اشیای دراز و بلند را نماد آلت تناسلی نر، و منافذ را نماد مخرج و یا مهبل در نظر گیرند. هم‌چنان‌که اتاق‌های بسته نماد زهدان، و شخصیت‌ها نر و حیوانات درنده نماد پدر در نظر گرفته می‌شوند. موجودات ماده و حیوانات اهلی نماد مادر، حشرات و حیوانات کوچک نماد خواهران و برادران، و میوه‌های گرد نماد پستان تلقی می‌شوند. امروزه که پژوهش‌های نوین نشان داده‌اند خواب‌ها عمدتاً از تجارب دوران کودکی سرچشمه نمی‌گیرند، نگرهٔ تعمیمی نمادهای خواب فروید بی‌اعتبار شده است. اگرچه در برخی شرایط نمادهای فروید می‌توانند معنای خود را داشته باشند، ولی این خطر وجود* دارد که تأکید بر این نمادها باعث درک غلط معنای خواب شود. یونگ، که شدیداً به نگرهٔ فروید در مورد سرچشمه گرفتن همهٔ خواب‌ها از تجارب دوران کودکی اعتراض داشت، بر این باور بوده که الگوهای مشترکی در خواب همهٔ افراد وجود دارد که از هنر، افسانه‌ها، داستان‌های جن و پری و اساطیر همهٔ جوامع انسانی سرچشمه می‌گیرند. او عقیده داشت که این الگوهای جهانی در همهٔ افراد مشترک‌اند، و اظهار کرده بود که این الگوها عملاً ممکن است در

مجموعه ای از آخرین پدیده های مد پوست ،

چرم ولباسهای شب اروپائی

زیر نظر طراحان با سلیقه با مدیریت ناصر یسمه



باقیمتهای مناسب در ٤ شعبه

مختلف برای راحتی شما

ایرانیان با سلیقه

Rafaell: 323 E. 12th St., Down Town

Nicki's Galary: 930 S. Los Angeles St., Down Town

Sensation: 111 S. Maple Ave., Down Town

Pella Bella: 832 S. Los Angeles St., Down Town

For More Information Call: (213) 626-2003

ساختارهای مغزی جای‌گزین شده و به ارث رسیده باشند. عقاید یونگ بسیاری از مردم را تحت تاثیر قرار داده است، شاید به خاطر آن‌که بعد تازه‌ای به پژوهش‌های مربوط به روح انسانی می‌بخشد که جنبهٔ ماوراءالطبیعه دارد. این مطلب در خور توجه است، ولی از دیدگاه کار عملی، نگرهٔ یونگ نیز همان اشکالات نگرهٔ فروید را دارد. واقعیت این است که مواردی وجود دارد که در آن ذهن و دل انسان با مشکلات جهانی‌ای که دارای ابعاد ماوراءالطبیعه است کلنجار می‌روند. ولی این مطلب، هم‌چنان‌که یونگ در نوشته‌هایش تاکید کرده است، در مورد همهٔ خواب‌ها صادق نیست.

نکتهٔ دیگری که باید در این‌جا افزود این است که خواب‌ها همیشه مربوط به مسائل خود فردند و

نخست باید به پیام مستقیم خواب‌ها توجه کرد، بعد به نمادها پرداخت.

همیشه بر روی امیدها، آرزوها، و هراس‌های وی متمرکز می‌شوند و مطالب عمومی مانند سیاست، امور اجتماعی، و یا مذهب در خواب بسیار نادرند، مگر آن‌که خواب بیننده خود با این موضوعات در ارتباط باشد. به گفتهٔ کالوین هال، خواب یک سند شخصی است. نامه‌ای از شخصی به خود وی نه یک پاورقی یا مقالهٔ روزنامه. ممکن است مواردی پیش آید که ما دربارهٔ موضوعات اجتماعی خواب ببینیم، ولی در هر حال این خواب در ارتباط با نیاز خود ما در موقع خواب دیدن است.

هشت موضوع مشترک

برخی از موضوعات مانند افتادن، پرواز کردن، و... موضوعاتی‌اند که در خواب همهٔ افراد وجود دارند. برای درک معنای خواب باید به نکات زیر توجه داشت.

۱- در وهلهٔ نخست خواب باید آن‌چنان‌که دیده شده و به نظر می‌رسد معنا شود. در مرحلهٔ اول باید به اخطارها و یادآوری‌های خواب توجه کرد و نباید به دنبال جنبه‌های نمادین خواب رفت.

۲- اگر خواب به طور مستقیم بی معنا بود، در آن صورت باید به جست و جوی نمادها پرداخت.

۳- همهٔ خواب‌ها توسط چیزی که ذهن ما را به خود مشغول کرده است برانگیخته می‌شوند. بنابراین باید ارتباط خواب را با چیزی که به ذهن‌مان می‌رسد برقرار کنیم.

۴- احساسی که خواب در ما بر می‌انگیزاند معمولاً سرنخی است برای شناخت بیش‌تر آن. به عنوان مثال، اگر خواب در ما احساس بدبختی و اندوه پدید آورد، در ارتباط با موضوعی است که در زندگی واقعی باعث بدبختی و اندوه ما شده است.

۵- موضوعات مشترکی که در صفحات پیش به آن‌ها اشاره شده احتمالاً زمینه‌های مشترک احساس و تجربهٔ انسان‌ها هستند، ولی در این محدوده هر موضوع ممکن است برای یک خواب بینندهٔ خاص معنای ویژه‌ای داشته باشد.

۶- خواب‌های مشابه ممکن است در زمان‌های مختلف مشاهده شوند، ولی هربار به تناسب وضعیت زندگی خواب بیننده معنای متفاوتی داشته باشند.

۷- خواب‌ها معمولاً مطالبی را که ما دربارهٔ آنها آگاهی داریم مطرح نمی‌کنند (مگر مطالبی که می‌دانیم ولی دربارهٔ آنها کاری انجام نمی‌دهیم). بنابراین اگر خواب موضوعی را مطرح کرده که کاملاً از آن آگاه‌اید، به دنبال معنای دیگری برای آن باشید.

۸- خواب تنها زمانی درست تعبیر شده است که معنای آن برای خواب بیننده با مفهوم باشد و درک آن به حرکت وی برای بهتر کردن زندگیش منجر شود.

۹- اگر تعبیر خواب باعث شود تا خواب بیننده در ابهام و سرگردانی باقی بماند، نشانهٔ آن است که تعبیر درست نبوده است.

افتادن

در نخستین وهله باید مطمئن شد که این خواب‌ها جنبهٔ اخطار و یادآوری ندارد. به عنوان مثال، اگر خواب می‌بینید که از پله‌های راه‌رو افتاده‌اید، باید



توجه کنید که آیا در پله‌های راه‌رو اشکالی وجود ندارد که احتمال سقوط از آنجا وجود داشته باشد.

آیا این آگاهی احتمالاً در هنگام بیداری به دست آمده است، ولی اشتغال ذهنی مانع از آن است که به آن توجه شود. همین مطلب در مورد سقوط افراد دیگر صادق است. مردی خواب دید که پسرش از نردبان افتاده است. در بیداری نردبان را از نزدیک بازرسی کرد و متوجه شد که یکی از پله‌های آن لق شده است؛ بدین ترتیب، خواب با اخطار خود مانع از بروز یک روی‌داد ناگوار شد.

در صورتی که افتادن در خواب معنای مشخصی در بیداری نداشته باشد، باید به جست و جوی جنبه‌های نمادین آن پرداخت. کارمندی خواب می‌دید که از پله‌های اداره‌اش سقوط می‌کند. در بیداری وی احساس می‌کرد که کار خود را به درستی انجام نمی‌دهد و نگران تنزل رتبه‌اش بود. زنی که شوهرش مرد برجسته‌ای بود پیوسته خواب افتادن را می‌دید، که در واقع بازتاب هراس زن از این امر بود که نمی‌تواند پا به پای شوهرش ترقی کند.

پرواز

از آن جایی که پرواز بدون وسیله در خواب، در بیداری نمی‌تواند معنای واقعی داشته باشد، ناگزیر باید به دنبال معنای نمادین آن بود. در بسیاری از موارد پرواز کردن نشانهٔ احساس پیروزی و سربلندی است. ارتفاع پرواز اهمیت زیادی دارد. مجری یکی از برنامه‌های تلویزیونی مکرراً خواب می‌دید که در ارتفاع متوسطی پرواز می‌کند. در بیداری او از توفیق نسبی خود خرسند بود، ولی همیشه در این خیال بود که آیا می‌تواند کار خود را بهتر از آن چه که هست انجام دهد. این گرایش در روان‌کاوان وجود دارد که خواب‌های پروازی را که احساسی دل‌پذیر در انسان پدید می‌آورند به احساس جنسی مرتبط سازند. تحقیقات نشان داده‌اند که خواب‌های پروازی اغلب با تمایل جنسی آغاز می‌شوند که در ناحیهٔ لگن، در انتهای ستون مهره‌ها، ویا پیرامون اندام‌های جنسی به گردش در می‌آید. اگر این انرژی جریان یافته و در امتداد ستون مهره‌ها تا سر بالا رود، آن‌گاه شخص احساس پرواز می‌کند. اگر انرژی در ناحیهٔ لگن محبوس بماند، آن‌گاه فرد یک خواب سکسی معمولی خواهد دید. این نکته از یک نظر جالب توجه است. جوکیان هندی قرن‌هاست که از یوگا و سگالش (Meditation) برای ترافرازیدن «نیروی افعی» (Serpent power) یا «کوندالینی»- که در ناحیهٔ پایین ستون مهره‌ها قرار دارد- به بالاترین مرکز انرژی یا «چاکرا» که در سر قرار دارد بهره گرفته‌اند. بنابر

اعتقاد آنان، در این مرحله می‌توان از این انرژی برای فعالیت‌های والاتر سود جست.

برهنگی

بسیاری بر این باورند که خواب‌هایی که در آن خواب بیننده خود را به صورت برهنه و یا نیمه برهنه می‌بیند از احساس گناه دربارهٔ روابط جنسی سرچشمه می‌گیرند. ولی واقعیت این است که در اغلب موارد خواب‌های برهنگی هیچ ارتباطی به سکس ندارند. در وهلهٔ نخست این خواب‌ها ممکن است یک اخطار و یادآوری در ارتباط با اشکال در لباس پوشیدن باشند. اگر قصد مسافرت دارید و خواب دیدید که در فرودگاه برهنه ایستاده‌اید، ممکن است فراموش کرده باشید یکی از لباس‌های‌تان را در چمدان بگذارید. اگر این مطلب صادق نبود، آنگاه باید به جست و جوی معنای نمادین برهنگی بپردازید و دریابید که چرا در زندگی احساس برهنگی، آسیب‌پذیری، و یا رسوایی می‌کنید. یک استاددانش‌گاه مکرراً خواب می‌دید که در کلاس درس و یا کتاب‌خانه برهنه ایستاده است و فقط کفش و جوراب به پای دارد. از آن‌جایی که صحنهٔ خواب در دانش‌گاه بود، می‌بایست برهنگی در ارتباط با دانش‌گاه باشد. بررسی بیش‌تر نشان داد که او معمولاً از عقاید و نوشته‌های دیگران به جای عقاید و نوشته‌های خود استفاده می‌کرد. این خواب‌ها را معمولاً پس از نوشتن مقاله‌ای که از دیگران اقتباس شده بود مشاهده می‌کرد؛ در این مورد برهنگی نشان دهندهٔ هراس درونی وی از این واقعیت بود که ممکن است روزی حقیقت آشکار شود و به رسوایی وی بیانجامد. واقعیت این است که آسیب‌پذیری اغلب به صورت برهنگی در خواب نشان داده می‌شود.

امتحان

رایج‌ترین نوع خواب امتحان دادن، خواب‌هایی‌اند که در آن‌ها خواب بیننده ورقهٔ کاغذ را پیش روی خود می‌بیند و با ترس و ناراحتی در می‌یابد که قادر به پاسخ دادن هیچ‌یک از پرسش‌ها نیست. خواب‌هایی که در آن‌ها امتحان با موفقیت گذرانیده شود به ندرت مشاهده می‌شوند. در تعبیر این خواب‌ها نخستین پرسشی که باید مطرح شود این است که آیا به راستی فرد خواب بیننده در انتظار گذرانیدن امتحان و یا آزمایشی در آیندهٔ نزدیک است؟ در این صورت خواب یک یادآوری و اخطار برای مطالعه و آمادگی بیش‌تر است. ولی اغلب خواب‌های امتحان دادن جنبهٔ نمادین دارند. این بدان معناست که خواب بیننده احساس می‌کند در زندگی واقعی آزمایش می‌شود، شگفت‌آور نیست که در زندگی اغلب مردم این خواب‌ها هر چندگاه یک بار تکرار می‌شود، زیرا از کودکی به ما آموخته می‌شود که زندگی یک آزمون بزرگ است: آزمون مورد تایید قرار گرفتن توسط پدر و مادر؛ آزمون‌های واقعی در طی دوران تحصیل و پس از آن؛ آزمون‌ها و مبارزاتی که در اجتماع با آن سرو کار داریم. کافی نیست بگوییم خواب امتحان دادن ناشی از احساس کلی فرد نسبت به زندگی است، بل‌که باید امتحان دادن را به یک موضوع و یا مطلب خاص ارتباط داد. موضوع که فرد دربارهٔ آن احساس نگرانی و فشار می‌کند. کسانی که به رشد روحی بیش‌تری دست یافته‌اند کم‌تر خواب امتحان دادن می‌بینند.

افتادن دندان‌ها

اگر خواب دیدید که دندان‌تان افتاده است، پیش از هر کار دندان‌های خود را دقیقاً نگاه کنید و ببینید آیا به رسیدگی و توجه نیاز ندارند؟ اگر دندان‌های‌تان مرتب بود و نیازی به مراجعه به دندان‌پزشک نبود، از خودتان بپرسید که دندان چه معنایی برای شما دارد. نظریه فروید مبنی بر این که از دست دادن دندان در خواب نشانهٔ ترس از اختگی است (ترس از دست دادن مردانگی در مردان و مردانگی دروغین در زنان) امروزه چندان مورد پذیرش نیست. برای بسیاری از مردم از دست دادن دندان به معنای گفتن یک سخن نسنجیده و یا انجام کاری است که به تصویر آن‌ها در ذهن افراد دیگر لطمه وارد آورده است.

زبان خواب، مانند زبان شعر و ادبیات، نمادین است.

برای گروهی دیگر دندان نماد خشونت است. در دوران کهن از دست دادن دندان با مرگ نزدیکان مرادف بود، و هنوز نیز عده‌ای از افراد بر این باورند که افتاده دندان در خواب به مرگ نزدیکان‌شان مربوط است.
معروف است که هارون‌الرشید خلیفهٔ عباسی شبی در خواب دید که همهٔ دندان‌هایش فرو ریخته است. صبحگاهان خواب گزاری را طلب کرد و تعبیر خواب را از او پرسید. خواب گزار گفت که همهٔ نزدیکان تو پیش از تو بمیرند. هارون گفت این چه زندگانی است که همهٔ نزدیکان من مرده باشند! پس دستور داد تا او را تنبیه کنند و خواب گزار دیگری را خواست. خواب گزار دوم گفت که عمر امیرالمؤمنین از همهٔ نزدیکانش درازتر است. هارون فرمود تا او را پاداش دهند و به درباریان خود، که شگفت‌زده بودند، گفت هر دو مطلب یکی بود، ولی در بیان آن تفاوت بسیار وجود داشت.

گم کردن

اگر خواب دیدید که کیف، پول، و یا اشیای گران‌بهای دیگر را گم کرده‌اید، اولین کاری که صبح بعد از بیداری می‌کنید این است که مطمئن شوید آن‌ها را گم نکرده باشید. این امکان وجود دارد که روز پیش چیزی را بدون توجه گم کرده باشید. این احتمال وجود دارد که خواب حالت یادآوری و اخطار داشته باشد. در این صورت توجه کنید که جیب‌تان و یا کیف‌تان پاره نباشد و یا اشیای گران‌بهای شما درجای مطمئنی قرار گرفته باشند.

اگر در بیداری اطمینان یافتید که چیزی را گم نکرده‌اید و جیب یا کیف‌تان پاره نیست و امکان افتادن و گم شدن پول وجود ندارد در این صورت باید به دنبال معنای نمادین آن بروید. در پاره‌ای از موارد ممکن است گم شدن اشیای گران‌بها نماد ترس از دست دادن اعتقادات است و یا عاداتی باشد که برای خواب بیننده ارزش‌مند است. باید توجه داشت که خواب گم کردن اشیای گران‌بها گاهی نشانهٔ رشد و بلوغ فکری می‌تواند باشد و از دست دادن چیزهای ارزش‌مند به معنای دست برداشتن از عقاید و باورهای قدیمی و هم‌آهنگی با وضعیت تازه است.

پیداکردن

بسیاری از مردم در خواب می‌بینند که پول و یا اشیای گران‌بها پیدا محکم‌اند. از آن‌جا که اغلب مردم به پول بیش‌تر نیاز دارند، بسیاری ممکن است تصور کنند که این خواب‌ها تنها ارضای تمایلات بیداری را به عهده دارند. این مطلب می‌تواند صادق باشد، ولی گذشته از این، مقدار پول پیدا شده، محل پیدا کردن پول، این که با پول چه می‌کنند دارای اهمیت است.

مردی که می‌خواست خانه‌ای بخرد، خواب دید که در زیر پی‌های آن گنجی نهفته است. پس از بررسی خواب وی، معلوم شد که او در قلب خود اعتقاد دارد که ارزش این خانه در سال‌های آینده چند برابر خواهد شد. اگر فرد خواب بیننده در شرایط سخت زندگی خود خواب پول پیدا کردن ببیند، این می‌تواند به معنای آن باشد که فرد به ارزش‌های نهانی شخصیت خود معتقد است و اطمینان دارد که بر سختی‌ها غلبه خواهد کرد. در بسیاری از خواب‌ها، فرد از یافتن پول و یا اشیای گران‌بها احساس خوش‌حالی می‌کند، ولی مواردی هست که خواب بیننده احساس می‌کند نسبت به پولی که یافته است هیچ حقی ندارد. این نوع خواب‌ها هیچ ارتباطی به پیدا کردن پول ندارند، بل‌که نشان

دهندهٔ یک احساس تنفر از خویش است. فرد ناخودآگاه فکر می‌کند که ارزش او به اندازه‌ای کم است که استحقاق خوش‌حالی و خوش‌بختی را ندارد. این نوع خواب‌ها اخطارهای مهمی‌اند که اگر نادیده انگاشته شوند ممکن است بر موفقیت افراد تاثیر بگذارند.

سکس

اعتقاد عمومی دربارهٔ خواب‌های سکسی به مقدار زیادی تحت تاثیر عقاید فروید قرار گرفته است، که خواب‌های سکسی را صرفاً وسیله‌ای برای ارضای تمایلات جنسی به شمار می‌آورد. واقعیت این است که موارد سکس به همان نسبت موضوعات دیگر در خواب دیده می‌شوند. مانند موضوعات دیگر، خواب‌های سکسی نیز یک معنای واقعی و یا نمادین دارند. این خواب‌ها ممکن است نشان دهندهٔ تمایل خواب بیننده نسبت به یک فرد باشد. در غیراین صورت باید به جست و جوی معنای نمادین آن پرداخت. در پاره‌ای از موارد در خواب‌های سکسی صحنه‌های لذت‌بخش مشاهده می‌شوند که ذهن فرد را در بیداری آن را ناخوش‌آیند می‌داند. در این گونه موارد خواب به عنوان یک یادآوری و اخطار تلقی می‌شود که به فرد خواب بیننده یادآوری می‌کند که روابط جنسی وی به توجه بیش‌تری نیاز دارد. اگر خواب سکسی دربارهٔ فردی باشد که خواب بیننده در زندگی خود باوی برخوردی ندارد، در این صورت باید به دنبال جنبه‌های کنایه‌ای خواب بود.

هر تعبیر کننده‌ای خواب را به نوعی تعبیر می‌کند.

شباهت واژه‌ها در خواب

نکته‌ای را که باید در هنگام تعبیر خواب در نظر گرفت شباهت کلمات است. در بسیاری از موارد یک کلمه یا یک شکل می‌تواند تداعی کننده؛ معنایی باشد که از نظر تلفظ، نگارش، و یا تمثیلی به آن شباهت دارد. مثلاً خواب یک «خار» ممکن است بیان کنندهٔ احساس «خواری» در یک مورد باشد، و یا «لبریز» شدن یک لیوان یا کاسه نشان دهندهٔ به پایان رسیدن تحمل و صبر خواب بیننده باشد (کاسهٔ صبرم لبریز شده است). همین مطلب در مورد نامهای خاص صادق است. یک فرد معین ممکن است دارای نامی باشد که معنای آن به صورت تغییر یافته در یک کلمه یا یک عملی در خواب منعکس شود. در هنگام نتیجه گیری از شباهت واژه‌ها در خواب نیز باید آن چه را در صفحات قبلی برای اشاره شد در نظر گرفت؛ یعنی ابتدا به معنای اصلی توجه داشت و در صورت نرسیدن به نتیجهٔ مشخص به جستجوی جنبهٔ تمثیلی پرداخت.

گفت و گو با شخصیت‌های مشاهده شده در خواب

در مواردی که نمی‌توان برای خواب به تعبیری روشن و یا معنادار دست یافت، می‌توان از گفت و گو با شخصیت‌های مشاهده شده در خواب استفاده کرد. زنی که به خواب‌های خود توجه زیادی داشت و با اصول تعبیر خواب نیز آشنا بود، خواب دید که «به تعطیلی رفته‌ام، اجاق گاز خراب شده است، و فکر می‌کنم که باید آن را درست کنم. بخش بالایی اجاق گاز منفجر شده‌است، و مقداری آب با گاز روی زمین ریخته است. احساس می‌کنم که باید کاری بکنم، ولی نمی‌توانم به این چیزها نگاه کنم. دود از اجاق بیرون می‌زند و سوراخی در آن ایجاد شده‌است. فکر می‌کنم که باید به شرکت گاز خبر بدهم. خاکستر هنوز دود می‌کند. این زن در وهلهٔ نخست اجاق گاز را بررسی کرد تا ببیند اشکالی در میان نباشد و خطر یک انفجار واقعی وجود نداشته باشد. پس از آن که مطمئن شد اجاق گاز اشکالی ندارد، کوشید که به معنای خواب دست یابد، ولی نتوانست برای آن تعبیری بیابد. بنابراین به وی توصیه شد که از روش یادشده استفاده کند. او روی یک صندلی نشست، چشمانش را بست، و سعی کرد صحنهٔ خواب را مجسم سازد. آنگاه صدای خود را تغییر داد و از زبان اجاق گاز شروع به حرف زدن کرد: «من یک اجاق گاز هستم. یکی از وسایل آشپزخانه. جای من در آشپزخانه است. مردم هر وقت که بخواهند از من استفاده کنند مرا روشن می‌کنند و هر وقت که کارشان با من تمام شد خاموشم می‌کنند. من از این وضع خسته شده‌ام. به من توجهی نمی‌شود. و اگر کاری در مورد من انجام نگیرد، به زودی منفجر خواهم شد.» با این روش مطلب روشن شد. اجاق گاز در واقع خود این زن بود که از بی‌توجهی شوهر و خانواده‌اش به خود به ستوه آمده بود و احساس می‌کرد که اگر در این باره کاری نشود، به زودی منفجر خواهد شد. این روش کارآیی زیادی دارد و بسیاری از مردم را در تعبیر خواب‌های‌شان یاری کرده‌است.

خواب مرگ

این باوری قدیمی است که خواب‌ها قدرت پیش‌گویی مرگ را دارند. ولی واقعیت این است که این امر در مورد اکثر خواب‌ها صادق نیست. اگر قرار بود که خواب مرگ بیان کنندهٔ مرگ باشد، تعداد آدم‌ها بسیار کم‌تر از آن چیزی بود که اکنون هست. معمولاً خواب از مرگ به عنوان کنایه‌ای برای بیان یک احساس در مورد یک موضوع یا خودمان و یا افراد دیگر بهره می‌گیرد. همین مطلب در مورد کشتن افراد دیگر صدق می‌کند. همچنین اگر خواب افرادی را ببینیم که درگذشته‌اند و با آن‌ها صحبت کنیم و حرف بزنیم و یا همراه آن‌ها برویم، این مطلب بدان معنا نیست که مرگ ما فرا خواهد رسید. بسیاری از مردم تصور می‌کنند که اگر فرد مرده‌ای در خواب آن‌ها را صدا بزند و آن‌ها با وی بروند، این نشانهٔ مرگ آن‌هاست. واقعیت این است که فرد مرده ممکن است یادآور مطلب و یا موضوعی باشد که در ارتباط با او بوده است و اکنون این موضوع در زندگی فعلی ما مطرح شده‌است.

مرگ افراد خانواده در خواب را به ندرت می‌توان پیش‌گویی مرگ آن‌ها دانست، مگر آن که فرد بیاید و یا در موقعیتی باشد که در بیداری ذهن ما نگران مرگ اوست. در این صورت نگرانی از مرگ آن‌ها در خواب منعکس می‌شود. در این موارد نیز مرگ این افراد در خواب به معنای مرگ حتمی آن‌ها در بیداری نیست. روان‌شناسی نوین مرگ افراد نزدیک به خود را در خواب نشانهٔ آن می‌داند که ما، در ناخودآگاه خویش، می‌خواهیم خود را از دست آن فرد خلاص کنیم. این خواب‌ها معمولاً نشانهٔ نارضایی و بی‌توجهی از جانب فردی است که در خواب مرگ او را دیده‌ایم. در این گونه موارد، در صورتی که امکان داشته باشد، بهتر است در بیداری با او حرف بزنیم و بکوشیم تا در مورد چه‌گونگی رفتارها و اعمال خود و او تغییری پدید آوریم.

البته همهٔ این خواب‌ها نشانهٔ نارضایی از فرد مرده در خواب نیست. بسیاری از مردم، به ویژه زن‌ها، خواب می‌بینند که پدر و مادرشان مرده‌اند. این خواب‌ها بیش‌تر نشان دهندهٔ هراس آن‌ها از دوری و ترک آن‌هاست.

بسیاری از پدران و مادران خواب مرگ فرزندان‌شان را می‌بینند، و این اغلب باعث نگرانی آن‌ها می‌شود. این امکان وجود دارد که خواب‌ها جنبهٔ اخطار کننده داشته باشند؛ در این صورت باید به جست و جوی موارد خطر احتمالی پرداخت؛ مانند پلکان، عبور از خیابان، پشت‌بام، استخر، و نظایر آن‌ها. این محل‌ها ممکن است در بیداری توجه ناخودآگاه فرد را به خود جلب کرده باشند، ولی پدر و مادر در بیداری فرصت پرداختن به آن‌ها را نداشته‌اند. در این صورت، در خواب این اخطارها تکراری می‌شوند. ولی در پاره‌ای از موارد این خواب‌ها نشانه‌ای از نارضایی در

برابر کودک‌اند به ویژه در پدران یا مادرانی که احساس می‌کنند کودک باعث شده است از توجه هم‌سر نسبت به آن‌ها کاسته شود.

خواب‌های مرگ دوستان و آشنایان در واقع اخطاری برای یادآوری آن هستند: این که اگر با آن‌ها ارتباط برقرار نکنیم، این احتمال وجود دارد که برای همیشه آن‌ها را از دست بدهیم.

خواب و پیش‌گویی

این اعتقاد که خواب‌ها آینده را پیش‌گویی می‌کنند ریشه در قرون و اعصار کهن دارد و هنوز نیز آن‌چنان مورد پذیرش عموم است که بسیاری از مردم انتظار دارند کتابی که دربارهٔ خواب نوشته شده است تماماً به این موضوع بپردازد. توانایی ذهن خواب بیننده در زیر پا گذاشتن قوانین زمان و مکان این پندار را برمی‌انگیزد که خواب نیرویی فراتر از نیروی زمان بیداری دارد. در چند دههٔ اخیر تعدادی از روان‌شناسان این مطلب را با دیدی علمی و جدا از آن‌چه که «علوم خفیه» نامیده می‌شود مورد بررسی قرار داده‌اند. بسیاری از روان‌درمان‌گران موارد عجیبی را گزارش کرده‌اند که در طی آن، افکارشان و یا کارهایی که در آینده قصد انجام آن را داشته‌اند در خواب‌های بیماران‌شان مشاهده شده‌است. از زمان کشف مرحلهٔ «حرکات سریع چشم» در ۱۹۵۲ کوشش‌هایی برای مطالعهٔ خواب‌های پیش‌گویانه در شرایط کنترل شدهٔ آزمایش‌گاه به عمل آورده‌اند.

پژوهش‌گران معمولاً سه نوع حس ششم یا (Extra Sensory Perception ESP) می‌شناسند:

تله‌پاتی یا ارتباط مستقیم ذهن به ذهن.

مشاهدهٔ روی‌دادهایی که در جای دیگر اتفاق می‌افتند (Clairvoyance).

پیش‌گویی وقایع آینده (Precognition).

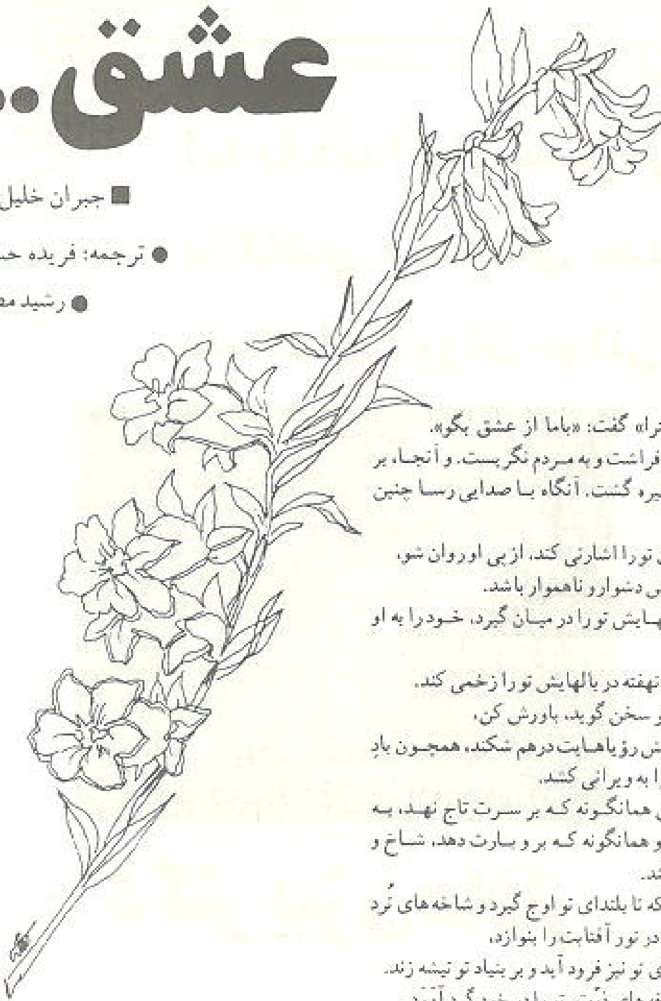
نتیجهٔ اصلی که از همهٔ این مطالعات جدی به‌دست می‌آید این است که نیروی غیرعادی خواب هرچه باشد در مقایسه با جنبهٔ عملی و عادی خواب دیدن از اهمیت کم‌تری برخوردار است. بنابراین، با آن که جنبهٔ پیش‌گویانهٔ خواب می‌تواند از نظر علمی جالب توجه باشد، این باور که خواب‌ها صرفاً نقش پیش‌بینی کنندگی آینده را به عهده دارند درست نیست. مهم‌ترین نکته در مورد خواب‌ها این است که حتماً نباید «درست دربیایند» تا «درست» باشند. خواب‌ها به خودی خود «درست» اند و بازتابی هستند از زندگانی و مشکلات خواب بیننده.

عشق...

■ جبران خلیل جبران

● ترجمه: فریده حسن زاده

● رشید مصطفوی



پس «المیترا» گفت: «با ما از عشق بگو».
و او سر برافراشت و به مردم نگریست. و آنجا، بر آنها سکوت چیره گشت. آنگاه با صدایی رسا چنین آغاز کرد:
عشق چون تو را اشارتی کند، از پی او روان شو،
گرچه راهش دشوار و ناهموار باشد.
و چون بالهایش تو را در میان گیرد، خود را به او واگذار،
گرچه تیغِ نهفته در بالهایش تو را زخمی کند.
و چون با تو سخن گوید، باورش کن،
گرچه آوایش رؤیاهایت درهم شکند، همچون بادِ شمال که باغ را به ویرانی کشد.
چه، عشق همانگونه که بر سرت تاج نهد، به صلیبت کشد. و همانگونه که بر و بارت دهد، شاخ و برگت هرس کند.
همانگونه که تا بلندای تو اوج گیرد و شاخه های تُرد و لطیفِ لرزان در نور آفتابت را بنوازد،
تا ریشه های تو نیز فرود آید و بر بنیاد تو تیشه زند.
همچون بافه های ذرّت، تو را در خود گرد آورَد.
خرمنت بکوبد تا عریانت کند.
غربالت کند تا از خار و خس ات برهاند.

آسیابت کند تا به سپیدی آرد گرایی.
و خمیر مایه ات را در پنجه های ورزیده اش نرم کند؛
و آنگاه به آتشِ مقدّسش بسپارد، تا نانِ مقدّسی گردی بهر ضیافتِ مقدّس باری تعالی.

عشق با تو چنین خواهد کرد تا اسرارِ قلبت را بشناسی و در این شناسایی، ذرّه‌ئی گردی از قلبِ زندگی.

اما اگر در پیمناکی ات، از نیش و نوشِ عشق، تنها عیشِ عشق را می طلبی،
تو را آن بهْ که عریانی ات فروپوشی و از خرمنگاهِ عشق درگذری،
به سوی دنیای بی فصول، آنجا که خواهی خندید، امّا نه همهٔ خنده هایت را و خواهی گریست، اما نه همهٔ اشکهایت را.

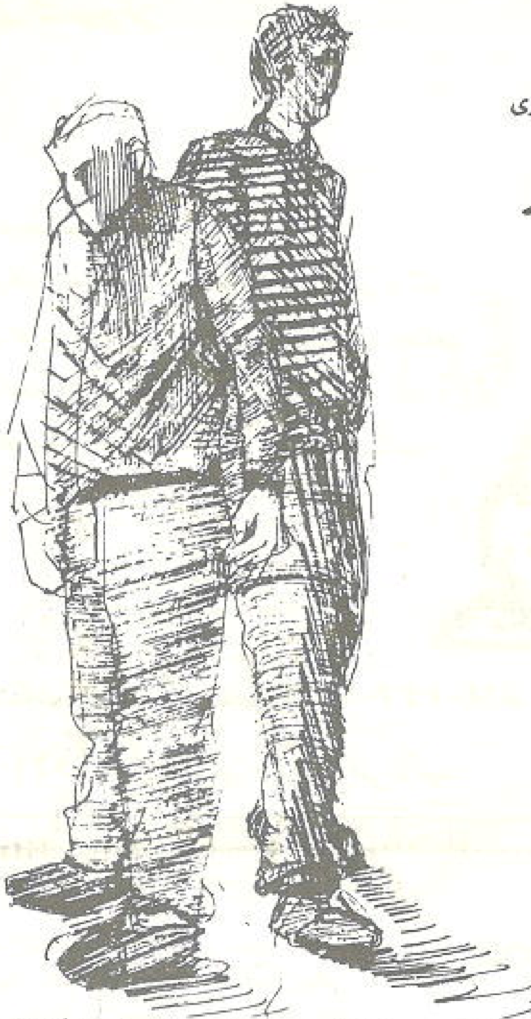
عشق هیچ ندهد مگر خود را و هیچ نستاند مگر از خود.
عشق نه تملّک کند و نه تملّک پذیرد؛
چرا که عشق را عشق بسنده است.

آنگاه که عاشقی، نشاید که بگویی: «خدا در قلبِ من است.» که شایسته تر آن که بگویی: «من در قلبِ خدایم.»
و گمان مبر که راه عشق را تویی که روشن توانی کرد، چه، عشق است این که راهت روشن گرداند، اگرت شایسته یابد.

عشق را آرزویی جز غایتِ خویش در دل نیست.
اما اگر عاشقی و تو را می باید که آرزوهایی در دل بپرورانی، بگذار آرزوهای تو از این دست باشند:
گداختن و جاری شدن همچون جویی روان و سرودخوان در دلِ شب.
معرفت یافتن بر محنتِ شفقتِ بی حدّ و حصر.
زخمی شدن از عشق با دلِ آگاهی؛
و در خون غلتیدن، شادمانه و به رضا و رغبت.
هر سحر بیدار شدن با قلبی مالامال عشق و شاکر به خاطر روزی دیگر از روزهای عشق؛
آرمیدن به هنگامِ نیمروز، غرق در جذبهٔ سحرانگیزِ عشق،
و به شامگاه سرشار از حقشناسی به خانه بازگشتن؛
و سپس به خواب رفتن با دعایی در دل و زمزمهٔ نیایش و ستایش بر لب، بهر معبودان.

غـــبار

محمدرضا گودرزی



زوزهٔ برخورد دو قطعه فلز در سرم می‌پیچید. جرئت برگرداندن سرم را نداشتم. سرعت دستگاه روی پانصد «ورنیه» را عقب کشیدم تا مته از درون قطعه فلز جدا شد. زیر چشمی نگاهی به تراشکار جلویی انداختم. مثل آنهای دیگر سرش به کار خودش بود. دستگاهها هر شش ردیف روشن بودند. هر ردیف سی تا. منظم و پشت سر هم. تقی که چند دستگاه جلوتر کار می‌کرد، برگشت و نگاه سریعی به طرف من انداخت و باز مشغول شد. کارگران از زمان آن حادثه، دیگر هیاهوی هر روزه را نداشتند. آقا مهدی سرکارگر ردیف ما، آنروز مظلوم شده بود. با بهت و حیرت اطراف را نگاه می‌کرد و قدم می‌زد. دلشورهٔ آنی دست از سر من برنمی‌داشت. دور دستگاه به هفتصدوده ورنیه رسید. چطوری؟ نفهمیدم. من که هنوز کسی از آنها را به چشم ندیده بودم، اما حس می‌کردم که هستند. انگار همه همینطور بودند. هیچکس جرئت جنبیدن از کنار دستگاه خودش را نداشت، جز به بهانهٔ دستشویی که ممنوع نیز بود.

من خودم باید از دیروز می‌فهمیدم که اوضاع عادی نیست. روی تابلوی اعلانات نوشته بودند: «فردا همه با خودشان غذا بیاورند.» انگار نقشه از قبل کشیده شده بود که حتی نهارخوری هم تعطیل شود. اما از هرکس که می‌پرسیدی چیزی نمی‌دانست. حتی مسئولین اطلاعات و بازرسی هم نمی‌دانستند که چه کسی آن اعلان را نوشته است. سرعت دستگاه به هزار رسید. دستهٔ تنظیم دستگاه، خودبخود روی اتومات رفت، فرصت نداشتم که ذرهٔ تیز فولادی‌ای را که توی انگشتم فرو رفته بود، در بیاورم.

آقای اسکندری سرپرست کارخانه درحالی‌که سرش پایین بود، با شانه‌های فرو افتاده، از جلو دستگاه من گذشت. تا آن لحظه او را اینطور ندیده بودم. زانوهایم داشت می‌لرزید. دستگاه نمی‌ایستاد. جز صداهای ممتد اصطکاک فلزات، هیچ صدایی شنیده نمی‌شد. زمزمه‌های انسانی قطع شده بود.

وقتی که کارگر بغل‌دستی من از پا درآمد و کنار دستگاهش افتاد، هیچکس جرئت نکرد به او نزدیک شود و او به مرور تبدیل به غباری شد که از هواکش‌ها و پنجره‌های باز چسیده به سقف آمده بود.

موقعی‌که حسین آمد و گفت: «درها همه از بیرون بسته شده‌اند و حتی اگر کسی بخواهد به کارخانه‌های پرسکاری و ریخته‌گری هم برود، نمی‌تواند.»، دیگر کاری از دست من یا کسی دیگر ساخته نبود. حتی آقای اسکندری هم نتوانست از قضیه سر درآورد. هر چهار تا سرکارگر کارخانه، بیشتر از ماها که مشغول کار بودیم، ترسیده بودند.

عرق از شقیقه‌هایم به روی صورتم چکید. برگشتم و یک آن به حسین نگاه کردم. چهره‌اش دیگر آشنا نبود. چشم‌های خون گرفته و آن خستگی عمیق زیر چشم‌ها را در یک آن دیدم. مثل اینکه او هم از دیدن قیافهٔ من، وحشت کرده بود.

آن غبار حتی روی پوست بدنمان هم نشسته بود. غباری که صبح یک مرتبه از آسمان آمده بود. من، تقی، حسین و مهدی با هم مشغول شوخی بودیم که یک مرتبه هوا تاریک شد و از پنجره‌های بلندی که حایل ما و آسمان بودند، خودمان دیدیم که رنگ آسمان کدر شده بود. و بعد از تمامی سوراخ‌های سقف کارخانه، غباری سنگین و تیره، به رنگ خاک معدن ـ خاکی که سال‌ها در زیرزمین از مجاورت هوا محروم مانده باشد ـ آرام آرام داخل شده بود. دهن همه باز مانده بود. بعد از این واقعه بود که حسین آمد و گفت: «درها همه از بیرون بسته شده‌اند...» و آقا مهدی سرکارگر ما گفت: «تلفن‌ها هم همه قطع شده‌اند.»

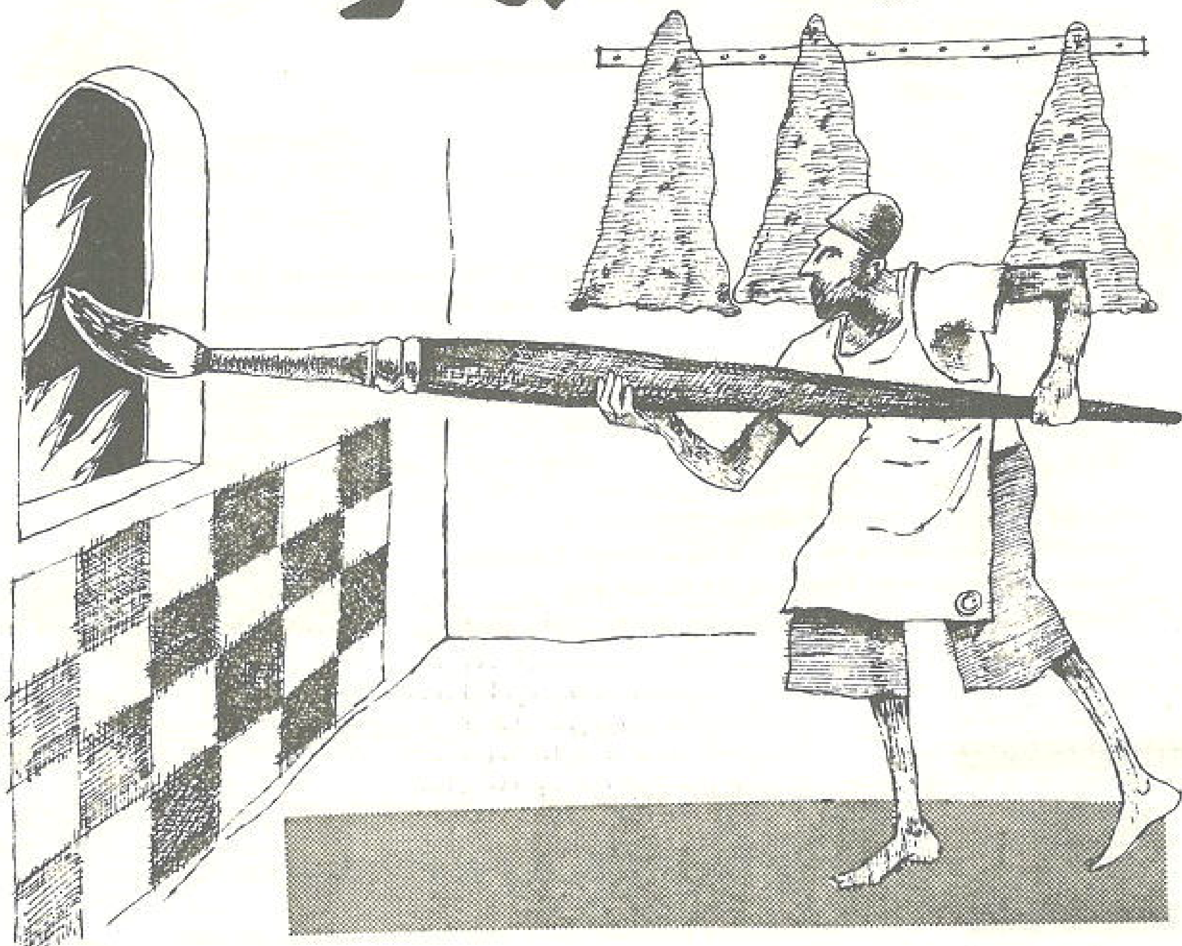
وی...ژ... صدای زوزهٔ یک دستگاه تراش دیگر که جنس «قطعه کارش» ناخالصی داشت، بلند شد. بعد نالهٔ محزون و بیرنگ کارگری که «پلیسهٔ» داغ فلز به چشمش پریده بود. من که نفهمیدم چه کسی و چه موقع او را روی برانکارد گذاشت و برد، اما ابزارهایشان به قدری پیشرفته بود که نیم ساعت بعد با یک چشم بسته، سرحال و آماده سر دستگاهش برگشت.

پشت دستم را محکم به لباس کارم مالیدم. نه، غباری که روی آنها نشسته بود، پاک نمی‌شد. الان دیگر دیوارها، دستگاهها، لباس‌ها و آدم‌ها همه یک‌رنگ شده بودند. همه جا را پوشانده بود. هرچه من رو به ضعف و ناتوانی می‌رفتم، به سرعت و توان دستگاه اضافه می‌شد. عاقبت زانویم به روی زمین آمد. دیگر یادم نمی‌آمد که چه مدت بدون استراحت، سر پا ایستاده بودم. جلو چشمم پرده‌ای غبار گرفته و خاکی رنگ، کشیده می‌شد. اما در همان حال، بطور مبهم می‌دیدم که دستگاه تراش من دیگر خودش، کارهایش را انجام می‌دهد. خودش «مته» را آماده می‌کند. «دور» را تنظیم می‌کند و «ورنیه» را عقب و جلو می‌برد.

و در آن آخرین لحظات سستی، توانستم خودم را تجسم کنم که مانند کارگر بغل دستیم، کم کم تبدیل به غباری زردرنگ می‌شوم که باد به‌زودی پراکنده‌اش می‌کند. ▣

موجی در سراسر جهان به راه افتاده است که باید به آن سالم‌خواری، سبزخواری، و استفاده از مواهب طبیعی نام نهاد. این موج بر پایهٔ یافته‌های علمی برپا شده و آشکار شده است که دست کاری انسان در مواد غذاییْ تا چه اندازه او را از مواهب طبیعی محروم کرده است. جالب این که بشر برای زیباتر شدن غذا، مواد اصلی آن را دور می‌ریزد، بعد دچار بیماری می‌شود، و همان موادی را که دور ریخته با نسخهٔ پزشک از دارو تهیه می‌کند. در اوّل ردیف این بازی خطرناک غلات قرار دارند: نان. و بعد از آن نمک و شکر. "پزشک خود باشیم" این بار به نان خوب، برکت سفره، پرداخته است.

سیاه‌ها بهترند!



هما بطحائی

حدود سه هزار و ششصد سال قبل، قوم یهود در سرزمین مصر زندانی فرعون بود واجازه نداشت به سرزمین اجداد خود مراجعت کند. خداوند متعال به تمنای آنان پاسخ داد و حضرت موسی را برای آزادی امتش به سرزمین مصر فرستاد. شب موعود، مردان باروبنه خود را جمع کردند و فرزندان را به‌دوش کشیدند؛ زنان لباس و مختصری اثاثه و خمیر نانی را که برای فردا آماده کرده بودند برداشتند به راه افتادند. شتاب برای عزیمت مانع از ورآمدن خمیرنان شد. فردای آن‌روز، در بیابان اولادان اسرائیل نانی به‌صورت کلوچه به‌نام فطیر خوردند، نانی که هنوز ورنیامده بود. این اولین نان فطیری است که در تاریخ آمده: کلوچهٔ سبک ساده و زود هضم.

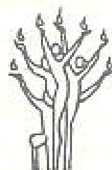
حضرت موسی وقتی که برای آزادی امتش به مصر رفت هشتادسال داشت. او چهل سال قبل از آزادی امتش در بیابان‌ها به سیر و سیاحت مشغول بود. راز سلامت او به‌طور قطع و یقین در تغذیه‌اش بود: آب تازه، خرما، و نان فطیر از گندم خالص (آرد با سبوس). با همین غذا حضرت موسی امتش را از بیابان عبور داد و به سرزمین موعود راه‌نمایی کرد.

هفده هزارسال است انسان کشاورزی می‌کند. از همان آغاز با غلات زندگی می‌کرده. اما در روزگار ما آرد خمیر و نان سفید هم وزن را بالا می‌برند و همهٔ متخصصان می‌گویند برای سلامت مضر است. چرا؟

در حقیقت نان خالص و کامل و غلات نه که زیانی ندارند، بل که برای زندگی انسانی ضروری‌اند و الزاماً چاق هم نمی‌کنند. آن‌چه باعث این ضرر و

The Young Iranian Jewish Group

Affiliated with Nessah Cultural Center



گروه جوانان یهود ایرانی

وابسته به کنیسای نصح ایران



● چهارشنبه ۲۳ اکتبر: بحث آزاد: هر چه می خواهد دل تنگت بگو.
موضوع: مقیاس خوشبختی و موفقیت در زندگی از دیدگاه جوانان ایرانی چیست؟
پول؟ زیبائی؟ خانواده؟ خانه داری؟ اخلاق و رفتار؟

Wednesday, October 23: Open Discusion
Topic: What is the measure by which our young community views success?
Is it money? Looks? Family? Attitude?

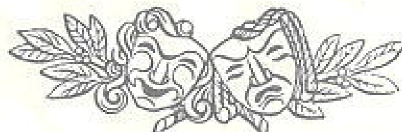


● چهارشنبه ۳۰ اکتبر: Dating Game.
بحث در مورد مشکلات جوانان یهود ایرانی در ملاقاتهای اولیه. برای شرکت در این برنامه با شهریار یا هومن تماس بگیرید.

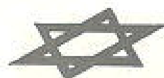
Wednesday,October 30: Dating Game
A program to identify problems facing the Young Iranian Jews on their first dates.
To participate in this program, please contact Shariar or Hooman a week in advance.

● پنجشنبه ۳۱ اکتبر: بهترین پارتی هالوین در شهر
پارتی بالماسکه با جائزه برای بهترین کاستوم در المپیک کالکشن، با شرکت خوانندهٔ محبوب جوانان مرتضی و گروه پاپیون.
بهای بلیط: قبل از پارتی ۲۵ دلار، شب پارتی ۳۰ دلار (بلیط رزرو نخواهد شد)

Thursday, October, 31: The Best Halloween Party in Town.
Costume Party with prize for the best costume at Olympic Collection.
Featuring the popular singer Morteza, & The Papion Group.
Tickets: $25 advance purchase, $30 at the door (No reservations please).



● چهارشنبه ۶ نوامبر: شبی با نمایندگان گروه کخ



موضوع: آیا با اخراج کردن فلسطینی ها از کشور اسرائیل مشکلات آن کشور حل خواهد شد؟

Wednesday November 6: A night with representatives from the Kach organization

Topic: Would throwing palestinians out of Israel solve the country's problem?

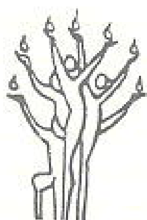


● چهارشنبه ۱۳ نوامبر: سخنرانی و بحث در مورد سکس، عشق، و زندگی زناشوئی.

Wednesday, November 13: A discussion on Sex, Love and Marriage among our youth with a guest speaker.

جلسات گروه هر چهارشنبه از ساعت ۸ الی ۱۱ میباشد
لطفاً هنگام ورود و خروج از پارکینگ سکوت کامل را رعایت فرمایید

Meetings are 8 p.m. till 11 p.m. every Wednesday
1537 Franklin Ave., Santa Monica Tel : (213) 453-2218



گروه جوانان یهود ایرانی

وابسته به کنیسای نصح ایسرائل





شب
بالماسکه

با شرکت هنرمند محبوب

مرتضی

و

گروه پاپیون





COSTUME PARTY
Dress To Impress

Prizes for the Best Costumes

Thursday Oct. 31, 1991

8:00 P.M. - 2:00 A.M.

بهای بلیط 30 دلار





Olympic Collection
11301 Olympic Blvd.
West Los Angeles

For More Information Call: (213) 453-2218

درآمد این جشن به مصرف برنامه های چهارشنبه شبهای گروه خواهد رسید.

The young Iranian Jewish Group 1537 Franklin Ave.

زیان‌ها می‌شود دخالت انسان‌هاست. انسان این قرن به طور عجیبی علاقه‌مند است که همه‌چیز را سفید کند! برای این کار دست به تصفیه می‌زند، و این فقط در مورد غلات نیست، بل‌که شکر سفید تصفیه‌شده و نمک سفید تصفیه‌شده هم چنین وضعیتی دارند. شکر تصفیه نشده و نمک یددار تصفیه نشده زیانی ندارند. به همین جهت می‌توان گفت: "سیاه بهتر است."

پیش از آن‌که بشر در تهیهٔ غذاها این‌قدر دخالت کند، طبیعت دانه‌های گندمی به ما ارزانی می‌داشت که از خاک بارور و آفتاب درخشان تغذیه می‌کرد و غذای کاملی بود.

اگر یک دانهٔ گندم را در دست بگیریم و به دقت مشاهده و مطالعه کنیم، خواهیم دید که غلاف و سبوس دانه با خود دانه مجموعه‌ای است جدا نشدنی. هر کدام از این‌ها به نظر برای دیگری ضروری می‌آیند. حالا چرا بشر آن‌ها را از هم جدا می‌کند و این ساختمان هم‌آهنگ و زیبا را به‌هم می‌زند، گویا فقط برای آن است که آرد سفیدی به دست آورد. و این با زحمت بسیار حاصل می‌شود، چنان که شکر نیز با بدبختی سفید می‌شود، و نمک بی‌رنگ. این زحمات اضافی، حالا معلوم شده است، سلامت انسان‌ها را به خطر می‌اندازند.

انتقاد از نحوهٔ تهیه و مصرف نان، نمک، و شکر از آن جمله حرف‌هایی نیست که از نوستالژی گذشته سرچشمه می‌گیرد، بل‌که نتیجهٔ مطالعات نشان می‌دهد که دست‌کاری و تغییر شکل غذاهایی که هزاران سال است بشر را تغذیه و محافظت کرده‌اند تا حد زیادی برای بدن‌ها زیان‌آور است.

شکر

شکر تصفیه شدهٔ حاصل از چغندر بدن را از آنزیم‌ها، ویتامین‌ها، و نمک‌های معدنی محروم می‌کند. برای هضم این شکر، بدن مجبور است ذخیره‌های گران قیمت خود را مصرف کند؛ در هر بار جذب شکر سفید، از میزان آنزیم‌ها و ویتامین‌ها و نمک‌های معدنی بدن کم می‌شود، و این خبر خوبی برای سلامت بدن نیست.

نمک

از نمک شروع کنیم. نمک را وقتی تصفیه می‌کنند، البته سفید و خوش‌رنگ می‌شود و از نمک‌دان به‌خوبی می‌ریزد، اما منیزیوم آن، که مهم ترین عامل مقاومت در برابر سرطان است و اثر آن از تمام منیزیوم‌های شیمیایی بیش‌تر، از نمک گرفته می‌شود. این تصفیه ید موجود در نمک را، که برای بدن و به‌ویژه تیروئید واجب است و برومور آن برای سلسلهٔ اعصاب لازم، و بقیهٔ کاتالیزورها مانند مس، طلا، کوبالت، و نیکل نیز از بین می‌روند. این‌ها همه برای بدن ضروری‌اند.

گندم

و مهم‌ترین بحث دربارهٔ آرد گندم است. آرد گندم وقتی سفید است که غلاف و سبوس خود را از دست داده و به همان دردی مبتلا شده که برنج. تجربیات آزمایش‌گاهی نشان داده‌اند که سبوس عامل فوق‌العاده قوی حفاظت بدن در مقابل سرطان است. از طرف دیگر، این سبوس عامل برطرف‌کنندهٔ یبوست است و به لطف داشتن سیلیس، انسان را در مقابل بیماری سل حفظ می‌کند. به بیان دیگر، تمام نیروی انرژی‌زا و حیاتی گندم در دانه‌ای است که آرد سفید از آن بی‌بهره است. با دور ریختن سبوس نه تنها ویتامین E که برای مقابله با دیابت و بیماری‌های قلبی و سرطان ضروری است، بل‌که ذخیرهٔ ویتامین Bای بزرگ و مطمئن خانواده که تعادل سلسله اعصاب به آن است نیز دور ریخته می‌شود.

برنج

برنج سفید، تمیز و خوش‌مزه است، ولی به تقریب تمام ویتامین‌ها و املاح معدنی‌ای که در دانه و شلتوک آن بوده از دست رفته‌اند.

نان کامل

ما به دو دلیل خواهان نان کامل‌ایم: یکی حفظ



سلامت، دیگر صرفه‌جویی در هزینه‌ها. چرا باید نان را از نانوایی بخریم و ویتامین‌ها و املاح معدنی را از داروخانه؟ در حالی که نان کامل جواب‌گوی هر دو نیاز ماست. باید دانست که گندم طبیعی و دست‌کاری نشده، علاوه بر آن‌چه که شرح داده شد، عناصر دیگری دارد که ما را در مقابل خراب‌شدن و کرم‌خوردگی دندان‌ها و کم‌خونی محافظت می‌کند و مواد لازم را برای تجدید و بازسازی سلول‌های پوست و سلول‌های رشته‌های عصبی و مواد خاکستری مغز دارد. دانه‌ای خُرد و این‌چنین حاوی مواد حیاتی و انرژی برای بدن؟ شگفتا!

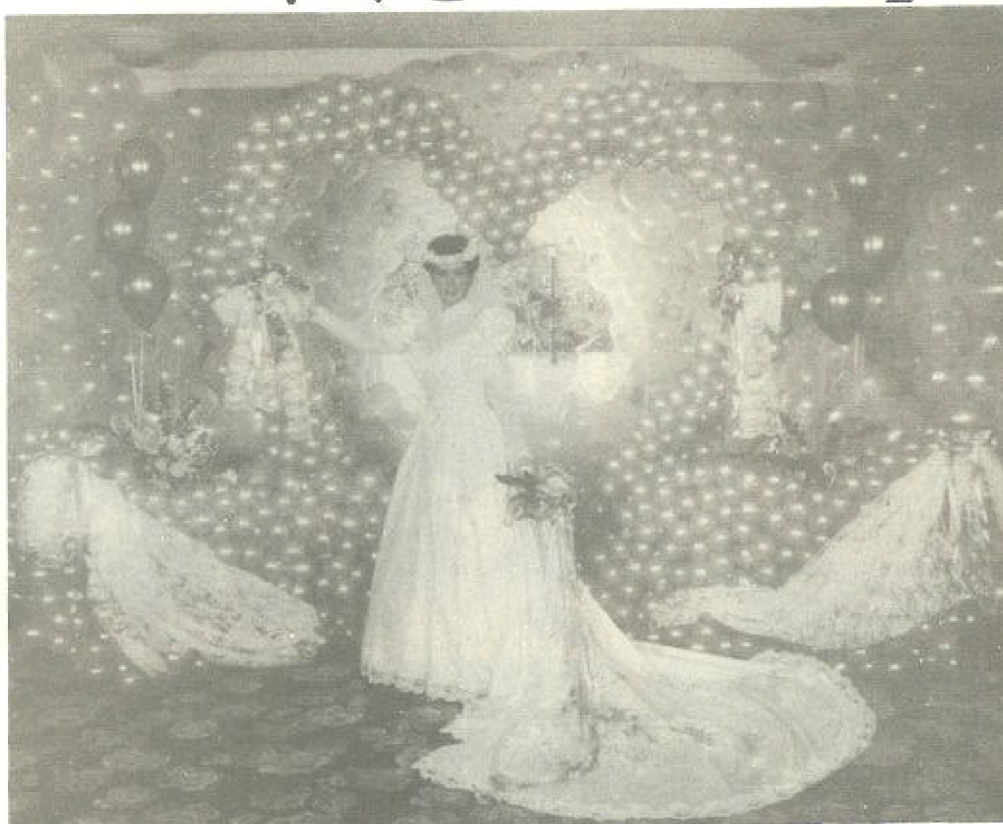
اصرار متخصصان در مصرف نان کامل (از گندم دست‌کاری نشده و جوانهٔ گندم) و کنار گذاشتن نان تهیه‌شده از آرد تصفیه‌شده به این علت است که آرد تصفیه‌شده عاری از مواد زیستی لازم برای سلامت بدن است. به‌علاوه گاه نان کاملی به‌دست می‌رسد که آردش آرد تصفیه شده است، ولی سبوس و جوانهٔ گندم به آن اضافه شده و با آن مخلوط شده است. این نان هم نمی‌تواند به‌معنای واقعی نان کامل باشد، زیرا این نان "مونتاژی" است و دانهٔ گندم آن دست‌کاری و خراب شده است. مانند خودرویی است که هر تکهٔ آن از یک کارخانهٔ جداگانه مونتاژ شده باشد. دانهٔ گندمی که از گیاه گندم گرفته‌شده و کامل باشد و تکه پاره نشده باشد، غذایی کامل است و می‌تواند سلامت ما را تأمین کند. لذا باید نانی تهیه کنیم که از مخمرهای شیمیایی تهیه شده باشد و چند ساعت بعد از این‌که از تنور خارج شد به شکل پلاستیک در نیاید و شکم را به‌صورت طبل در نیاورد. نکتهٔ دیگر: نانی که در تنورهای فعلی تهیه می‌شود با سوخت گازوئیل و یا مازوت است. گازوئیل یا مازوت با فشار زیاد به داخل تنور پاشیده و با حرارت زیاد سوخته می‌شود. آیا چنین سوختی که ذرات آن روی نان می‌نشیند سرطان‌زا نیست؟ تا حد امکان از خوردن چنین نانی پرهیز باید کرد. یاد دکان‌های نانوایی با سوخت چوب و گون به‌خیر!

خوش‌بختانه روز به روز تمایل مردم برای مصرف نان کامل و دوری آنان از نان سفید بیش‌تر می‌شود. زیرا متوجه شده‌اند که نان سفید معده را گشاد می‌کند، عناصر حیاتی لازم را ندارد، و عاری از سلولز لازم برای شکل گرفتن مدفوع است. مدارک طبی‌ای در دست است که نشان می‌دهد کسانی که به‌طور معمول نان سفید مصرف می‌کند بیش‌تر از افرادی که نان سفید مصرف نمی‌کنند مبتلا به آپاندیسیت و سایر بیماری‌های دست‌گاه گوارش می‌شوند. به‌علاوه ثابت شده است که هر چند مواد غذایی حاوی الیاف گیاهی را بیش‌تر مصرف کنیم، از عارضهٔ کلسترول و بیماری‌های قلبی کم‌تر رنج می‌بریم.

چند توصیه

به‌سلامت خود بی‌توجه نباشیم — متوجه رفتارهای غذایی نامناسب و مضری که به‌مرور عادت شده‌اند باشیم. به یاد داشته باشیم که سفرهٔ ما هر روز و شب با

تزیینات مجالس با بادکنک



برای بت میتصوا، برمیتصوا، عروسی، نامزدی، تولد، شاور و غیره

تزئین خوپا با بادکنک برای عروس خانمهای باسلیقه

تزئین محل رقص با نور در داخل بادکنک

تهیه Centerpiece و گل در داخل بادکنک

و صدها طرح جالب و بی نظیر مناسب باهر نوع سلیقه و بودجه

امکان کرایه کپسول هلیوم

تحویل بادکنک درمحل

ما طراحان فروشگاه آرتیستیک بالون از شما دعوت میکنیم تا برای کسب اطلاعات و آشنایی بیشتر با دنیای بادکنک، قیمتها، نوع کار و سلیقه ما از این محل شادی آفرین دیدن فرمائید.

6455 Topanga Canyon Blvd., Canoga Park, CA 91303

(818) 704-8283

بامدیریت کوروش فرنوش

تشکر از بچه های سازمان

اعضای گروه جوانان "سیامك "
به مدیریت ژاك ذکریائی وکوششهای
بی نظیر نیلوفر آرام نیا وپیمان
بصیرتمند .





فرامرز آصف و گروه ۹ نفره افرا
شبی فراموش ناشدنی در متل لوز
ساختند



بیش از هزار نفر تا ۲ نیمه شب به
پایکوبی پرداختند.

جوانان سیامک

International Judea Foundation

Proudly Presents

اولین تور هفت روزه SKI

LAKE TAHOE

December 22–28

Lakeland Village
Beach & Ski Resort

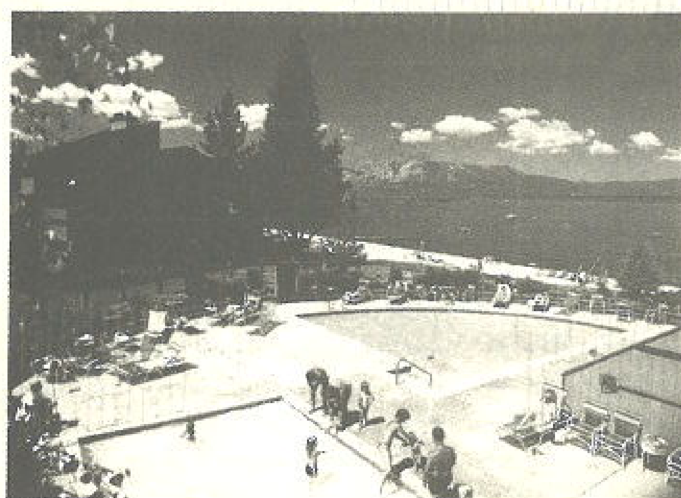
فقط ۲۹۹ دلار

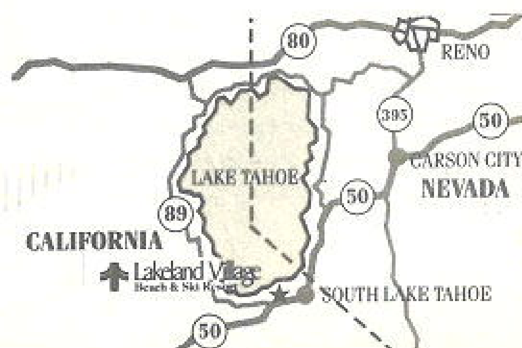
مسافرت با اتوبوسهای دو لوکس

کاندوهای لوکس و عالی مشرف به دریاچه

با تخفیف برای بلیطهای اسکی

برای کسب اطلاعات بیشتر با دفتر سازمان ۱۲۷۰-۵۰۳-۸۱۸ تماس حاصل نمائید





نان باز می‌شود. نان قوت غالب ماست. هر وعده غذا را با نان سالم و کامل شروع و تمام کنیم. به دنبال کشف خواص غلات دیگری باشیم که هم‌اکنون به‌صورت سوپ، آش، کلوچه، و کرپ می‌خوریم. به این وسیله بیماری‌ها را از خود دور کنیم.

این ضرب‌المثل فرانسوی را که "بدون نان سفید، صبحانه بی‌فایده است" رها کنیم، این فقط یک عادت است. **نان سیاه را جای‌گزین نان سفید** کنیم. اگر واقعاً به مزهٔ نان سیاه عادت نداریم، از کم شروع کنیم. به‌زودی به طعم و مزهٔ آن عادت می‌کنیم. ابتدا از صبحانه شروع کنیم، بعد غذاهای دیگر را هم با نان سیاه صرف کنیم. بعد از چندی نتایج آن‌را خواهیم دید. بچه را نیز به نان سیاه عادت دهیم و سلامت و شادابی آنان را بیمه کنیم.

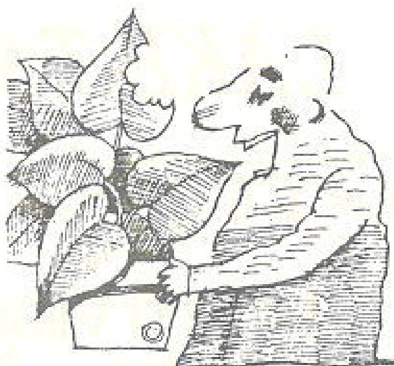
سال‌های طولانی، غلات غذای اصلی و کامل پیشینیان ما بوده است. علاقهٔ مردم از هفده هزارسال پیش که بشر کشت غلات را دریافته است تا امروز علاقهٔ مردم به غلات بیش‌تر و بیش‌تر شده است. در سابق کلوچهٔ گندم و سایر غلات خود به تنهایی غذای کاملی بوده است. ابتدا بدون سُس و بعد با اضافه کردن سُس. گندم در قدیم نزد اغلب مردم کشورها گیاه مقدسی بوده است. هنوز هم در کشور ما از دور ریختن نان، به‌خصوص در خاک‌روبه و زیردست و پا و معابر عمومی خودداری می‌کنند و آن را به‌حق گناه می‌دانند. اگر تکه نانی در کوچه و خیابان و معابر عمومی ببینند، آن را برمی‌دارند و با احترام در جای امنی دور از دست‌وپا می‌گذارند. این رفتارها نشانهٔ نقش ویژه‌ای است که نان در تغذیهٔ عمومی و سلامت ما دارد. چرا به عادات نیکوی پیشینیان خود برنگردیم و راز غلات را در نگه‌داری سلامت خود نجوییم؟ برنج، گندم، ارزن، ذرت، جو، چاودار یا چودار، و دوسر یا جو دوسر از غلات مفیدی‌اند که باید درپی آن‌ها بود. به غذای خود و کودکان نان اضافه کنیم. این غلات دور معیوب: تغذیهٔ ناسالم، خستگی، و بیماری را می‌شکنند. در جستجوی غنای طبیعت باشیم.

جو دوسر

قدیمی‌ها این غله را زیاد مصرف می‌کردند؛ حالا معلوم شده است که این غله ضد اوره و بیماری قند است. خاصیت مسمومیت‌زدایی دارد و در رفع ناتوانی جنسی هم مفید است. به‌علاوه هورمون رشد دارد و حاوی انواع نمک‌های معدنی و ویتامین‌هاست (به‌خصوص ویتامین D، ضد نرمی استخوان). لذا دوسر برای کودکان سفارش شده است. مصرف آن در زمستان مزیت دارد. بهترین روش خوردن آن صبح‌ها به‌صورت سوپ و یا به‌صورت خشک با میوه‌های خشک یا تازه با عسل است.

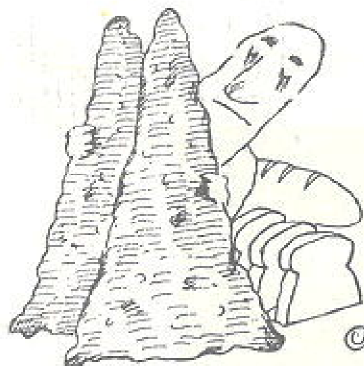
ذرت

در تابستان سر چهارراه‌ها و در پیاده‌رو خیابان‌ها افرادی را می‌بینیم که منقل آتش و ذرت جلو خود گذاشته‌اند و مردم را به خوردن بلال دعوت می‌کنند. همهٔ ما در کودکی، حتی هم‌اکنون، با دیدن بساط بلال‌فروشی پای‌مان سست می‌شود و به‌آسانی نمی‌توانیم از کنار آن بگذریم. برد با کسی است که بلال شیر به‌دستش می‌افتد. بلال‌فروش با سلیقهٔ خود بعد از کباب کردن نمک‌زدن آن به‌هر نفر یک بلال



عرضه می‌کند. قدیم‌ها با وجودی که از داغی و شوری بلال لب و دهان‌مان می‌سوخت، مع‌ذلک از خوردن آن لذت می‌بردیم. امروزه هنوز هم وقتی به‌یاد آن محصول طلایی می‌افتیم، از یادآوری آن آب دهان‌مان جاری می‌شود.

برخلاف جو دوسر، ذرت یک غلهٔ تابستانی و فصل گرماست. ذرت مسکن فعالیت‌های غدهٔ تیروئید است و بدن را تازه و خنک نگه می‌دارد. به همین علت



است که ذرت در مناطق نسبتاً گرم کرهٔ زمین می‌روید. اهالی بومی امریکای مرکزی و مکزیکی‌ها اولین کسانی بودند که به کشت ذرت پرداختند و از آن تغذیه کردند. کریستف کلمب نیز اولین کسی بود که شاخهٔ ذرت را کشف کرد و آن را مانند گوجه‌فرنگی و سیب‌زمینی به اروپا برد، و سایر نقاط جهان به کشت آن پرداختند.

ذرت ترشح تیروئید را متعادل می‌کند و نیروبخش است. لذا توصیه می‌شود که از خوراندن آن به کودکان خودداری نشود.

ارزن

قدیمی‌ها ارزن را دوست داشتند. معلوم شده است که دوست‌داشتن ارزن به‌علت غنی بودن از ویتامین ۸ و آهن و منیزیوم است، که برای حیات سلول‌ها ضروری است و نیز فسفر که اعمال هوشی را فعال می‌کند و خستگی و افسردگی را برطرف می‌سازد. مصرف مرتب ارزن جلو سرماخوردگی برنشیت را می‌گیرد؛ دندان‌ها را از کرم‌خوردگی محافظت می‌کند؛ و موها را تازه و شاداب نگه می‌دارد. ارزن را به‌طور طبیعی و یا مانند برنج به‌صورت پخته می‌توان مصرف کرد.

برنج

نیمی از مردم جهان برنج می‌خورند. آسیا وطن برنج است و از آن‌جا به نقاط دیگر منتشر شده است. کلیه عناصر حیاتی و مهم برنج در جدار دانه است. اگر برنج را پاک و صاف و سفید کنیم، اغلب مواد غذایی و انرژی‌زای خود را از دست می‌دهد. فقط سفید و خوش‌رنگ در بشقاب غذا جلوه‌گری می‌کند، بدون این‌که از نظر تغذیه مفید باشد — در عین حال وزن را بالا می‌برد و به یبوست دچارمان می‌کند. همان‌طور که در مورد گندم گفتیم، در مورد برنج هم سیاه بهتر است. لذا برنج کامل و دست‌نخورده را که به رنگ بلوطی است انتخاب کنید و فراموش نکنید که این برنج را طولانی‌تر از برنج سفید و پاک‌شده بپزید و اگر می‌خواهید لثه‌های سالمی داشته باشید، آن را خوب بجوید.

چودار (چاودار)

چودار برای کسانی که به تصلب شرایین دچارند سفارش شده است. اختلال جریان خون، فشارخون، و سفتی شرایین از مواردی است که برای رهایی از آن باید به چودار متوسل شد. چودار از یک‌طرف خوش‌طعم و خوش‌ذایقه است، و از طرف دیگر تجدید نیرو و انرژی می‌کند. یادآور شویم که توصیه شده است یک‌دوره نان چودار بعد از یک‌دوره نان گندم به‌طور متناوب یکی بعد از دیگری به‌کار رود، این نسخهٔ جوانی است.

جو

جو بدون شک قدیم‌ترین غلهٔ جهان است، و

قدمت آن به هفده‌هزارسال پیش می‌رسد. این اولین غله‌ای است که بشر کشف و زراعت کرده است. قدمت جو تنها شایستگی آن نیست؛ خواص وافری دارد: ساختمان اسکلت بدن را از کلسیم غنی می‌کند؛ ارگانیسم را جوان و شاداب می‌کند؛ و سلول‌های عصبی را در بهترین حالت نگه می‌دارد.

گندم سیاه

گندم سیاه به گندم ترکمن یا گندم ترکمان نیز معروف است. ترکمن‌ها به شجاعت معروف‌اند. در عین حال مردمی هستند که بیش از سایرین گندم سیاه مصرف می‌کنند. شاید خبر نداشته باشید که در آزمایش‌گاه‌ها از این غله بیش از سایر غلات دارو تهیه می‌کنند. پس چرا به‌جای این‌که دارو مصرف کنیم، سراغ گندم سیاه را نگیریم. می‌توانیم آن‌را به‌صورت کلوچه یا کیک مصرف کنیم. به‌علاوه، گندم سیاه فلوئور که برای حفظ و سلامت دندان‌ها ضروری است و ویتامین P دارد که عروق و سلول‌های عصبی را تقویت می‌کند.

جوانهٔ گندم

گندم به‌صورت‌های گوناگونی مانند نان، کلوچه، رشته، و... مصرف می‌شود. هم‌چنین به‌صورت جوانه. جوانهٔ گندم غذا و داروست - دارویی معجزه‌آسا. جوانهٔ گندم اثرات چند جانبه‌ای در مبارزه با عوارض جسمانی و روانی دارد. به‌طور کلی فسفات‌های ارگانیک جوانهٔ گندم از مواد لازم برای برطرف کردن سستی و شلی عضلات است. کم شدن قوام عضلات معده و روده یکی از عوامل اصلی اختلالات جهاز هاضمه است. به‌علاوه جوانهٔ گندم مقدار قابل توجهی منیزیوم دارد که عامل ضد سرطان‌زایی است و مصونیت‌های طبیعی بدن را تقویت می‌کند و ما را در مقابل اکثر بیماری‌ها مقاوم می‌سازد. این تمام قضیه نیست - جوانهٔ گندم کلسیم، فسفر، و ویتامین B دارد (خصوصاً ویتامین B_1) که این سه از عناصر لازم برای سلامت و تضمین کارکرد دست‌گاه اعصاب به‌خصوص دست‌گاه اعصاب مرکزی است. چه دارویی بهتر از جوانهٔ گندم برای درمان و مقابله با افسردگی و حالات عصبی و نروز؟

جوانهٔ گندم در دل خود مواد مفید و عجیب دیگری هم ذخیره کرده است. ویتامین E که سرباز مدافع بدن درمقابل آسم و دیابت (مرض قند) و بیماری‌های قلبی و نازایی و بعضی از اشکال سرطان است؛ و پتاسیم، آهن، و روی که هر سه از عناصر سازندهٔ خون‌اند و با کم‌خونی‌ها مقابله می‌کنند. این عناصر هم‌چنین به تغذیهٔ سلول‌های ارگانیسم کمک می‌کنند؛ به‌علاوه یبوست را متوقف می‌سازند. خلاصه جوانهٔ گندم بهترین داروی تقویت‌کننده کودکان، ورزش کاران، زنان آبستن، و تمام اشخاصی است که از کم‌بود کلسیم و مواد معدنی رنج می‌برند.

ممکن است بگویید این قصهٔ جوانهٔ گندم شبیه قصهٔ پریان است. چه‌گونه یک دانه به این کوچکی می‌تواند این‌همه خاصیت داشته باشد. شاید تخیلی و ساختگی باشد. به‌عنوان نمونه به جدول زیر توجه کنید:



عناصر	نان سفید	گندم (درصد گرم)	جوانهٔ گندم
منیزیوم	۰/۵ میلی گرم	۱۳۳ میلی گرم	۳۴۲ میلی گرم
کلسیم	۱۴ میلی گرم	۴۵ میلی گرم	۷۱ میلی گرم
فسفر	۸۶ میلی گرم	۴۲۳ میلی گرم	۱۰۵۰ میلی گرم

ارقام جدول به خوبی نشان می‌دهند که جوانهٔ گندم نسبت به نان سفید ۷۰۰ برابر منیزیوم، پنج برابر کلسیم، بیش‌تر، و ۱۲ برابر فسفر دارد. به این علت



است که گندم تقویت کننده‌ای است باور نکردنی.

تهیهٔ جوانهٔ گندم خیلی ساده است. کافی است مقداری گندم تازه خریداری کنید و آن‌را در ظرف مخصوص و یا در بشقاب گود بخیسانید. اگر به طریق زیر عمل کنید، ساده‌تر و بهتر است:

- ۳ یا ۴ قاشق غذاخوری دانهٔ گندم را در بشقاب گود بریزید.
- با آب ولرم آن را خوب بشویید.
- بشقاب را پر از آب کنید.
- ۲۴ ساعت بعد آب آن را خالی کنید و با آب سرد مجدداً بشویید و بدون آب نگه‌دارید.
- زمستان بشقاب را در هوای گرم قرار دهید، و تابستان برعکس در جای خنک.
- در تابستان بعد از ۲۴ ساعت جوانه می‌زند و می‌توانید آن را همان‌روز، و یا حداکثر ۲۴ ساعت بعد مصرف کنید (هیچ‌گاه جوانه را برای مدت طولانی نگه ندارید. معمولاً جوانهٔ گندم را همان روز و یا حداکثر روز بعد باید مصرف کرد.)
- در زمستان کمی دیرتر جوانه می‌زند، معمولاً ۴۸ ساعت بعد از آماده‌شدن. در هر صورت، در هر فصلی باشد، به مجرد این‌که دانه‌های سفید ظاهر شوند می‌توانید مصرف کنید.

چهار بار در سال یک دورهٔ دوهفته‌ای را به خوردن جوانهٔ گندم اختصاص دهید. هر دوره را در تعویض فصل انجام دهید. مدت دو هفته هر روز یک بشقاب به‌تدریج از صبح تا شب بخورید. چه در دوران نقاهت بیماری‌ها و چه در حالات دیگر. بهترین دوره‌ها هنگام ابتلا به افسردگی و خستگی و یا دوران نقاهت بیماری‌هاست. اگر از روز اول قادر نیستید تمام بشقاب را مصرف کنید، می‌توانید روز اول در هر دوره را با یک قاشق شروع کنید و هر روز یک قاشق اضافه کنید. یا به‌طریق دیگر می‌توانید آن را پودر کنید و با عسل هنگام صبحانه صرف کنید و یا با سوپ، املت، و همراه با سایر سبزی‌ها به‌صورت سالاد بخورید. فراموش نکنید که بهتر است جوانهٔ گندم خوب جویده شود.

آخرین نکته: هنگامی‌که برای ارضای کنج‌کاوی به بشقاب نگاه می‌کنید چشمان شما بی‌اختیار جذب جوانه‌های سفید بسیار کوچک می‌شود. از خود سؤال می‌کنید که چه‌گونه جوانه به این ریزی می‌تواند این همه خواص و انرژی داشته‌باشد! تعجبی ندارد، آنزیم‌های نهفته در دانهٔ گندم در مجاورت رطوبت و حرارت بیدار و موجب شکفتگی گندم می‌شوند، و اگر همان‌طور که سفارش شد، زود خورده شود، تمام این آنزیم‌ها وارد ارگانیسم می‌شوند.

طنز

فرمایشات

● وقتی از خانمی سنش را میپرسید و او جوابی میدهد، درست مثل وقتی است که یك اتومبیل دست دوم خریده‌اید: اطمینان دارید کیلومتر شمارش دستکاری شده، ولی نمیدانید چقدر.

● عبدالمجیدخان، مرد جا افتاده لبخند بارتی میگوید:

– من و زنم پیش از ازدواج جرات نداشتیم حتی صورت همدیگر را نگاه کنیم. حالا هم همینطور...

● در استانه فصل تلویزیونی بد نیست بدانید که بعقیده عموم دانشمندان تلویزیون شناس، تلویزیون هرگز موفق به تهیه برنامه‌های ایده‌آل نخواهد شد مگر وقتی که در استودیو دستگاهی باشد که وقتی تماشاگران، تلویزیونهای خود را خاموش میکنند، تعداد آنها را نشان دهد.

● تنها وقتی که خانمی با دقت به حرفهای شوهرش گوش میدهد، موقعی است که آقا در خواب حرف میزند.

رجز خوانی

بکسور حرفه‌ای سیاهپوست گردن کلفتی، ده دقیقه پیش از شروع مسابقه در رختکن بالا و پائین میرفت، دندانها را بهم میسائید، مشتها را بهم می‌کوفت و میگفت:

– جانی بوم‌بوم امروز تو روند دوم درب وداغون میشه!

مربی جواب داد:

– بسیار خوب، بسیار خوب، ولی تو خونسرد باش ...

بکسور ادامه داد:

– جانی بوم‌بوم خیلی زور بزنه روند سوم با صورت خون‌آلود و چشمهای ورقلمبیده نقش زمین میشه!

– خیله خوب جانم، خونسردیتو حفظ کن، به خونسردی احتیاج داری....

– بسیار خوب، خونسرد میشم، ولی بنظر من بهتره که برای جانی بوم‌بوم یه‌اتاق تو بیمارستان رزرو کنی، البته اگه زنده بمونه.

– بسه بابا! الان مسابقه شروع میشه محض رضای خدا اگه میشه دیگه فراموش کن که اسمت جانی بوم‌بومه!

علائم ظهور

به عقیدهٔ یکی از دامادهای باسابقه:

وقتی زنی به شوهرش می‌گوید:

– چقده خونه‌سون خلوت و ساکت وغمگین شده...

یعنی اینکه:

– ماماتم رو دعوت کردم که چند روز بیاد پیشمون.

ووقتی می‌گوید:

– عقیده تو در این مورد چیه؟

یعنی اینکه

– من تصمیم خودموگرفتم، تو هرچی می‌خوای بگی بگو.

درس گناه

آقامعلم بچه‌های بزرگ دبیرستانی را جمع کرده بود وداشت درباره خطرات عظیم عیاشی وفساد برایشان صحبت می کرد.می گفت:

— از اهمیت‌گناه اول غافل نشین ، هرچقدرهم کوچیک باشه ، اولین قدم سقوط از اونجا شروع میشه که جوون به سیگار می کشه . پشت سرسیگارمیلش می کشه به‌مشروب ، گیلاس اول ودوم و سوم ومستی . اونوقت نوبت عیاشی وفساد می‌رسه وجوون تومنجلاب‌گناه وتوی‌بغل زنهاگم‌میشه وچشم هم‌بذاره می‌بینه که دوروبرش رو مشروب وقمار وزنهای زیبا پر کردن...

یکی ازبچه‌ها پرسید:

—آقااون‌جورسیگارو کجا می‌فروشن؟

عیب بزرگ

حاجی فتح‌الله خان، پولدار و سرزنده، اول پیری هوس تجدید فراش کرد. زن خوشگل و بیوه‌ای را هم زیر سر گذاشت و باب آشنائی را به لطایف‌الحیل با او گشود و وقتی بالاخره رضایتش را برای ازدواج جلب کرد، به فکرش رسید که تحقیقی هم در اطراف اخلاقیات و شهرت زن بعمل اورد. یکی از مؤمنات این کاره را (بدون اینکه بگوید چه قصد و نیتی دارد) مأمور تحقیق کرد و کاراگاه خصوصی حاجی‌اقا رفت دنبال مأموریت و چندروز بعد برگشت و این طور گزارش داد:

– حاجی‌اقا این طوری که فهمیدم، همه میگن بسیار زن خوب نجیب و خونه‌داریه، سابقه بدی هم نداره. فقط تنها عیبی که روش گذاشتن، اینه که اخیرا با یك حاجی‌پیر خرپول اشنا شده و می‌خواهد به هوای پولش زنش بشه!

در هالیوود

ازدواجها و طلاقها در هالیوود جور دیگری است. در اینجا از طلاقهای هالیوودی بارها سخن گفته‌ایم. حالا یکی هم راجع به ازدواجهای انجا بشنوید:

دوستاره سینما که دوست بودند، در راهرو و استودیو بهم رسیدند. یکیشان پرسید:

– خبر ازدواج محرمانه دیشبتو پخش نکردی؟

دومی گفت:

– هنوز نه. منتظرم شوهرم مستی از سرش بپره، اول بخودش بگم.

ترحم

ملوك خانم سالها بود که برای یك پالتو پوست نق میزد و شوهرش مهر علی خان گوشش بدهکار نبود. اما بالاخره چندان هم بیخیال ننشسته بود بطوریکه امسال، نزدیکهای روز تولد عیال، بجان کندن و کلاه کلاه کردن، پولی فراهم کرد و یك پالتو پوست تهیه دید و بعنوان هدیه تولد، تقدیم ملوك خانم کرد. آنهم جلو جمعی از فامیل که مهمان جشن بودند.

بله... ملوك خانم با اشتیاق و ذوقی خارج از حد پالتو را پوشید و چرخی زد و کیف کرد و بعد، گفت:

– خیلی خیلی خوشحالم. فقط یه چیزی ناراحتم میکنه... اینکه پوست یه حیوون بیچاره‌ای کنده شده که من یه پالتو تنم کنم...

مهر علی خان از آن ته سالن ندا در داد که:

– متشکرم ملوك جون که به فکر من افتادی.

شانس

مسیوتوپون به مسیو گاستون گفت:

– اگه بدونی چه بلایی بسرم اومده...

– چی شده؟

– زنم دار و ندارم رو بر داشته و در رفته.

– به، تو که شانس آوردی... بیخود داری شکایت میکنی. منوچی میگی که زنم دار و ندارم را بر داشته، ولی در نرفته.

غیبت

اشرف خانم و ملوك‌خانم داشتند پشت سرشمسی خانم حرف می‌زدند و خوب.... معلوم است که مشغول ذکر خیر او نبودند.

اشرف‌خانم گفت:

– واه‌واه! ادم حالش بهم می‌خوره بس که زشته و پرافاده!

ملوك‌خانم اضافه کرد:

– از اون گذشته، زبونشم چقده میگیره!

– اره، راس‌گفتی. انقده زبونش میگیره که تا بیاد به یه‌مردی‌بگه «نه» رسیده به زایشگاه!

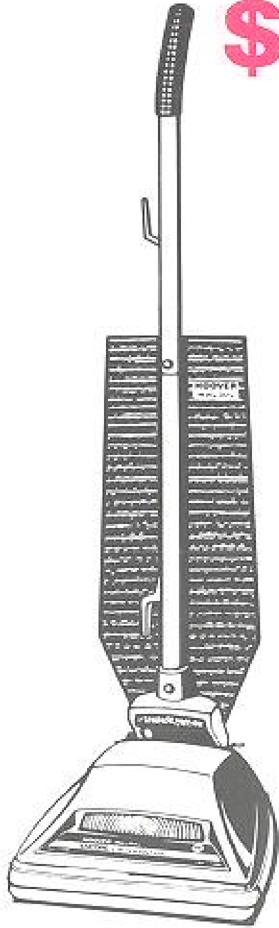
HOOVER SALE

فروشگاه گلدن سیتی





انواع وسائل خانگی و کادوئی و الکتریکی با نازلترین قیمت
۱۱۰ و ۲۲۰ ولت
تلفن: ۹۳۰۶_۹۳۴ (۲۱۳)



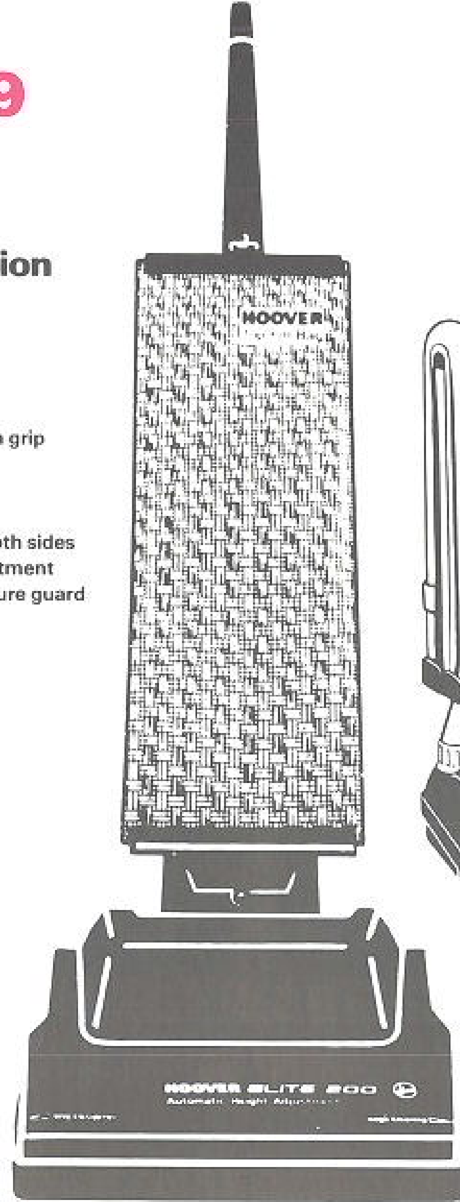
$85.99

HOOVER® Encore™ Limited Edition Heavy-Duty Upright Cleaner

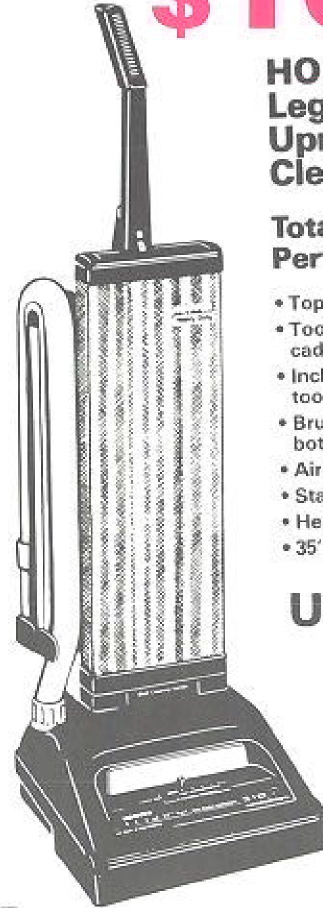
- All steel handle with grip
- 16' cord with wrap
- 15 qt. top-fill bag
- Headlight
- Edge cleaning on both sides
- 4-position rug adjustment
- Non-marking furniture guard

Includes 6 FREE Replacement Bags

U4595



U4455 **$55.99**



$169.99

HOOVER® Legacy™ Upright Vacuum Cleaning System

Total System Performance™ 810

- Top tool connection
- Tools store in attached caddy
- Includes deluxe 5-piece tool set
- Brushed edge cleaning on both sides
- Air freshener system
- Stair cleaning handle
- Headlight
- 35' cord with quick release

U4581-910

Offer expires
November 30, 91

از این حراج بزرگ تا
٤٥٪ تخفیف استفاده
کنید

Golden City Discount Store

5518 Wilshire Blvd., Los Angeles
213 • 934 • 9306